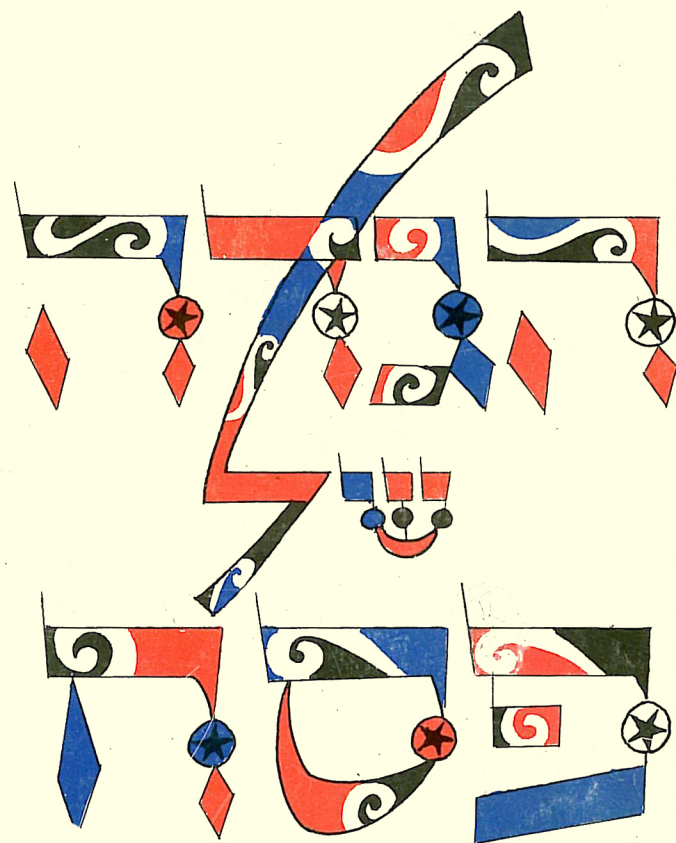


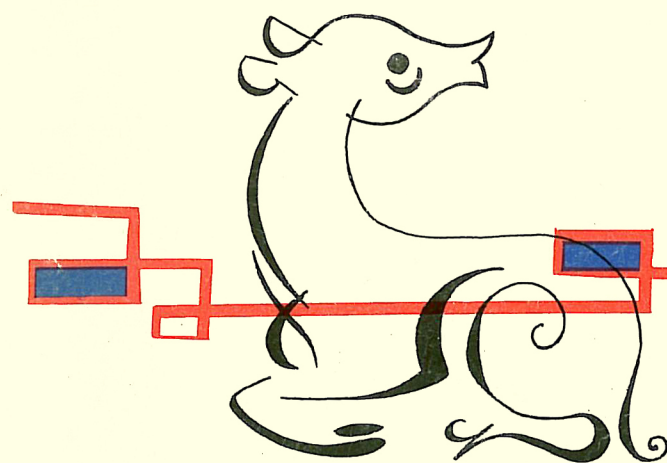
هگاد اشل پِسَح

هگاد اشل پِسَح

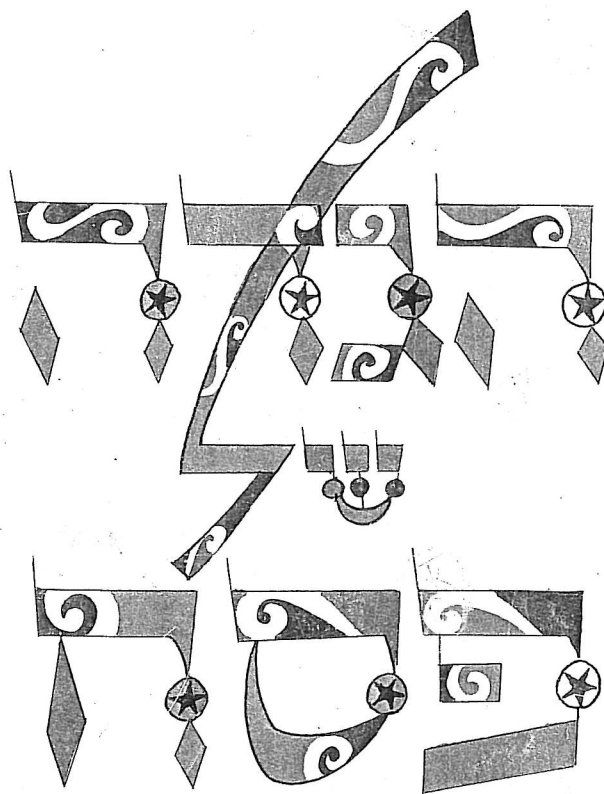


تهیه و تنظیم از

داوید شوفط

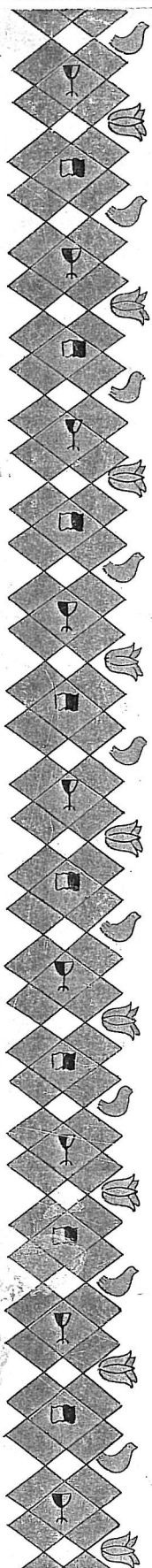


هگاد اشل پِسَح



تهیه و تنظیم از

داوید شوفط



از انتشارات انجمن کلیمیان ایران - تهران، صندوق ملی .

چاپ جم

فهرست

صفحه

۳

پیش‌گفتار

۵-۹

فصل اول
عید آزادی

۱۰-۱۸

فصل دوم
تاریخ پسخ به استناد بر منابع یهودی. پسخ در «تورا».
پسخ در زمان یهوشوع. پسخ در زمان حزقیا. پسخ در
زمان یوشیا. پسخ در سایر منابع.

۱۹-۲۲

فصل سوم
هتادای پسخ

۲۳-۲۸

فصل چهارم
آمادگی برای شب پسخ. «براخای بیعور و بیطول
حامص». «براخای شمع‌های موعده».

۲۹

هتادای شل پسخ

۳۱-۱۱۷

مراسم شب پسخ

۱۱۸

حدگذاری

پیش‌گفتار

جوامع انسانی از آغاز پیدایش خود در صحنه گیتی همواره در مسیر وقایع و حوادث گوناگون قرار گرفته‌اند. برخی از این حوادث چنان بنیادی، ژرف و عمیق بوده است که سرنوشت بسیاری از ملت‌ها را به یکباره تغییر داده است. در میان همه ملل و اقوامی که از ازمته باستان تا کنون ناشی بر صفحه تاریخ بشری داشته‌اند، قوم یهود بیش از همه با حوادث گوناگون روبرو شده است. ملت یهود در رویاروی با این اتفاقات نه تنها چون کوهی استوار محکم و پابرجا مانده و امواج متلاطم و بنیان‌کن را از سر گذرانده است بلکه از آنها برای پایه گذاری تمدن و انقلاب جهان سود جسته است.

در میان همه این وقایع بزرگ و عظیم، رستاخیز رهائی بخشی که به رهبری موسی (ع) صورت گرفت، بیشک سرآغاز و الهام بخش بسیاری از جنبش‌ها و قیام‌هایی بوده است که پس از آن به منصه ظهور رسیده است. در زمانیکه به کوچکترین کلمه حق زبان‌ها را از قضا می‌کنند، در شرایطی که ستمگران سلطه رعب‌انگیز خود را در جهان آن روز گسترده بودند، موسی (ع) نه تنها به دفاع انسان‌های رنج‌دیده زمان خود کمر بست و از مظلومی که بیدادگران به برادران و خواهرانش روا می‌داشتند پرده بر گرفت، بلکه با اهداء تورات چنان جنبش بزرگ و عظیم فکری بوجود آورد که تا فردای جاوید، همه ملت‌ها بخصوص ملت یهود که آنرا دریافت کرده است قادر خواهد بود با این سلاح فکر و اندیشه به مصاف همه مشکلات و حوادث برود و آنها را از پیش پابردارد. بیشک همه آنکسان که به ننگ بندگی تن در نمی‌دهند، همه آنان که مردانه در مقابل پلیدی‌ها می‌جنگند، از یاد آوزی انسان بزرگی که شroud آزادی را بر پهن‌دشت گیتی پراکند الهام خواهند گرفت و گرمی خواهند پذیرفت.

قوم یهود در سراسر تاریخ پرنشیب و فرازش در همه شرایط زمانی و مکانی، به یادبود این رستاخیز عظیم مراسمی را بنام عید پسخ برگزار مینماید و با انجام سنتهایی که از دیرباز معمول بوده است به خاطره این قیام و جنبش غرور انگیز رقم جاوید میزند. اما آنچه که بیشتر در برگزاری مراسم و سنتهای عید پسخ به چشم میخورد مظاهر عالی و جنبه های انسانی است.

در هنگام انجام مراسم شبهای عید پسخ میخوانیم: "هر کس گرسنه است بیاید و بخورد، هر کس محتاج است بیاید و پسخ را با ما جشن بگیرد و یا "نویدی است برای روزهای خوشبختی و پر سعادت آینده" این دو مهم بازگو کننده دو رکن اساسی فلسفه عمیق انسانی است که قوم یهود به جهان بشری اهداء کرده است. اولی کمک به هم نوع را تاکید میکند، دومی، امید به آینده را که سربقاء جوامع بشری است نوید میدهد.

ایرانیان یهودی نیز مانند همه برادران و خواهران خود در سراسر جهان این عید را گرامی میدارند و سنتهای انسانی آنها را برای یکدیگر بازگو میکنند.

بموازات برگزاری این عید لازم بود که فلسفه و دلیل برگزاری هر یک از مراسم عید پسخ به زبان فصیح و زیبای پارسی گفته شود و جنبه های عالی اخلاقی و آموزنده آن بیشتر نمودار گردد و این مهمی است که دانشمند گرامی راو داوید شوفط عهده دار آن شده اند و چه خوب از عهده بر آمده اند.

امید من آنستکه برگزاری مراسم شبهای عید پسخ فرصتی باشد برای خانواده های یهودی که هر چه بیشتر به فلسفه عمیق و انسانی مذهب یهود پی ببرند و با خواندن کتابی که راو داوید شوفط در تنظیم آن همت گماشته اند فرزندان خود را با گوشه کوچکی از دریای عظیم دانش و فکر یهودیت آشنا سازند.

اسفند ماه ۲۵۳۴

دکتر سلیمان آقائی

. لطفا غلط‌های زیر را تصحیح فرمائید :

<u>صفحه</u>	<u>سطر</u>	<u>غلط</u>	<u>صحیح</u>
۱۱	۱	گوشش	گوشتش
۱۱	۱۸	میداند	میدادند
۱۲	۱۳	"جزقیا"	"حزقیا"
۲۸	۳	زییوکا	ریبکا
۳۸	۳	گردیدند	گردید
۳۸	۶	کره	کرده
۴۱	۱۱	دوربار	دوباره
۴۹	۱۱	بهود	بیهود
۵۲	۲۱	اُقب	عواقب
۶۲	۶	جشن گزارن	جشن گزاران
۶۲	۲۴	جبیشیان	حبشیان
۶۸	۲۲	عبارتند	که عبارتند
۶۸	سطر آخر	(جا افتاده است)	توضیح ندهد وظیفه شرعی خود را انجام نداده است
۶۹	۵	بیت همیداش	بیت همیقداش
۷۰	۵	مرسوم	مرسوم بود
۷۳	۱۳	عاقبی	عاقبتی -
۷۴	۳	خدانی	خدائی
۷۴	۱۴	مغید	معبد
۷۶	۱۹	بامشب	به امشب
۸۲	۲۰	آئید	بیائید

فصل اول

عید آزادی

در تمام ادوار تاریخی قوای معنوی فرمانروای حیات ملل بوده است. این قوا عموماً بصورت عقاید مذهبی، ویا اجتماعی جلوه کرده و بر حسب اختلاف نوع میتوانند تمدنهای حقیری را عظمت بخشد ویا تمدنهای عظیم را نابود کند. سنن و مذهب که از پدیدههای چنین قوایی میباشند، باعث تبدیل قبایل نامتشکل اسرائیل بهملتی واحد شده و یکی از عالیترین پدیدههای روح بشر یعنی توحید را بوجود آوردند. تاریخ بشر در ادوار مختلف نشاندهندهٔ فنای اقوام، بدست قوای مقتدرتر از خود بوده است. قوم یهود اولین قومی است که مردانه بر علیه ظالمان و زور-گویان قیام کرده، خود را از انحلال تدریجی جسمانی و روحانی نجات داده است. این روز نجات نه تنها در خاطره ملت یهود اثر پاك نشدنی بجای گذاشته، بلکه بصورت عید و جشن مذهبی و ملی نیز درآمده است.

اغلب ملل دنیا روز بخصوصی را برای جشن استقلال و آزادی خود معین کرده اند. ولی جشن آزادی ملت یهود معنای مذهبی عمیق و پیامی جهانی در بر دارد. عید «پسح» خاطره واقعه ایست که دارای عمیق ترین معنای آزادی است. بدین صورت که آزادی تبدیل به هدفی معین گشته است. تنها هدف، رهائی از بردگی

مصریان و لذت بردن از آزاد زیستن نبود، بلکه منظور تبدیل آزادی به وسیله‌ای برای خدمت به بشریت بود.

آزادی بزرگترین موهبت خداوند با افراد بشر است و از نقطه نظر علمای یهود معنایی و رای تعریف آزادی و دموکراسی فلاسفه قدیم یونان، و دانشمندان قرون نوزدهم و بیستم دارد. علمای یهود کسی را آزاد می‌پندارند که خود را تحت اختیار قوانین «تورا» قرار داده و آنها را بکار بندد، در این صورت او آزاد نامیده می‌شود.^(۱) در حقیقت وجه تشابه نزدیکی بین فهم آزادی و توصیف معنای آن بین علمای یهود و متفکران اصول آزادی غرب موجود است. آزادی تحت لوای قانون، یکسان بودن در برابر قانون، کسب مدارج اجتماعی بر حسب استعداد طبیعی و اکتسابی، نظم و ترتیب اجتماعی، مساعدت همگانی و مسئولیت در برابر میهن، نکاتی می‌باشند که بشر با صرف عمر زیاد و ریختن خونهای بسیار بدان دست یافت. ولی قانون گذار الهی قریب سه هزار سال پیش اساس این فرامین را به افراد بشر اعطا فرمود.

در شب «پسح» هر خانه یهودی مقدس و مطهر است. هر چیزی که روی میز می‌گذارند شرح و سمبلی دربر دارد. در این شب با کمک این وسایل یاد گذشتگان افتاده و خود را چون بردگانی محسوب می‌داریم که از بند تاریکی بسوی روشنایی، آزادی و بشریت راه یافته‌ایم.

واقعۀ خروج ملت اسرائیل از مصر سالیان متمادی مورد بحث و تحقیق علمای شرق شناس و تاریخ نگار بوده است. البته منبع اصلی و مورد قبول ما مندرجات «تورا» است، ولی بایست صرف علم باستان شناسی و کاوشهای باستان شناسان در سرزمین اسرائیل و سایر ممالک شرق قدیم، و با استفاده از منابع تاریخی غیر یهودی، قسمت اعظم واقعۀ خروج ملت اسرائیل بهمان طریق که در کتاب مقدس آورده شده، مورد تأیید قرار گرفته است. با وجود این ظاهراً مشکلات تاریخی

۱- پیرقه آوت فصل ۲: میسنای ۲. پیرقه آوت از گفته‌های قصار دانشمندان است که در قرن دوم پیش از میلاد تا آخر قرن دوم میلادی می‌زیسته‌اند.

بخصوصی نیز موجود بوده است. بعنوان مثال مصریان قدیم وقایع تاریخی پادشاهان خویش را ثبت نموده و آنها را بر دیوارهای مقبره‌ها (اهرام) حکاکی میکردند اما راجع به خروج اسرائیل از مصر حتی اشاره‌ای در هیچیک از این آثار تاریخی نشده است. دلیل این مسأله آنست که هدف اصلی و روش تاریخ‌نگاری مصریان نوشتن حقایق تاریخی نبوده، بلکه منظور به‌عرش‌رساندن فرعون‌ها و جنبه الوهیت دادن بآنها بوده است. بنابراین از ذکر وقایعی مانند خروج اسرائیل از مصر و شکست‌های نظامی خودداری میکردند. ذکر يك واقعه میتواند دلیلی بر اثبات این ادعا باشد.

در زمان «رعمسس» دوم (۱۲۹۰-۱۲۲۴ قبل از میلاد)، جنگ بزرگی بین او و یکی از پادشاهان «حیتی» HITTI بنام «مووتالیس»، در «قادش» واقع در سوریه رخ داد. از کتیبه‌های «حیتی» که بحقیقت نزدیکترند چنین برمیآید که حیتی‌ها سپاهیان مصری را شکست فاحشی دادند، خود «رعمسس» بسختی از مهلکه جان بدر برده و با عده کمی از سپاهیان ب مصر بازگشت. ولی تاریخ‌نگار «رعمسس» از قول او چنین مینویسد: «در این جنگ به پیروزی بزرگی نائل گشتم و دشمن را شکستی سخت دادم».^(۲) نتیجه‌ایکه میتوان از این منبع تاریخی و منابع نظیر آن بدست آورد اینست که چون خروج ملت، اسرائیل از مصر برای مصریان شکست محسوب میشد، از ذکر این واقعه و ثبت آن در منابع تاریخی خود خودداری کرده‌اند.

همانطور که متذکر شدیم علاوه بر مندرجات «تورا» شواهد تاریخی دیگری نیز در دست است که بوسیله آنها برده‌بودن ملت اسرائیل در مصر به‌ثبوت میرسد. مثلاً یکی از اظهارات حضرت موسی (ع) در نزد فرعون این بود که، «سد روز بما اجازه بده تا برویم و بدرگاه خداوند قربانی بگذاریم».^(۳) جواب فرعون این بود: «شماها کاهلید و باین سبب قربانی را بهانه قرار داده و مایلید از زیر کار

۲- ۱۰۳ صفحه J. Bright, A History of Israel

۳- سفر شموئیل (خروج) فصل پنجم آیه سوم

شانه خالی کنید». (۴) فرعون نه تنها برای قربانی بردن بحضور خداوند، به آنها اجازه نداد، بلکه کار را بر آنها مشکل تر نیز کرد.

آنچه از این گفتگو برمیآید اینست که فرعون با مراسم قربانی مخالفتی نداشته ولی ملت اسرائیل را متهم بشانه خالی کردن از زیر کار می نموده است. دلیل این اتهام را میتوان از کتیبه ای مصری که در موزه انگلستان (بریتش میوزام) موجود است، یافت. این کتیبه که بوسیله سرکار گران مصری نوشته شده، حاوی نام کارگرانی است که به بهانه های مختلف از زیر کار شانه خالی کرده و غیبت میکرده اند. در این کتیبه ذکر علل غیبت کارگران ییشمارند، از قبیل: مریضی زن یا اولاد، سردرد، دندان درد، و حتی نیش زدن عقرب و یکی از بهانه های رایج این بوده که «غایبین» برای تقدیم قربانی رفته اند. نکته مورد نظر ما همین مطلب است. تاریخ مصر قدیم بما ثابت میکند که مصریان برای مراسم مذهبی اهمیت بسیار زیادی قائل میشدند. ولی بردگان فرعون از این طرز فکر استفاده کرده، از زیر بار کار شانه خالی میکردند. فرعون نیز باین حقیقت واقف بوده ولی قادر بجلوگیری از آن نبوده است. بنابراین بخوبی میتوان دلیل برآشتن فرعون و متهم کردن ملت اسرائیل را به تنبلی دریافت. اطلاعاتی که این کتیبه غیرمستقیم در اختیار ما میگذارد خود شاهد دیگری بر برده بودن ملت اسرائیل در مصر میباشد.

دلیل دیگر برده بودن ملت اسرائیل در مصر، حساب خشت هائی است که فرعون از بردگان یهودی خود درخواست میکند. معنای عبری «مَتَكُونَت هَلَوْنِیم» که در آیه هشتم از فصل پنجم سفر «شُموت» آمده است، شماره و تعداد خشت ها نیست، زیرا اگر چنین بود بجای «مَتَكُونَت هَلَوْنِیم» در «تورا» میاید «میسپار هَلَوْنِیم»، یعنی شماره خشت ها نوشته میشد بنابراین معنای «میسپار هَلَوْنِیم» در زبان عبری میزان معینی است، نه شماره معین.

در عکس کنده کاری چوبی که از مصر قدیم بجای مانده است، کارخشت مالی

ازابتداء تا انتهای آن کنده کاری، شرح داده شده است. در این کنده کاری چند ردیف خشت بر روی یکدیگر چیده شده و کارگری مشغول اندازه گرفتن ردیف خشت‌ها است. بنابراین بخوبی معلوم میگردد که در مصر قدیم تعداد خشت‌ها را شمارش نکرده، بلکه آنها را اندازه می‌گرفتند. و از این جا اصطلاح «مُتَكُونَت هَلَوْنِم» چنانکه در «تورا» آمده است حقیقتی تاریخی، و دلیل غیر مستقیم دیگری است بر برده بودن ملت اسرائیل در مصر.

از مندرجات کتاب مقدس چنین بر می‌آید که حضرت موسی (ع)، رهبر بزرگی که ملت اسرائیل را بسوی روشنائی، آزادی و ایمان رهنمائی فرمود در مراحل اولیه برای متشکل کردن و آماده کردن ملت اسرائیل برای دریافت آزادی، با مشکلات فراوانی مواجه بوده است. ملت اسرائیل در اثر چند قرن بردگی و کار بدنی طاقت‌فرسا، صفات، روحیات و مراسم اجدادی خود را بتدریج از دست داده و تأثیر محیط متمدنی که در آن زندگی میکردند در تسریع کسب رسوم و زبان جدید و فراموشی رسوم اجدادی نقش مهمی را ایفا کرده بود. (۶) حس داشتن سر نوشت متشابه، همدردی و اتحاد از میان آنان رخت بر بسته، و سالیان دراز بندگی در وجود آنان يك حس توافق با آقائی مصریان بوجود آورده بود. بطوری که حتی بعد از رهائی باز ب فکر ساعات خوشی بودند که نزد دیگهای گوشت نشسته و حظ میبردند. (۷) ولی محققاً خاطرات گذشته و یاد افتخارات گذشتگان در میان آنان فراموش نشده بود. تحت رهبری خردمندانه حضرت موسی (ع) جنبش عظیمی در میان این قوم در حال اضمحلال بوجود آمد. این جنبش روحانی مسیر تاریخ جهان و تمدن ملل را دگرگون نمود.

۶- با اینکه در میدارش «یکلوت شیمعونی» آمده است که ملت اسرائیل بخاطر حفظ چند رسم از جمله رسوم قدیم عبرانی و زبان عبری نجات یافته، مع هذا احتمال اسیمیله شدن آنها در تمدن مصری که یکی از پیشرفته‌ترین تمدن‌های آنروز بود بسیار است و نامهای مانند پینحاس و محوفنی در کتاب مقدس مبین این عقیده است.

۷- سفر شموئ (خروج) فصل شانزدهم آیه سوم.

فصل دوم

تاریخ «پسح» باستاند بر منابع یهودی

پسح در «تورا»

این عید معمولاً در افواه و در پارهای از ادبیات یهودی «پسح» خوانده میشود ولی در کتاب مقدس و نمازهای یهودی مخصوص این عید «حֶכְהֶמֶס» یعنی عید فطیر نامیده شده است. کتاب مقدس با انتخاب این اسم مفهوم عمیق و اهمیت تاریخی این عید را بما نشان داده و «مسا» یادبودیست ازدوران اسیری اجداد ملت اسرائیل در مصر، و رهائی آنان از قید بندگی.

در کتاب مقدس سفر شְׁמוֹת، فصل دوازدهم چنین آمده است:
آیه اول: و خداوند موسی و هارون را در سرزمین مصر مخاطب ساخته فرمود: این ماه برای شما اول ماهها باشد، این اول از ماههای سال برای شما است. بفرزندان اسرائیل گوئید که در دهم این ماه هر يك از ایشان بره‌ای برای يك خانواده بگیرند یعنی برای هر خانه يك بره

آیه ششم: و آنرا تا چهاردهم این ماه نگاه دارید و تمامی بنی اسرائیل آنرا در عصر ذبح کنند.

آیه هشتم: و گوشش را در آن شب بآتش بریان کرده با نان فطیر و سبزیهای تلخ بخورند.

آیه یازدهم: و آنرا بدینطریق بخورید: کمر شما بسته، کفش برپاهایتان، عصا بدست و آنرا بتعجیل بخورید چونکه پسخ خداوند است. آیه سیزدهم: و خون بر سردر خانه‌هاییکه در آن میباشید علامتی برای شما خواهد بود و چون آنرا مشاهده نمایم از شما خواهم گذشت.....

در این چند آیه سه اصل اساسی و بسیار قدیمی مراسم عید «پسخ» یعنی خوردن گوشت بریان شده، خوردن فطیر و خوردن سبزیجات تلخ آورده شده. از طرف دیگر از آیه سیزدهم میتوان معنای واقعی «پسخ» را دریافت. «پسخ» در زبان عبری معنای عبور کردن از شخص یا چیزی را بدون صدمه رساندن بآن میرساند. عید «پسخ» در واقع بوسیله عید فطیر «حֶקֶם הַמָּצוֹת» دنبال میشود. ما اصطلاحاً تمام این هفت روز (خارج از سرزمین اسرائیل هشت روز) را عید «پسخ» مینامیم. اسم قربانی ذکر شده در آیه ششم را نیز «قربانی پسخ» میگویند؛ زیرا یادگار این واقعه تاریخی و شکرگزاری، در طول سالیانی که «بیت همیقداش» اول و دوم برقرار بودند ملت اسرائیل رسم قربانی «پسخ» را بجا میآورد و حتی در دوره‌ای از تاریخ یهود با وجود برقرارنبودن «بیت همیقداش» بعضی از علمای یهود بخاطر زنده ماندن این خاطره تاریخی در میان ملت یهود بخود اجازه میداند تا این رسم بجا آورده شود.^(۱)

پسخ در زمان یهوشوع

ملت اسرائیل بعد از عبور از رودخانه اردن در «گیلگال» اردو زد. آنها بعلت چهل سال بیابان گردی قادر بانجام فرمان «بریت میلا» نگردیده بودند.

۱- از نقل ربی یوسی، عالم یهودی قرن دوم آورده‌اند که یکی از علمای یهود اهل شهر روم بنام «تودوروس» درصدد بود رسم «قربان پسخ» را بدون برقراری بیت همیقداش احیا کند. دلی علمای یهود با او مخالفت کردند. تلمود رساله پساحیم صفحه ۵۳/۱

خداوند امر فرمود که بنی اسرائیل این فرمان را بجای آورند. بنابراین اولین کار «یهوشوع» (ع) انجام این دستور مهم بود و بعد از انجام این فریضه در چهاردهم ماه نisan، در دشت «یریحو» پسخ را جشن گرفتند.

کتاب یهوشوع در فصل پنجم آیات دهم تا دوازدهم جشن گرفتن عید پسخ را در دوره بعد از خروج از مصر چنین شرح میدهد: «بنی اسرائیل در «گیلگال» اردو زدند و عید پسخ را در شب روز چهاردهم ماه نisan در صحرای «یریحو» جشن گرفتند و در فردای اولین «پسخ» در سرزمین موعود، از حاصل زمین نان فطیر و گندم برشته شده تهیه نموده و خوردند».

پسخ در زمان حزقیا

با اینکه بعد از دوره «یهوشوع» و دوره داوران، ملت اسرائیل موفق به تشکیل کشوری مستقل و حکومت پادشاهی گردید و «بیت همیقداش» یعنی مرکز مذهبی و ملی ملت یهود در یروشالیم بنا گردید، مع هذا تا زمان سلطنت «حزقیا» پادشاه سلسله «یهودا» (۶۸۷ - ۷۱۵ قبل از میلاد) زکری از عید «پسخ» در کتاب مقدس نشده است. «حزقیا» یکی از پادشاهان نیک سرشت و فداکار سلسله یهودا بود. این پادشاه نه تنها از نقطه نظر سیاسی و نظامی در رها کردن مملکتش از زیر سلطه پادشاهان آشوری سعی فراوان نمود، بلکه از نقطه نظر مذهبی نیز یکی از معلمین و مهدیین بزرگ محسوب میگردید. او بسن بیست و پنج سالگی به سلطنت رسید. اولین فرمانش پاک و مطهر کردن صحن «بیت همیقداش» بود. چون کاهنان معبد مقدس برای خدمت و انجام مراسم «پسخ» طاهر نبودند، «حزقیا» بامشورت سران قوم و لشکر، عید «پسخ» و مراسم آنرا از پانزدهم ماه اول یعنی ماه «نisan»، به پانزدهم ماه دوم یعنی ماه «ایار» موکول کرد. ساکنان سرزمین «یهودا» و «اسرائیل» با جلال و شکوه فراوان «پسخ» را در «یروشالیم» جشن گرفتند.

موکول کردن عید «پسخ» بمه «ایار» البته با موافقت عموم مردم صورت نگرفته بود چنانکه انعکاس منفی این عمل در دوران بعدی بوسیله علمای یهود در

تلمود ذکر شده است. در «مِسِخَتِ پَساحیم» چنین آمده است: «حزقیا» شش عمل انجام داد، که سه‌تای آن از نظر علما تأیید شد ولی سه‌تای دیگر مورد قبول قرار نگرفت. اولین عمل قابل قبول وی این بود که جسد پدرش را بجای اینکه با جلال فراوان بخاک سپارد در تابوتی از طناب قرارداد.^(۲) دوم اینکه مار مسینی را که حضرت موسی^(ع) در بیابان به امر خداوند برای شفاء مار زندگان ساخته بود خرد کرده و از بین برد.^(۳) سومین عمل نیک «حزقیا» این بود که کتاب شفا را پنهان نمود.^(۴) اعمال ناپسند «حزقیا» نیز بشرح زیر است:

درب‌های طلا کوب خانه مقدس را برای پادشاه آشور فرستاد.^(۵) هنگام محاصره شهر یروشالیم بوسیله آشوریان آب رودخانه «گِیَحُون» را بست تا اینکه سربازان آشوری از آن ننوشتند^(۶) و عمل سوم او تعویق عید «پسح» بود بدین ترتیب که تاریخ این عید را از پانزدهم ماه نیشان به پانزدهم ماه «ایار» موکول کرد و این عمل او مورد قبول قاطبه مردم نبود.

پسح در زمان یوشییا

با مرگ «حزقیا» باز «پسح» و مراسم آن دچار وقفه شدند. پسر «حزقیا»، «مِشِه» و نوه‌اش «آمُون» از تعلیمات او پیروی نکردند. ولی در زمان پسر «آمُون»، یوشییا، (۶۰۹-۶۰۶ قبل از میلاد) باز «پسح» و مراسم آن چنانکه در کتاب مقدس ذکر شده احیا گردیدند.

«یوشییا» در سن ۸ سالگی بسلطنت رسید. هنگامیکه بسن بلوغ رسید بعلت

- ۲- تا بارگناه پدر را سبک نماید و كفاره گناهانش بشود.
- ۳- دلیل این عمل این بود که بمرور زمان مار ممسی جنبه تقدس و شفا دهنده پیدا کرده و توسل جستن بدان مفایر فرامین یکتاپرستی «تورا» بود.
- ۴- کتاب شفا شامل دستورات پزشکی برای معالجه بیماران بود. بنظر حزقیا این کتاب ایمان و توسل جستن به ذات خداوند را مانع میشد، زیرا تنها او شفا دهنده بیماران است.
- ۵- البته این عمل را بدون رضایت خاطر انجام داد زیرا پادشاه آشور با تهدید و فرستادن سربازان و محاصره اورشلیم حزقیا را وادار باین عمل نمود.
- ۶- بدینوسیله عدم ایمان خود را به نجات از جانب خداوند نشان داد.

شرایط سیاسی و نظامی خارجی، (ضعف پادشاهان آشوری) و شرایط مساعد داخلی، موقعیت مناسبی باو داده شد تا تغییرات و تحولات اجتماعی و مذهبی عمیقی در مملکت بوجود آورد. در هیجدهمین سال سلطنتش شروع بمرمت و پاک کردن «بیت همیقداش» نمود و طرق عبادت بیگانه را ممنوع کرد. در هنگام مرمت «بیت همیقداش» یکی از طومارهای قدیمی «تورا» بدست آمد. این طومار از آن کاهن مقدسی بود که بموقع موفق به پنهان کردن آن شده بود تا آنرا از خطر بی احترامی و نابودی محفوظ نگاه دارد. با پیداشدن این طومار جنبش مذهبی عظیمی در مردم بوجود آمد. در پایان سال یهودی (در اواخر ماه آدار) در مجمع بزرگی مفاد این طومار برای مردم قرائت شد.

در دنباله این واقعه بزرگ که در فصل سی و پنجم کتاب دوم تاریخ ایام آمده است، «یوشیا» پسر را در یروشالیم جشن گرفت و قربان «پسح» در چهاردهم ماه اول (نیسان) انجام پذیرفت. پادشاه از آغل های سلطنتی سی هزار رأس گوسفند بجهن گزاران هدیه داد. این عدد میتواند مبین تعداد کثیر جشن گزاران نیز باشد، زیرا رسم چنین بود که هرده نفر يك رأس گوسفند قربان کرده و با یکدیگر جشن را بر گزار میکردند. بنابراین تعداد جشن گزاران به سیصد هزار نفر میرسیده است. جای تعجب نیست که نویسنده کتاب تاریخ ایام، راجع به عظمت و شکوه این جشن مینویسد: «از زمان شموئل (ع) تا دوره «یوشیا» پسح با چنان عظمتی جشن گرفته نشده بود».

بعد از مرگ «یوشیا» سلسله «یهودا» روبه انقراض رفت. حضرت یحزقل (ع) (حدود ۵۹۳ قبل از میلاد)، روزی را پیشبینی میکند که پراکندگان و اسیران دو مرتبه در يك مرکز ملی و مذهبی اجتماع نموده، یهودا و اسرائیل تشکیل حکومت واحدی خواهند داد.

بر طبق عقیده علمای یهود منظور اصلی این پیشگوئی حضرت یحزقل (ع) مربوط بدوران ظهور نجات دهنده موعود ملت یهود است. حضرت یحزقل (ع) در دنباله پیشگوئی هایش راجع به بنای خانه مقدس، نظام کار در آن و وظیفه کاهنانش

نیز نبوت میکند. در ادامه این مطلب در فصل چهل و پنجم آیات ۲۱-۲۴ از کتاب خویش میفرماید: «در چنان روز موعودی بار دیگر عید «پسح» در یروشالیم و «قربان پسح» در معبد بر گزار خواهد گردید».

معبد مقدس اول در سال ۵۸۷ قبل از شروع تاریخ مسیحی بوسیله «نُوحْدَنْصَر» ویران گردید. بدنبال به اسارت رفتن رهبران ملت یهود به بابل، استقلال سیاسی و مذهبی این ملت به پایان رسید. اما طولی نکشید که به حکومت بابل نیز بوسیله کورش کبیر خاتمه داده شد. کورش کبیر اعلامیه معروف خود را مبنی بر آزادی ملت یهود و اجازه تجدید بنای «بیت همیقداش» صادر فرمود. پس از قریب چند سال که از صدور این اعلامیه گذشت، «بیت همیقداش» دوم بر هبری مدبرانه «عزرا» و «نَحْمِیا» و کمک های سیاسی و مالی پادشاهان بلندمنش ایرانی بنا گردید. تجدید بنای بیت همیقداش بر حسب آیه پانزدهم از فصل ششم کتاب «عزرا» در روز سوم ماه آدار، در سال ششم سلطنت داریوش کبیر (۴۸۵-۵۲۲ قبل از میلاد)، یعنی در حدود ۵۱۵ سال قبل از شروع تاریخ مسیحی، به اتمام رسید و بنای آن چهار سال بطول انجامید. در همین فصل در آیات نوزدهم و بیستم شرحی راجع به برگزار کردن عید پسح در چهاردهم ماه نisan بوسیله اسیران بازگشته بوطن آورده شده است. ولی تمام اسیران از بابل بازنگشتند بلکه عده ای در بابل و سایر نواحی امپراطوری ایران باقی ماندند. آیا آنان نیز پسح را جشن می گرفتند؟ جواب این سؤال را میتوان از نوشته هایی که در «إِلْفَانِطِينَ» بدست آمده اند دریافت کرد.

در سال ۱۹۰۴ در سرزمین مصر در ناحیه «إِلْفَانِطِينَ» یا «یو» نوشته هایی بزبان «آرامی» بدست آمد که مربوط بزمان داریوش دوم هخامنشی (۴۱۹ قبل از میلاد) بود. درین این نوشته ها فرامینی موجود بود که از طرف پادشاهان ایران بسر بازان یهودی که بعنوان مرزبانان ایرانی برای حفظ خطوط مرزهای مصر و حبشه تعیین شده بودند ابلاغ شده بود. متن یکی از فرامین پادشاهی چنین است:

به «بَدَنیا» و دوستانش و سربازان یهودی برادر شما حنینا سلام میفرستد. امسال، پنجمین سال سلطنت داریوش شاه است،

از طرف پادشاه فرمان زیر بشما فرستاده میشود..... سر بازان
یهودی «پسح» را جشن بگیرید..... از پانزدهم تا بیست و یکم
ماه نisan، یعنی هفت روز عید فطیر است. پاک و مطهر باشید.
از پانزدهم تا بیست و یکم ماه نisan کار نکنید..... مواد مخمر
و ورآمده نخورید. مواد ورآمده نه در اردو گاه شما دیده شود
و نه بداخل آن آورده شود. بلکه آنرا بمدت هفت روز در
انبارها قرار دهید. این فرمان را انجام دهید.
این فرمان دلیل دیگری است بر این که ملت اسرائیل حتی در دور افتاده ترین
نقاط جهان «پسح» را با مراسم مخصوص خود نگاه میداشتند و از طرف پادشاهان
ایران آزادی مذهب و انجام رسوم مذهبی به آنها داده شده بود.

پسح در سایر منابع

بر طبق مندرجات میشنا^(۷) مشخص شده است که مجمعی از علمای یهود در
یکی از بناهای بیت همیقداش، بنام «لیشکت هگازیت»^(۸) برای رسیدگی به امور
مذهبی و تعیین قوانین عرفی تشکیل می یافت. یکی از وظایف این مجمع تعیین و
اعلام حلول اول هر ماه تقویم یهودی بود. علت اینست که تاریخ دقیق اعیاد یهود
بستگی کامل به تعیین اول ماه دارد. برای مثال عید «پسح» یا عید «سوکا» بترتیب
در پانزدهم ماه «نisan» و پانزدهم ماه «تیشری» واقع میشوند. اطلاع صحیح از
حلول ماه باعث میشود که تاریخ دقیق این اعیاد به سہولت مشخص گردد. مجمع
مذکور حلول ماه نisan و ایار را تعیین کرده و بوسیله قاصدانی بساکنان اسرائیل
و ممالک مجاور آن خبر میداد تا زائرین خود را برای زیارت خانه خدا و
برگزاری آداب و رسوم مربوط به «پسح» آماده کنند.
در ایام «پسح» عده کثیری از زائرین به یروشالیم می آمدند تا در مراسم مذهبی

۷- اولین مجموع القوانين یهودی که بسال ۲۰۰ بوسیله رُبی یهودا هناسی تدوین گردید.
۸- بنائی بود که از سنگهای تراشیده شده ساخته شده و بهمین علت لیشکت هگازیت نامیده میشد.

مخصوص این عید شرکت جویند. در تلمود آورده‌اند که «آگریاس» (۲۷-۴۴ قبل از میلاد) یکی از آخرین پادشاهان سلسله حشمونائیم برای تهیه آماری از زائرین خانه مقدس، بکاهنان دستور داد تا قلوه‌های گوسفندانی را که بمنظور قربان پسخ تقدیم میشد بشمارند. ششدهزار جفت قلوه شمرده شد و این شماره مبین تعداد کثیر جشن گزاران است.

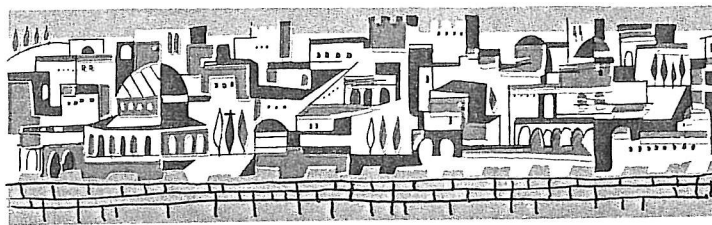
یوسفوس فلاویوس. تاریخ‌نگار معروف یهود در قرون اول میلادی نیز اطلاعی نظیر این مطلب که در تلمود ذکر شده است بمانده، با این تفاوت که دستور دهنده، نرون امپراطور دیوانه روم بود که مایل بود از تعداد زائرین باخبر شود و شاید هدف او وضع مالیات جدیدی برای زائرین بود. کاهن بزرگ تعداد گوسفندهای تقدیم‌شده بامپراطور را ۲۵۶۰۰ رأس، گزارش داده است.

این جمعیت کثیر با نظم و ترتیب خاصی مراسم را انجام میداد بطوریکه هیچگونه حادثه سوئی ناشی از ازدحام و فشار مردم اتفاق نمی‌افتاد و چون مهمانخانه‌های یروشالیم قادر بجذب چنین جمعیت انبوهی نبود، مردم مهمان‌نواز آن با کمال خوشروئی از برادران خود در خانه‌های خویش پذیرائی میکردند. در یروشالیم هیچکس نبود که در شب پسخ، «قربان پسخ» را بتنهائی صرف کند. مراسم جالب تقدیم «قربان پسخ» که در تلمود ذکر شده است بدین قرار بود: در آغاز روز گروه گروه زائرین وارد صحن «بیت همیقداش» میشدند. بعد از اینکه صحن از زائرین پر میشد، درها بسته شده و با نواختن شوفار مراسم قربانی و سایر تشریفات آغاز میگشت. در حین انجام مراسم، «لوی‌ها» قطعات منتخبی از تهیلیم (فصل ۱۱۸-۱۱۳ از مزامیر حضرت داوید) را میسرودند ضمناً زائرین قربانی دیگری بنام «قربان حکیکا»، «قربانی مخصوص عید» را نیز آورده و تقدیم میکردند. این تشریفات با سرعت و نظم انجام می‌پذیرفت. دسته اول جای خود را بدسته‌های دیگر میداد. جشن گزاران از مسجد مقدس به مهمانسراها و یا خانه‌های شخصی رفته و بگروه‌های خود می‌پیوستند. گروه‌های جشن گزاران با فراغت خاطر و آزادگی بدور یکدیگر نشسته و مراسم پسخ را با «قیدوش» شروع میکردند.

طریق رفتار و کردار اعضای هر گروه چنان بود که گوئی هریک شخصاً از بندگی مصریان رهائی یافته‌است. مزامیر داوید باین مجلس زیبایی و روحانیت میبخشیدند مراسم جشن با خوردن گوشت بریان گوسفند «قربان پسح»، مصا، سبزیجات تلخ و نوشیدن چهار جام شراب باتمام میرسید.

بر حسب نقل قول یوسف بن متیاهو معروف به «یوسفوس فلاوویوس» در دو کتاب معروفش «قدمت یهودیان» و «جنگ‌های یهودیان» در بحرانی‌ترین روزهای تاریخ یهود یعنی سالیانی که رومیان باشقاوت براین مردم فرمانروائی میکردند، حتی در سال خرابی بیت همیقداش دوم (۷۰ میلادی) مراسم «پسح» و تشریفات آن در یروشالیم و بیت همیقداش برگزار شد.

بعد از ویرانی بیت همیقداش دوم و ازدست رفتن آزادی مذهبی و سیاسی ملت یهود مراسم تقدیم قربانی نیز منسوخ شد. بهمین دلیل در کیفیت مراسم عید پسح نیز تغییرات اساسی بوجود آمد باینصورت که قسمتی از مراسم «پسح» مثل دو قربانی «پسح» و «حگیگا» چون عملی نبودند بصورت سمبلیک درآمدند. این عید و رسوم آن اهمیتی مرکزی مابین سایر آداب و رسوم یهود پیدا کرد و علمای یهود بمرور زمان آنرا بصورت آرمانی بزرگ، یادبودی از گذشته‌ای پرافتخار که پایه‌های موجودیت ملت یهود بر آن استوار است درآوردند. «پسح» تبدیل به سمبل آزادی گردید و بصورت واقعه‌ای مملو از امید و الهام برای آزادی روحانی و جسمانی ملت یهود و بشریت از قید بردگی درآمد.



فصل سوم

هگادای پسخ

در مذهب یهود عبادت خداوند منحصر به نماز گزاردن و انجام فرائض مذهبی نیست بلکه علاوه بر نماز که احتیاجی روانی و طبیعی برای بشر وادای شکرانه بدرگاه خداوند جل و اعلی است، تحصیل «تورا»، آموزش و دانش آن نیز طریق دیگری از عبادت و شناخت حق تعالی میباشد. بدین سبب مراسم شب پسخ اصولاً بصورت درس تنظیم شده‌اند. تاریخ، ادبیات و فرائض مذهبی اجزای تشکیل‌دهنده این درس میباشند. «هگادا» مجموعه‌ای از واکنش‌ها و تراوشات روحانی ملت یهود در برابر این واقعه مهم تاریخی میباشد. معنی «هگادا» در زبان عبری «نقل کردن یا تعریف کردن» است. این کلمه از آیه هشتم از فصل سیزدهم سفر شموت (خروج) استخراج شده است. در این آیه چنین آمده: «در آن روز برای پسران نقل کن و بگو.....»

هگادای پسخ فعلی که در دسترس ما است توسط يك يا چند نفر نوشته یا تنظیم نشده است. حتی در ابتداء نیز برای شب پسخ نوشته نشده، بلکه «هگادا» گلچینی از منابع مختلف مذهبی و ادبی یهود مانند «تورا»، میشنا، تلمود و میدارش میباشد. بعد از اینکه این مطالب بطور کامل توسط علمای یهود تنظیم

گردید بین جوامع مختلف یهودی منتشر شده و مورد قبول واقع شد. البته واضح است که تألیف و نشر، در يك دوره معین خاتمه نیافته، بلکه قدمت‌های مختلف «هگادا» بمرور زمان بهم پیوسته شده تا بصورت فعلی خود درآمده است، ولی قسمت اعظم آن بصورت حالیه در زمان «تَنائیم»^۱ موجود بوده است.

قدیمی‌ترین نسخه هگادای کاملی که موجود است توسط راو «سعدیا» گائون^۲ (۹۴۲-۸۸۲ میلادی)، گائون بزرگ دانشگاه «سورا» در بابل برشته تحریر و تنظیم درآمده است. ولی در «سیدور» راو «عمرام» گائون که در حدود یکصد سال قبل از راو «سعدیا» میزیسته قطعات ناقصی از هگادای فعلی موجود است. برای آشناسدن بیشتر با این اثر مذهبی، قطعه اول هگادا را انتخاب کرده و مورد تجزیه و تحلیل قرار میدهیم.

قطعه «هالحماعنیا»، «این نان فقیرانه...» که با آن «مکید» پنجمین قسمت از مراسم شب پسخ شروع میگردد بزبان «آرامی» نوشته شده است. دلیل این امر آنست که عامه مردم ساکن اسرائیل و بابل باین زبان تکلم میکردند. علمای یهود مایل بودند که تمام شرکت کنندگان در مراسم این شب تاریخی از آن بهره‌مند گردیده، علت مراسم و زمینه تاریخی آنرا درک نمایند. بزرگ خانواده موظف بود که شرح حال اجداد ملت اسرائیل و نجات آنان را از مصر بزبانی که همگی قادر بفهم آن باشند بازگو کند. بنابر عقیده برخی از دانشمندان یهود زمان تحریر این قطعه آرامی بسیار قدیمی است و قدمت آن بدوره آبادی «بت همیقداش»

۱- علمائی که در «میشنا» نام برده شده‌اند بعنوان «تَنائیم» معروفند و دوره‌ای از تاریخ یهود نیز بهمین نام یعنی دوره «تَنائیم» معروف است. «تَنّا» لفظی است «آرامی» و معنی آن «تکرار کردن» است. بعضی از تَنّاها علاوه بر فهم و تبیح در «میشنا» قسمت‌های مختلف آنرا ازبر بودند. این تبیح را بوسیله «تکرار کردن» زیاد از عنفوان کودکی کسب میکردند بدین سبب بآنها «تَنّا» گفته میشد. در تاریخ یونان نیز نظیر این قبیل کتب متحرک وجود داشتند. آنها اشعار هلم را ازبر بودند.

۲- گائون لقبی بود که بررّسای دو دانشگاه علوم الهی معروف «سورا» و «پُمیدیتا» اطلاق میشد. این دو مرکز بزرگ روحانی فعالیت‌های علمی خود را در حدود اواخر قرن دوم در شهرهای سورا و پُمیدیتا واقع در بابل شروع و با بنای شهر بغداد در قرن هشتم باین شهر تغییر مکان داده و تا قرن دوازدهم بفعالیت‌های علمی خود ادامه دادند. تألیف تلمود یکی از بزرگترین آثار علمی این دو مرکز است.

اول میرسد. ولی از طرف دیگر «صونص» که او را پدر تحقیقات جدید در علوم یهودی لقب داده‌اند با اینکه قدیمی بودن آنرا تأیید میکند ولی صورت حالیه آنرا مربوط به بعد از ویرانی معبد مقدس دوم میداند.

این قطعه شامل سه جمله متفاوت است که رابطه متنی بین جملات آن یافت نمیشود. جمله اول جنبه آموزشی و تعلیمی دارد و مثل آنست که پدری به پسر تعلیم میدهد و یا اینکه سؤال او را جواب داده و میگوید، معنای این جمله اینست: «این نان فقیرانه‌ایست که پدران ما در کشور مصر میخوردند».

در جمله دوم از فقرا و گرسنگان دعوت میشود تا در شام شب پسخ با مسا شرکت نمایند. از لحاظ زبانی این جمله نزدیک بزبان «آرامی» تلمود است. از طرف دیگر اینگونه لحن دعوت نمیتواند مربوط بزمان برقراری معبد مقدس دوم باشد زیرا «قربان پسخ» بر حسب «میشنا» (زواحیم فصل پنجم میسنای هشتم) معمولاً بصورت گروهی برگزار میشد. افراد یک گروه با یکدیگر توافق کرده و شریک میشدند و کس دیگری اجازه نداشت از این شام گروهی استفاده کند. نکته دیگر اینکه حق این بود که این دعوت قبل از «قیدوش» و شروع مراسم شب پسخ بعمل آید، تا فقرا نیز قادر بانجام تمام فرائض این شب باشند. بالاخره از متن جمله سوم چنین برمیآید که این جمله خارج از سرزمین اسرائیل نوشته شده است. زیرا دلیلی بهتراز متن خود جمله «امسال در اینجا هستیم و سال آینده در سرزمین اسرائیل خواهیم بود» برای اثبات این ادعا موجود نیست.

بهین طریق اگر در صدد تجزیه و تحلیل قطعات مختلف «هگادا» بر آئیم معلوم میگردد که این گلچین بمرور زمان متشکل شده و بصورت امروزی خود درآمده است. چون هدف ما تجزیه و تحلیل، مقایسه ادبی و تعیین زمان قطعات مختلف «هگادا» نیست، از اینکار صرف نظر مینمائیم. نتیجه کلی اینکه هگادای فعلی در زمان برقراری بت همیقداش، شامل داستان خروج ملت اسرائیل از مصر و رسیدن بسرزمین موعود بوده است و سپس بدان آرمان‌هائی از قبیل عبادت و تقرب به خداوند اضافه شده است. بعد از ویرانی معبد مقدس، آزادی از کشور مصر مفهوم

اولیه خود را از دست داده و آرزوی قلبی هر یهودی متوجه نجات بعدی گردید . چشم ملت اسرائیل در انتظار آزادی آینده بود که آنهم میباید درماه «نيسان» اتفاق افتد. زیرا برحسب تلمود «رُش هُشانا صفحه ۱۱»: «چون قبلا درماه نيسان نجات یافتند محتملا درماه نيسان نیز نجات خواهند یافت». ازاین رو است که «هگادا» با کلمه آزادی و آزادگی «بنه صُورین» شروع و با گفتن «لِشانا هُبا آ ییرو شالیم» ختم میشود .



فصل چهارم

آمادگی برای شب پسخ

اصولا هريك از اعمالی كه قبل از فرارسیدن شب پسخ و بعد از آن انجام میشود سمبل و تعریفی دربر دارند و هريك بطریقی جنبه‌هایی از اخلاق و گذشته و حال ما را بما میرسانند. در این شب با دیدن و انجام دادن مراسم مخصوص خاطره دوران گذشته در ذهن نسل حاضر و جوانان آینده زنده گشته و آنها را به نگهداری و ادامه این سنن کهن و بامعنی تشویق و ترغیب مینماید.

قبل از فرارسیدن شب چهاردهم ماه «نيسان» جوش و خروش و انتظار بخصوصی در هر خانه یهودی مشاهده میشود. حیاط منزلها، اطاقها، راهروها و آشپزخانه‌ها با نهایت دقت رفته و شسته و تمیز میشوند «حامص» سالیانه واری شده و از خانه دور میگردد. در شب چهاردهم نisan پدر خانواده بطریق سمبلیك و بوسیله شمعی، گوشه و کنار را برای یافتن «حامص»‌های فراموش شده میگردد. این عمل برای فرزندان جنبه تعلیمی داشته و اثری فراموش نشدنی از پدر در ذهن فرزندان برجای میگذارد. علاوه بر این، تمیز و طاهر بودن و رعایت بهداشت، یکی از مهمترین دستورات مذهبی یهوداست.

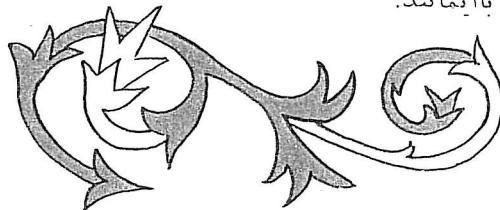
دُون اسحق ابرابائل (۱۵۰۸-۱۴۳۷) مفسر، سیاستمدار و فیلسوف یهودی

اهل اسپانیا مینویسد: همانطور که رسیدن به سن سیزده سالگی هنگام پذیرفتن مسئولیت‌های مذهبی و اجتماعی است، همانگونه نیز عصر روز سیزدهم ماه نisan هر کس باید با شمع دل زوایای روح و افکار خویشتن را جستجو کرده و خود را از بند ضعف‌های اخلاقی‌اش برهاند.

بعضی از علمای یهود «حامص» را به نفس اماره (بصر هارغ) بشر تشبیه کرده‌اند. «حامص» سمبل خواسته‌های شیطانی بشر است. اعمال ما بستگی کامل باین حامص روحانی دارد. ما عملاً با دور کردن و ازین بردن «حامص» از خانه‌های خود اهمیت آزادی روح بشر را از قید و سوسه‌های شیطانی و تأثیرات مخرب آن تأیید میکنیم.

آورده‌اند که ربی لوی اسحق حاسید از اهالی «بردیچو» (ناحیه‌ای در روسیه تزاری) روز چهاردهم ماه نisan گذرش به یکی از شهرهای سرحدی روسیه که در آن کالاهای قاچاق خرید و فروش میشد افتاد. برای آزمایش مغازه‌داران روسی ربی لوی اسحق وارد دکانی شده و از صاحب آن سؤال مینماید: آقا آیا مقداری نقره قاچاق بمن میفروشید؟ صاحب مغازه در جواب میگوید: بلی آقا بهر مقدار که مایلید. ربی لوی اسحق از مغازه خارج شده و وارد مغازه‌ای دیگر میشود و سؤال مینماید: آقا آیا مقداری پارچه ابریشمی قاچاق بمن میفروشید؟ صاحب مغازه در جواب میگوید بلی بهر اندازه که مایل باشید. ربی لوی اسحق بهمین منوال چند مغازه‌دار دیگر را امتحان مینماید و با کمال تعجب متوجه میشود که همگی آمادگی خود را برای فروختن اشیاء قاچاق باو اعلام میکنند. ربی لوی اسحق آن محل را ترك کرده و بشهر خویش میرود از چند یهودی سؤال میکند: آیا حاضرید کمی «حامص» بمن بفروشید؟ هریک در جواب میگویند: استغفراله! ابد! حامص در عصر پسخ؛ البته که خیر. آنوقت ربی لوی اسحق با کمال رضایت و خورسندی روی با آسمان کرده و میگوید: ای آفریننده بزرگ! تزار روسی با آن قدرت فراوان خود قوانین و فرامینی برای جلوگیری از غیرقانونی وارد کردن اجناس از ممالك مجاور وضع کرده است، در سرتاسر مرز پاسگاه و سر باز گماشته،

متخلفین را با کمال بیرحمی مجازات میکند؛ معیذاً تمام این سدها مانع وارد کردن اجناس قاچاق و فروش آن نمیشوند. ولی تو ای خداوند بزرگ فقط با چند کلمه در «تورا» (خروج فصل دوازدهم آیه ۱۹) اسرائیل را از دیدن و استفاده نمودن «حامص» در خانه و محیط زندگیشان در «پسح» منع فرموده‌ای؛ نه سر بازی و نه پاسگاهی گماشته‌ای، نه قدرت مجریه‌ای معین فرموده‌ای؛ با وجود این ملت اسرائیل با دل و جان دستورات ترا انجام میدهند. چقدر اعمال آنها در حضورت پسندیده‌اند، تا چه حد بتو وفادار و باایمانند.



در شب چهاردهم ماه «نيسان»، شب قبل از انجام مراسم «سيدر» (اگر شب اول سيدر مصادف با یکشنبه باشد بازرسی در شب جمعه هفته قبل انجام میگردد) مراسم بازرسی «حامص» انجام میپذیرد. قبل از شروع این براخارا میگوید:

متبار کی تو خداوند ما، پادشاه جهان، که ما را بافرامینت تقدس نمودی و دستور دور کردن حامص را بما فرمودی.

ברוך אתה, יי אלהינו, מלך העולם, אשר קדשנו במצוותיו, וצונו על בעור חמץ.

بعد از خاتمه بازرسی چنین اعلام میشود:

هر مقدار خمیر مایه و عامل مؤثر و درآمدن که در تملک من است و آنرا ندیده، دور نکرده یا از وجود آن بیخبرم باطل شود، مثل اینکه موجود نبوده و مانند خاک زمین محسوب گردد.

כל חמירא וחמיעא דאכא ברשותי, דלא חמתה ודלא בערתה, - ודלא ידענא לה, לבטל ולהוי הפקר בעפרא דארעא.

روز چهاردهم نisan پس از خوردن صبحانه «حامص» از خانه دور میشود و جلله ذیل گفته میشود:

هر مقدار خمیر مایه و عامل
مؤثر و زآمدن در اختیار و تملك
من است خواه آنرا دیده یا ندیده
باشم، خواه آنرا دور کرده یا
نکرده باشم باطل شود مثل اینکه
موجود نبوده مانند خاک زمین
محسوب گردد.

כָּל חֲמִירָא וְחֲמִיצָא דְאִכָּא
בְּרִשּׁוֹתֵי, דְחֻמָּה וּדְלָא חֻמָּה,
דְחֻמָּה וּדְלָא חֻמָּה, דְבַעֲרָה
וּדְלָא בַעֲרָה, לְבָטֵל וְלֹא הִפְקֵר
בְּעַפְרָא דְאַרְעָא.

اگر روز اول پسخ مصادف با روز یکشنبه باشد، پیش از ظهر جمعه هفته قبل «حامص» را دور کرده و جلله بالا در روز شبات پس از خوردن صبحانه گفته میشود.

هگعلا: قبل از فرارسیدن پسخ، ظروف فلزی بوسیله فروبردن در آب جوش
هگعلا میشوند. در اکثر خانواده ها ظروف چینی، بلوری و فلزی مخصوص پسخ
مورد استفاده قرار میگیرند. در این صورت چون این ظروف فقط در ایام پسخ مورد
استفاده قرار میگیرند بنابراین احتیاج به هگعلا ندارند.

تعنیت پخوزوت: در روز چهاردهم ماه نisan، اول زادگان ذکور روزه
میگیرند. در صورتیکه روز اول پسخ یکشنبه باشد، این روزه به روز پنجشنبه هفته
قبل موکول میشود.

در روز تعنیت (روزه) اگر اولزاد در مجلس ضیافت عروسی یا ضیافت
ختنه سوران و یا در جشن خاتمه يك بخش از «تلمود» شرکت کند، از آن دقیقه
بعد از گرفتن روزه معاف خواهد بود.

הדלקת נר של יום טוב

برای شمع‌های مועד

خانم خانواده در دو شب اول و دو شب آخر پסح دو شمع روشن میکند.
اگر شب اول پסح با شب شبات مصادف شود، کلمات داخل پرانتز نیز گفته میشوند.
اگر شب اول پסح با شب یکشنبه مصادف شود، شمع‌ها باید بعد از غروب آفتاب روشن گردند.

این براخارا میگویند:

مبار کی تو، خداوند خالق
ما، پادشاه جهان، که ما را با
فرامینت تقدس نموده و میسوی
روشن کردن شمع روز (شبات و)
عید را بما امر فرمودی.

בְּרוּךְ אַתָּה, יְיָ אֱלֹהֵינוּ, מֶלֶךְ
הָעוֹלָם, אֲשֶׁר קִדְּשָׁנוּ בְּמִצְוֹתָיו וְצִוָּנוּ
לְהַדְלִיק נֵר שֶׁל וּשְׁבַת וְשֶׁל יוֹם טוֹב.
בָּרוּךְ אַתָּה, אֱדוֹנָי הָאוֹר, מֶלֶךְ הָעוֹלָם, אֲשֶׁר
קִדְּשָׁנוּ בְּמִצְוֹתָיו וְצִוָּנוּ לְהַדְלִיק נֵר שֶׁל (שְׁבַת
וְשֶׁל) יוֹם טוֹב.

در شب اول و دوم پסح براخای زیر اضافه میشود:

مبار کی تو، خداوند خالق
ما، پادشاه جهان، که ما را زنده
گذاردی و برپا نگاهداشتی و باین
زمان رسانیدی.

בְּרוּךְ אַתָּה, יְיָ אֱלֹהֵינוּ, מֶלֶךְ
הָעוֹלָם, שֶׁחַיֵּינוּ וְקִיָּמָנוּ וְהִצֵּינוּ לְזֶמֶן
הַזֶּה.
בָּרוּךְ אַתָּה, אֱדוֹנָי הָאוֹר, מֶלֶךְ הָעוֹלָם, שֶׁחַיֵּינוּ
וְקִיָּמָנוּ וְהִצֵּינוּ לְזֶמֶן הַזֶּה.

رسم زیبا و عاطفی دیگر این شب این است که پدران و مادران اولادان را برکت میکنند.

برای پسران میگویند:

خداوند ترا مانند افرائیم و
منشہ برکت فرماید.

יְשׁמְךָ אֱלֹהִים כְּאַפְרַיִם וּכְמִנְשֶׁה.

برای دختران میگویند:

خداوند ترا مانند سارا،
ریبکا، راحل و لیه آ برکت
فرماید.

יְשׁוּעָה אֱלֹהִים בְּשֵׁרָהּ, רַבָּקָה
רַחֵל וְלֵיָאָה.

و با این برکت سه گانه این رسم زیبا پایان می پذیرد:

خداوند ترا برکت دهد و
محافظت نماید.

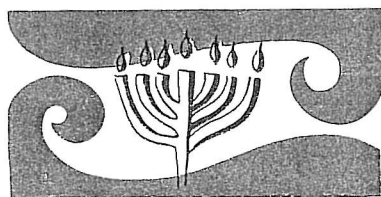
יְבָרְכֶךָ יי וְיִשְׁמְרֶךָ.

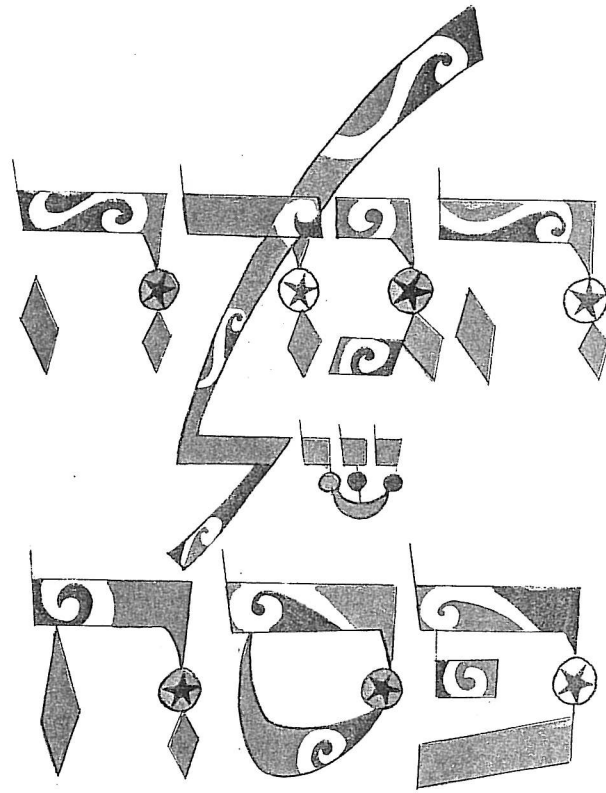
خداوند نور الهی خود را بر تو
تابان ساخته و بر تو رحمت کند.

יְאִר יי פְּנֵי אֱלֹהֶיךָ וְיַחְנֶכָּךְ.

خداوند نظر لطفش را بر تو
افکند و ترا سلامتی بخشد.

יֵשׂא יי פְּנֵי אֱלֹהֶיךָ וְיֵשֶׂם לָךְ שְׁלוֹם.





هڪاد ايشل پڻح

«مراسم شب سدر»

مراسم شب پسخ را «سدر» میگویند که معنای آن نظم و ترتیب است، در بشقاب یا سینی بزرگی سه عدد مصا، دست کباب شده گوسفند (درموقع اضطرار میتوان از بال مرغ نیز استفاده کرد)، تخم مرغ پخته، سبزی تلخ، حروست (حلق)، کاهو بترتیب ذیل قرارداده و درخارج از این ظرف مقداری سرکه یا آب لیمو یا آب نمک میگذاریم.



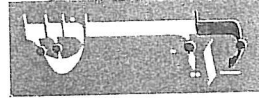
سِدر و مراسم آن رسمی است مذهبی و باید با متانت و حالت جدی توأم با سرور و شادی، با شرکت تمام اهل خانواده و میهمانان برگزار شود. بزرگ خانواده یا شخص دیگری رهبری این مراسم را بعهده گرفته و قبل از هر مرحله توضیحات لازم را درباره چگونگی انجام این مراسم در اختیار شرکت کنندگان میگذارد. ترتیب انجام مراسم شبهای «سِدر» (اول و دوم) پسج عبارت است از:

ترتیب مراسم

- | | |
|--------------------|--------------------------|
| ۱- قدش | ۲- اورحص |
| تقدیس نام خداوند | شستن دستان |
| ۳- کرپس | ۴- یحص |
| خوردن کرپس | تقسیم کردن مصای وسطی |
| ۵- مگید | ۶- روحصا |
| داستان خروج از مصر | شستن دستان قبل از غذا |
| ۷- موصی | ۸- مصا |
| گفتن هموصی | گفتن براخای مصا |
| ۹- مارور | ۱۰- کورخ |
| خوردن سبزی تلخ | خوردن مصا، مارور و خروست |
| ۱۲- صافون | ۱۱- شولحان عورخ |
| خوردن آفیقومان | صرف غذا |
| ۱۴- هلیل | ۱۳- بارخ |
| خواندن هلیل | گفتن دعای بعد از غذا |
| | ۱۵- نیرصا |
| | خاتمه مراسم سِدر |



۱. قدش - تقدیس نام خداوند



مراسم شب «سدر» با قیدوش (برای یائین) شروع میشود. هریک از شرکت کنندگان جامی از یائین بدست گرفته و بزرگ خانواده یا رهبر مراسم «برای یائین» میگوید.

ما مقدس بودن این عید را بوسیله قیدوش اعلام کرده و از ذات خداوند که با محبت چنین اوقات و فصل شادمانی را بما اعطا فرموده سپاسگزاری میکنیم. «یائین» نشانه نشاط و شادمانی است، این عید را با شادمانی شروع کرده و خداوند نجات دهنده خود را ستایش میکنیم.

در صورتیکه شب اول یا هفتم و یا هشتم پسح مصادف با شب شنبه باشد، قیدوش با خواندن **יום הששי** آغاز میشود:

روز ششم، آفرینش آسمان و زمین و تمام منضات آن پایان یافت. خداوند در روز هفتم از تمام کاری که کرده بود استراحت فرمود. خداوند روز هفتم را برکت داد و آنرا تقدیس فرمود، زیرا خداوند در آن روز که کلیه آفرینش انجام یافته بود، آرام گرفت. **سفر برشیت** (پیدایش) فصل ۲ آیات ۳-۱

יום הששי. ויכלו השמים והארץ וכל צבאם. ויכל אלהים ביום השביעי מלאכתו אשר עשה. וישבת ביום השביעי מכל מלאכתו אשר עשה. ויברך אלהים את יום השביעי ויקדש אותו. כי בו שבת מכל מלאכתו אשר ברא אלהים לעשות.

در صورتیکه شب اول و دوم یسح با سایر شب‌های هفته مصادف باشد قیلوش با خواندن **אלה מועדי** آغاز میشود:

اینها اعیاد مقدس خوانده شده

خداوند هستند که آنها را در موقع

خودشان اعلام کنید. حضرت

موسی (ع) اعیاد خداوند را

به بنی اسرائیل بیان فرمود.

אלה מועדי יהוה מקראי קדש. אשר

תקראו אתם במועדם: ויזכר משה

את מועדי יהוה אל בני ישראל:

ברוך אתה יי אלהינו מלך העולם בידך הוציאנו

مبارک کی تو ای خداوند خالق ما، پادشاه جهان، آفریننده میوه تاک

در شبات کلمات داخل پرانتز اضافه میشوند.

مبارک هستی تو ای خداوند

خالق ما، پادشاه جهان که ما را از

بین تمام ملل جهان برای خدمت

انتخاب کرده و بوسیله فرامینت ما

را تقدیس فرمودی. ای پروردگار

ما! (شبات را برای استراحت و)

اعیاد را برای خوشحالی، عیدها و

فصول را برای شادمانی، این روز

عید فطیر را که سالروز آزادی ما

و بیاد بود خروج از مصر است و با

محبت خوانده شده است، بامهربانی

ברוך אתה, יי אלהינו, מלך
העולם, אשר בחר בנו מכל עם,
ורוממנו מכל לשון, וקדשנו במצותיו.

ותתן לנו, יי אלהינו, באהבה ושבח
למנוחה ו]מועדים לשמחה, חגים
וזמנים לששון, את יום [השבת הזה,
و]את יום [חג המצות הזה, זמן חרותנו,
[באהבה] מקרא קדש, זכר ליציאת

מְצָרִים. כִּי בָנוּ בְּחֶרֶת, וְאוֹתָנוּ קִדְּשָׁה
מִכָּל הָעַמִּים, [וְשָׁבַת] וּמוֹעֲדֵי קִדְּשָׁה
[בְּאַהֲבָה וּבְרִצּוֹן] בְּשִׂמְחָה וּבְשִׂשׁוֹן
הַנֶּחֱלָתָנוּ. בָּרוּךְ אַתָּה, יְיָ, מְקִדֵּשׁ
[הַשָּׁבַת וְ]יִשְׂרָאֵל וְהַזְמִינִים.

بما اعطا فرمودی. زیرا ما را
انتخاب فرمودی، ما را از بین ملل
تقدیس نمودی، (شبات) و اعیاد
مقدس را (بامحبت و بارضایت)،
باسرور و شادمانی نصیب ما فرمودی.
متبار کی تو ای خداوند تقدیس
کننده (شبات و) ملت اسرائیل و
اعیاد مذهبی.

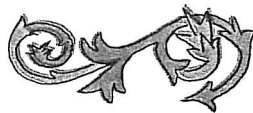
هر گاه شب اول یا دوم و یا هشتم پسح مصادف با شب یکشنبه باشد «هودالا» نیز
اضافه میشود.

هودالا

בָּרוּךְ אַתָּה, יְיָ אֱלֹהֵינוּ, מֶלֶךְ הָעוֹלָם,
בוֹרֵא מְאוּרֵי הָאֵשׁ.

בָּרוּךְ אַתָּה, יְיָ אֱלֹהֵינוּ, מֶלֶךְ הָעוֹלָם,
הַמְבַדֵּיל בֵּין קֹדֶשׁ לְחָל, בֵּין אֹר לְחֹשֶׁךְ,
בֵּין יִשְׂרָאֵל לְעַמִּים, בֵּין יוֹם הַשְּׂבִיעִי לְשִׁשָּׁת
יְמֵי הַמַּעֲשֶׂה. בֵּין קִדְּשַׁת שָׁבַת לְקִדְּשַׁת יוֹם
טוֹב הַבְּדִלָּה, וְאַתָּה יוֹם הַשְּׂבִיעִי מְשַׁשָּׁת יְמֵי
הַמַּעֲשֶׂה קִדְּשָׁה; הַבְּדִלָּה וְקִדְּשָׁה אֶת עַמּוֹךְ

متبار کی تو ای خداوند خالق
ما، پادشاه جهان، آفرینندهٔ انوار
آتش. متبار کی تو ای خداوند
خالق ما، پادشاه جهان که بین
مقدس و غیر مقدس، بین روشنائی و
تاریکی، بین اسرائیل و سایر ملل،
بین روز هفتم و شش روز هفته که
کار کردن در آن مجاز است فرق
قائل شده‌ای. بین قدوسیت بیشتر
شبات و قدوسیت کمتر عید تفاوت
قراردادی، و روز هفتم را از شش
روز دیگر هفته مقدس‌تر کردی،
اسرائیل ملّت را متمایز کرده و



با قدوسیت خود او را تقدیس
فرمودی، متبارک هستی تو خدائی
که بین مقدس بودن شبات و مقدس
بودن اعیاد تفاوت نهاده‌ای.

יְשׁוּעָה בְּקִדְשְׁךָ. בְּרוּךְ אַתָּה, יי, הַמְבָרֵךְ
בֵּין קֹדֶשׁ לְקֹדֶשׁ.

شه‌حیانو

רוך אַתָּה, יי אֱלֹהֵינוּ, מֶלֶךְ הָעוֹלָם, שְׁהַחֲיֵנוּ וְקִיַּמְנוּ וְהַנִּיַּעְנוּ לְזִמְנֵךְ הַזֶּה.



متبارکی تو ای خداوند خالق ما، پادشاه جهان، که ما را
زنده گذاردی، برپا نگاهداشتی و باین زمان رسانیدی.

پس از اتمام براخاها همگی با فراغت خاطر نشسته و با تکیه دادن روی آرنج چپ که
که مظهر آزادگی طبقه آزادگان قدیم بود جام یائین را مینوشند.

۲. اورحص - شستن دستان:



شستن دستان قبل از صرف غذا یکی از قدیمترین رسوم ملت یهود است.
این عمل علاوه بر جنبه بهداشتی دارای مفهومی سمبلیک در طهارت روحانی است.
اجداد ما حتی قبل از خوردن سبزیجات و میوجات دستان خود را می‌شستند. ما
نیز امشب قبل از خوردن کرفس این رسم قدیمی را هنوز حفظ کرده و دستهای
خود را می‌شوئیم. چون در این مرحله (اورحص) شستن دستان با صرف غذا دنبال
نمیشود بنابراین براخای «نطیلا» گفته نمیشود.

۳. کَرِپَس - خوردن کرفس:



سبزی سمبل تجدید حیات نباتات است . دانه‌ای که در قعر تاریک زمین اسیر بوده ، در بهار آزاد گشته و زندگی را از نو شروع میکند. در فصل بهار نیز ملت اسرائیل از اسارت مصریان آزاد گردیدند . هنگام آبادی بیت همیقداش ، پدران ما را رسم بر این بود که مراسم «پسح» را با یک نوع سبزی اشتها آور شروع میکردند و معمولاً از کرفس بعنوان «پیش غذا» استفاده میکردند. ما نیز در این شب این سنت دیرینه گذشتگان خود را حفظ کرده و کرفس میخوریم .

مقداری کرفس در سرکه یا آبلیمو یا آب نمک زده و پس از گفتن براخای ذیل آنرا میخورند .

בְּרוּךְ אַתָּה, יְיָ אֱלֹהֵינוּ, מֶלֶךְ הָעוֹלָם, בּוֹרֵא פְרִי הָאֲדָמָה.

مستبار کی تو ای خداوند خالق ما ، پادشاه جهان ، آفریننده محصول زمین.

۴. یَحْص - تقسیم کردن مصای وسطی:

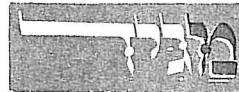


در روزهای معمولی ما از یک گرده نان ، و در شبات از دو گرده نان براخا میگوئیم . در روز شبات دو گرده نان بمنزله دو پیمانہ «مانی» است که پدران ما در این روز مقدس، در مدت چهل سال بیابان گردی از آن ارتزاق میکردند. (سِفِرِ شְׁמוֹת - خروج - فصل شانزدهم آیه ۲۲) ولی در شب پسح از سه مصا براخا میگوئیم، سه مصا بمنزله اجداد بزرگ ما حضرت ابراهیم (ع) ، اسحق (ع) و یعقوب (ع)

است. ضمناً این سه مصا سبیل طبقه‌بندی ملت اسرائیل نیز میباشد. مصای اولی را «کوهن»، دومی را «لوی» و سومی را اسرائیل مینامیم. این سه مصا نمودار بیوستگی، اتحاد و مساوات تمام طبقات ملت یهود است.

رهبر «سدر» مصای وسطی را گرفته و بدو نصف غیر مساوی تقسیم میکند. نصف بزرگتر را در دستمالی قرار داده و در گوشه‌ای پنهان میکند. این نصفه را «افیقومن» میگویند. معمولاً کودکان «افیقومن» را تا قبل از اجرای قسمت دوازدهم، «صافون» پیدا کرده و قبل از سپردن آن پدر یا رهبر سدر از او قول جایزه میگیرند.

۵. مگید - تعریف داستان خروج از مصر:



«هگادا» با کلمات «این نان فقیرانه...» شروع میشود. مهمان‌نوازی یکی از سنتهای دیرینه ملت یهود است و سوابق آن به جد ما حضرت ابراهیم (ع) میرسد. ما نیز قبل از شروع مراسم درب خانه را گشوده و با گفتن «هالحماعنیا» از بینوایان، غریبان و کسانی که موفق به برگزاری این مراسم نشده‌اند دعوت میکنیم تا در این مراسم با ما شرکت کنند. رسم زیبای گذشتگان ما در اسرائیل و بابل این بود که در طول مراسم شب «سدر» درب منازل را باز میگذاشتند تا هر کس که مایل بود با آنها بپیوندد. در اجتماعات یهودی این رسم از جنبه تعارف خارج شده و به صورت عمل درآمد است. قبل از پسخ در هر جامعه‌ای و جوهری بغنوان «ماعوت حیتم» پول برای خریداری گندم پسخ جمع‌آوری و بمصرف خریداری احتیاجات شب سدر برادران بینوا میرسد.

رهبر مراسم و سپس سایرین نصفه مصائی را که در بین دو مصای درست گذاشته شده است درست گرفته و «هالحماعنیا» میگویند.

اینست نان فقیرانه‌ای که

پدران ما در سرزمین مصر می‌خوردند.

هر کس که گرسنه است بیاید و

بخورد، هر کس که محتاج است

بیاید و پسح را باما جشن بگیرد،

امسال ما در اینجا هستیم، امید داریم

که در سال آینده پسح را در ارض

موعود جشن بگیریم. امسال شاید

بسیاری از افراد بشر بنده و اسیر

باشند ولی بخواست خداوند سال

آینده همه آنها آزاد خواهند بود.

לֶחֶמָא עֲנִיָּא דִּי

אֲכָלוּ אֲבֹתֵינוּ

בְּאֶרֶץ מִצְרַיִם.

כָּל דְּכַפִּין יִיתִי וַיִּכֹּל, כָּל דְּצָרִיךְ

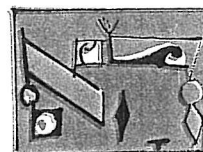
יִיתִי וַיִּפְסַח.

הַשָּׁמָא הָכָא, לְשָׁנָה הַבָּאָה בְּאֶרֶץ

דִּישְׁרָאֵל.

הַשָּׁמָא עַבְדִּי, לְשָׁנָה הַבָּאָה בְּנִי

חֹרִין.



هگادا، داستان رهائی از اسارت و خروج از مصر، مربوط به همه افراد

جامعه و متعلق به رسن و سال است. ولی در این شب مخصوصاً خردسالان و نوجوانان

تشویق میشوند تا دربارهٔ رسومی که بر گزار میشوند سؤال کنند. برداشتن سینی

سدر از روی میز و گذاردن آن بکناری باعث برانگیختن حس کنجکاوی آنها شده

و سؤال کردن و امیدارد.

جام‌های یائین را برای دومین بار پر کرده و «سینی پسح» را

از روی میز برداشته و بکناری می‌نهیم. آنگاه جوان‌ترین فرد خانواده

یا یکی از مهمانان چهار سؤال زیر را می‌پرسد:

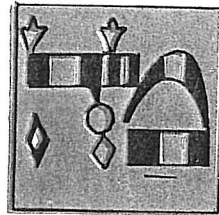
אַרְבַּע הַקְּטָנִים

چهار سؤال

چرا امشب با سایر شب‌ها

فرق دارد؟

נשמתנה הלילה
היה מכל
הלילות?



(1) שֶׁבֶּכַל הַלֵּילֹת אָנוּ
אוֹכְלֵי חֶמֶץ וּמֶצֶה, הַלֵּילָה
הַזֶּה כָּלוּ מֶצֶה.

(2) שֶׁבֶּכַל הַלֵּילֹת אָנוּ
אוֹכְלֵי שְׂאֵר יִרְקוֹת, הַלֵּילָה
הַזֶּה מְרוֹר.

(3) שֶׁבֶּכַל הַלֵּילֹת אֵין אָנוּ
מִטְבִּילֵי אֶפִּילוּ פֶּעַם אַחַת,
הַלֵּילָה הַזֶּה שְׁתֵּי פְעָמִים.

(4) שֶׁבֶּכַל הַלֵּילֹת אָנוּ
אוֹכְלֵי בֵּין יוֹשְׁבֵי וּבֵין מְסֻבִּין,
הַלֵּילָה הַזֶּה כָּלָנוּ מְסֻבִּין.

۱- در سایر شب‌ها ما از نان
ورآمده یا فطیر میخوریم، ولی
امشب فقط نان فطیر میخوریم؟

۲- در سایر شب‌ها، انواع
سبزیجات را میخوریم، ولی امشب
مخصوصاً از سبزیجات تلخ استفاده
میکنیم؟

۳- در سایر شب‌ها ما سبزی یا
کاهو را حتی یکمرتبه در سرکه
یا حلق نمیزنیم، ولی امشب این کار
را دوبار انجام میدهیم؟

۴- در سایر شب‌ها ما درحال
نشستن یا درحال تکیه دادن غذا
صرف میکنیم ولی امشب همه ما
درحال فراغت و تکیه دادن میخوریم
و مینوشیم؟

رهبر مراسم:

قبل از خواندن هگادا اجازه میخواهم بطور خلاصه بچهار سؤال شما جواب دهم:

۱- امشب ما «مصا» میخوریم زیرا اجداد ما هنگام خروج از مصر فرصت نداشتند
تاخمیر ورآید و آنگاه نان بپزند، بنابراین نان را بدون اینکه خمیر ورآید
پخته و خوردند. ما نیز بیادبود چنین دوره‌ای از تاریخ خود فطیر میخوریم.

۲- امشب ما سبزیجات تلخ میخوریم تا تلخی و مرارت پدران خود را در زیر بار
اسارت و کارهای طاقت فرسای مصریان بیادآوریم.

۳- امشب کرفس را در سرکه و سبزیجات تلخ را در خروست (حلق) میزنیم و

میخوریم درباره این قسمت قبلاً توضیح داده شد.

۴- امشب ما در حال تکیه دادن روی دست چپ مینوشتیم و «مسا» میخوریم زیرا در زمان قدیم طبقه آزادگان در مصر، ایران و روم در حال تکیه دادن بر مخده‌ها غذا صرف میکردند. در صورتیکه طبقه غلامان با عجله و شتاب و در حال ایستاده غذای مختصری میخوردند. ما امشب برای اینکه نشان دهیم که ما یهودیان، اسیران دیروز، امروز آزادیم بدین جهت ما نیز مانند آزادگان قدیم رفتار میکنیم و بطور سمبلیک یائین و مسا را درحالیکه روی دست چپ تکیه داده‌ایم صرف میکنیم.

در تمام اعیاد یهود و موقعیت‌های مختلف واقعه رهائی از مصر تأکید شده است. مفهوم این تأکیدات پی‌درپی چنین است که خداوند نه تنها بوجودآورنده جهان و نظام طبیعت است بلکه قادر مطلق تعیین کننده مسیر تاریخ بشر و ملل مختلف نیز میباشد.

روزگاری ما درمصر غلامان

فرعون بودیم، اما خداوند خالق ما
با قدرت و افتخار ما را از آنجا
بیرون آورد. اگر خداوند مقدس
ومتبارک پدران ما را از مصر بیرون
نمی‌آورد، هنوز خودما و فرزندان
و اعقابمان از بردگان فرعون
مصری بودیم. بنابراین حتی اگر
همه ما دانشمند و فهیم بوده و
بخوبی مطالب «تورا» را بدانیم،
باجوداین برما فرض است درباره
خروج پدرانمان از مصر بازتعریف

בְּדִים הָיִינוּ לְפָרְעָה

בְּמִצְרַיִם, וַיֹּצִיאֵנוּ יְיָ

אֱלֹהֵינוּ מִשָּׁם בְּיַד חֲזָקָה

וּבְיָד נְטוּיָה. וְאֵלֹהֵינוּ הוֹצִיאָה הַקָּדוֹשׁ

בְּרוּךְ הוּא אֶת אֲבוֹתֵינוּ מִמִּצְרַיִם,

הָרִי אֲנוּ וּבְנֵינוּ, וּבְנֵי בְנֵינוּ, מִשְׁעַבְדֵּים

הָיִינוּ לְפָרְעָה בְּמִצְרַיִם. וְאֵפִילוּ כָלֵנוּ

חֲכָמִים, כָּלֵנוּ נְבוֹנִים, כָּלֵנוּ זְקֵנִים,

כָּלֵנוּ יוֹדְעִים אֶת הַתּוֹרָה, מִצְוָה עָלֵינוּ



לְסֵפֶר בִּיצִיאַת מִצְרַיִם. וְכָל הַמִּדְבָּה
לְסֵפֶר בִּיצִיאַת מִצְרַיִם הָרִי זֶה מְשֻׁבָּח.

کنیم . هر کس در باره حوادث
خروج از مصر مفصلتر صحبت کند
بیشتر مورد تحسین است.

واقعه زیر در شهر «بنه براق» واقع در حومه تل آویو امروز
اتفاق افتاده است . تنها منبع ادبی که از این واقعه بما خبر میدهد،
هگادای پسخ است. پنج نفر از علمای یهود در مجمعی نشسته و درباره
خروج ملت اسرائیل از مصر بایکدیگر بحث و گفتگو میکردند:

מַעֲשֵׂה בְּרַבִּי אֱלִיעֶזֶר וּרְבִי יְהוֹשֻעַ,
וּרְבִי אֶלְעָזָר בֶּן עֲזַרְיָה וּרְבִי עֲקִיבָא
וּרְבִי טַרְפוֹן, שֶׁהָיוּ מְסֻבִּין בְּבֵית בְּרַק,
וְהָיוּ מְסַפְּרִים בִּיצִיאַת מִצְרַיִם כָּל
אוֹתוֹ הַלַּיְלָה, עַד שֶׁבָּאוּ תַלְמִידֵיהֶם
וְאָמְרוּ לָהֶם: רַבּוֹתֵינוּ, הֵגִיעַ זְמַן
קְרִיאַת שְׁמַע שֶׁל שַׁחֲרִית.

آورده اند: رَبي العِيزَر ، رَبي
يهوشوع ، رَبي العازار فرزند عزريا ،
رَبي عقيوا و رَبي طر فون مجلس سِدر
را در شهر «بنه براق» گرفته بودند
آنها در تمام طول شب درباره وقایع
نجات ملت اسرائیل از مصر تعریف
میکردند . تا اینکه شاگردانشان
وارد شده و گفتند: «استادان ما ،
هنگام قرائت «شمع» در نماز
صبحگاهی فرارسیده است» .

אָמַר רַבִּי אֶלְעָזָר בֶּן עֲזַרְיָה: הָרִי
אֲנִי בְּכֵן שְׁבָעִים שָׁנָה, וְלֹא זָכִיתִי
שֶׁתֹּאמַר יִצִיאַת מִצְרַיִם בַּלַּיְלָה, עַד

رَبي العازار فرزند عزريا گفت:
«سن من در حدود هفتاد سال است،
ولی تاکنون هرگز موفق بذكر
علت ذكر داستان خروج از مصر
در نماز شب نشده بودم. تا اینکه

۱- منظور از نماز شب ، «شمع اسرائیل» است که قسمت اصلی نمازهای صبح و شب را تشکیل
می دهد. و آن منتخبی از سه قسمت تورا ، دِواریم (تثنیه) فصل ششم آیات ۹-۴ ؛ فصل یازدهم
آیات ۲۱-۱۳ ؛ و بَمیدبار (اعداد) فصل یازدهم آیات ۴۱-۳۷، میباشد در قسمت سوم درباره
خروج ملت اسرائیل از مصر صحبت میشود .

שִׁדְרָשָׁה בֶּן זִמְאָה, שְׁנֵאֵמֶר: לְמַעַן
תִּזְכֹּר אֶת יוֹם צֵאתְךָ מֵאֶרֶץ מִצְרַיִם
כָּל יְמֵי חַיֶּיךָ. יְמֵי חַיֶּיךָ הַיָּמִים; כָּל
יְמֵי חַיֶּיךָ הַלֵּילוֹת. וְחֻכָּמִים אֲמָרִים:
יְמֵי חַיֶּיךָ הָעוֹלָם הַזֶּה; כָּל יְמֵי חַיֶּיךָ
לְהָבִיא לִימּוֹת הַמָּשִׁיחַ.



בְּרוּךְ הַמָּקוֹם, בְּרוּךְ הוּא. בְּרוּךְ
שְׁנֵתָן תּוֹרָה לְעַמּוֹ יִשְׂרָאֵל, בְּרוּךְ
הוּא.

«بن زوما» با آوردن آیه زیر آنرا
توجیه کرد: «تا آنکه روز خروجت
را از سر زمین مصر در تمام روزهای
زندگیات بیادآوری» (تثیه فصل
شانزدهم آیه ۳). عبارت «روزهای
زندگیات» فقط به روزهای زندگی
اشاره میکند، حال آنکه در آیه فوق
«تمام روزهای زندگیات» نوشته
شده است، بنابراین شامل شبهای
زندگی نیز میگردد. معهذا، تفسیر
دیگری در این مورد بوسیله علما
ارائه شده است. آنها میگویند:
عبارت «روزهای زندگیات» اشاره
به زندگی فانی در این جهان است
و «تمام روزهای زندگیات» اشاره
به دوران ماشیح است.

مَتَبَارَكُ باد آفریدگار، او
مَتَبَارَكُ است، مَتَبَارَكُ باد او که
«تورا» را بملت خویش «ایسرائل»
عطا فرمود.

چهار مرتبه در «تورا» بازگو کردن داستان خروج از مصر برای فرزندان
بوسیله پدر تأکید شده است: (شُموت: فصل ۱۲ آیه ۲۶؛ فصل ۱۳ آیه ۱۴ و
دواریم فصل ۶ آیه ۲۰).

براساس این آیات و تفاسیر آنان بطور کلی چهارنوع کودک اذ لحاظ شخصیت

و میزان عقل تشخیص داده شده است .

۱- حاخام ، کود کی عاقل ، زیرك و باهوش است .

۲- راشاع، کود کی متمرّد، ناراحت و شریر بوده و دربارهٔ نتایج اعمالش تفکر و تحقیق نمیکند.

۳- تام ، کود کی ساده لوح و نارس است.

۴- شهانوئودیغ لیشئول، کود کی است که حتی از سؤال کردن عاجز است.

אַחַד חֲכָם, וְאַחַד רָשָׁע, וְאַחַד תָּם,

«تورا» موضوع خروج از مصر

را از زبان چهار نوع کودک، اولی

عاقل، دومی متمرّد و شریر، سومی

ساده لوح و چهارمی که حتی سؤال

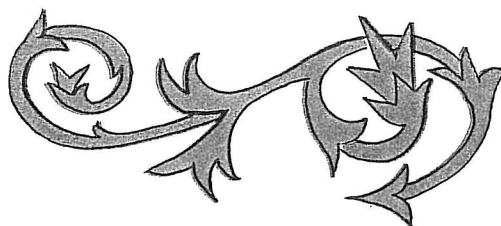
کردن را نیز نمیداند، مورد بحث

و گفتگو قرار میدهد .

בְּנֵי אֶרְבָּעָה בָּנִים דִּבְרָה תוֹרָה:

אֶחָד חֲכָם, וְאַחַד רָשָׁע, וְאַחַד תָּם,

וְאַחַד שְׂאִינֵי יוֹדֵעַ לִשְׁאוֹל.



حَاخَام: كودك عاقل ميپرسد:
«دليل اين شريعات، قوانين و
احكامي كه خداوند خالق ما بشما
فرموده است چيست؟ (تثنيه فصل ۶
آيه ۲۰). در جوابش تو بايد تمام
جزئيات قوانين پسخ، حتي دليل
اينكه چرا بعد از خوردن اَفِقُومَن
ديگر نميتوان خورد و آشاميد، را
نيز توضيح دهی.

חָכָם מה הוא אומר: מה העדות
והחקים והמשפטים אשר צוה יי
אלהינו אתכם: ואף אתה אומר לו
בהלכות הפסח, אין מפטירין אחר
הפסח אפיקומן.

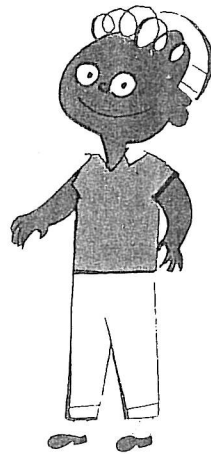


رَاشَع: كودك متهمرد ميپرسد:
اين چه كاري است كه شما ميكنيد؟
(شموت فصل ۱۲ آيه ۲۶)، مفهوم
اين مراسم چيست؟ راشع با استفاده
از لغت «شما» نشان ميدهد كه اين
مراسم براي «او» اهميتي ندارند.
بدینوسیله او خود را از جمع ملت

רָשַׁע מה הוא אומר: מה העבדה
הזאת לכם? לכם ולא לו. ולפי
שהוציא את עצמו מן הכלל כפר

خویش خارج کرده و منکر ذات
 پروردگار است؛ بنابراین تو نیز
 در مقابل با جوابی دندان شکن
 اینطور باو پاسخ بده: این مراسم
 بخاطر معجزات عظیمی است که
 خداوند در هنگام خروج من از
 مصر «برای من» نمود (شُموت
 فصل ۱۳ آیه ۸) «برای من» و نه
 «برای او» و اگر چنین شخصی در
 مصر میبود محققاً شایسته نجات
 از بندگی مصریان نبود.

בְּעֵקֶר. וְאַף אִמָּה הִקְהֶה אֶת שְׁנֵיו,
 וְאָמַר לוֹ: בְּעֵבֹר זֶה עָשָׂה יְיָ לִי
 בְּצֵאתִי מִמִּצְרַיִם. לִי וְלֹא לוֹ, אֱלֹו
 הָיָה שֵׁם לֹא הָיָה נִגְאָל.



تام، كودك ساده لوح میپرسد:
 معنی این مراسم چیست؟ باوبگو
 که این مراسم بخاطر آنست که
 خداوند ما را با قدرت قوی از
 سرزمین مصر و خانه غلامان خارج
 کرد (شُموت فصل ۱۳ آیه ۱۴).

תָּם מָה הוּא אֹמֵר: מָה זֹאת?
 וְאִמָּתָּה אֱלֹו: בְּחֹזֶק יָד הוֹצִיאָנוּ יְיָ
 מִמִּצְרַיִם, מִבֵּית עֶבְדִּים.

וְשֵׂאִינוּ יוֹדֵעַ לְשֹׂאֵל - אֶת פֶּתַח
 לוֹ, שֶׁנֶּאֱמַר: וְהִנֵּדְתָּ לְבִנְךָ בַּיּוֹם הַהוּא
 לֵאמֹר: בָּעֶבֶר זֶה עָשָׂה יְיָ לִי בְּצֵאתִי
 מִמִּצְרָיִם.



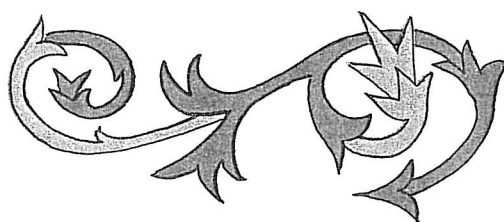
יְכַל מְרֹאשׁ חֹדֶשׁ, תִּלְמִיד לִזְמַר:
 בַּיּוֹם הַהוּא. אֵי בַּיּוֹם הַהוּא, יְכַל
 מִבְּעוֹד יוֹם, תִּלְמִיד לִזְמַר: בָּעֶבֶר
 זֶה. בָּעֶבֶר זֶה לֹא אֶמְרָתִי אֶלָּא

שֶׁהַיּוֹדֵעַ לִישׁוֹל: בְּרַא
 כּוֹד כִּי כֶּה חֲתִי שׁוֹאֵל כֶּרֶד
 נִמְיֵדָנִד, תּו שְׂרֹע בִּשְׁבֶּת כֶּרֶד
 וּ וְקִיֵּע רֹא תִרְיֵפ כֵּן, הִמָּנְטוֹר
 כֶּה דֶר תּוֹרָא תֹאכִיד שֶׁדֶּה־אִסֵּת: «דֶּר
 אֵן רוֹז בִּפְרִזְנִדָּנִת אִפְלָע בִּדֶּה ו
 בִּגּוֹ בִּחְטִיֵּר מַעֲבָזָתִי כֶּה חֲדָוִנִד
 דֶּר הֶנְגָּמ חֲרוֹגִם אִזְמִר נִמּוֹד אִינ
 מִרָּאִסִּם רֹא אִנְגָּאִם מִידֶּה־מִּ». (שִׁמּוֹת
 פֶּסֶל ۱۳ אִיֶּה ۸).

ممكن است چنین تصور کرد
 که مراسم پسخ و خواندن هگادا
 را باید اول ماه «نیسان» انجام داد.
 اما در «تورا» آمده است: «تو باید
 در آن روز برای فرزندان تعریف
 کنی» (منظور از آن روز، یازدهم
 ماه نیسان یعنی اولین روز پسخ است).

בְּשָׁעָה שִׁשׁ מִצָּה וּמָרוֹר מְנַחִים
לְפָנֶיהָ.

باز ممکن است اینطور استنباط
کرد که منظور از «در آن روز»
هنگام روز است، ولی دنباله آیه
فوق چنین است «..... من این
مراسم را بخاطر معجزات عظیمی
که خداوند در هنگام خروج من
از مصر برای من نمود انجام میدهم».
یعنی هنگام شب، موقعی که مصا
وسبزیجات تلخ درمقابل تو نهاده
شده باشند.



علمای یهود چنین عقیده‌مندند که ابتدا باید دربارهٔ دوران سخت و تحقیر-
آمیز يك ملت و سپس دربارهٔ دوران افتخارآمیز آن صحبت کرد. براساس این
عقیده «شموئل» رئیس دانشگاه «نهر دعا» در بابل، گذشتهٔ ملت یهود را با این
کلمات شروع میکند: «روزگاری ما غلامان فرعون در مصر بودیم». اما دانشمند
همزمان او «راو» رئیس دانشگاه «سورا» این عقیده را بصورت دیگری بیان میکند
و میگوید: «در ابتدا پدران ما خدایان غیر را پرستش میکردند» (پساحیم صفحه
۱۶). این دو عقیده فوق در هکادا منعکس بوده و چنین توجیه شده‌اند: ملت
ایسرائل از زیر بار دونوع بردگی رهائی یافت. اول، از بردگی جسمانی. دوم، از
بردگی روحانی. برای انسان تنها کافی نیست که جسماً آزاد باشد، بلکه باید از
آزادی روحانی نیز برخوردار باشد. ملت یهود در طول تاریخ خود بارها در معرض
خطر این دونوع بردگی قرار گرفته‌است ولی خوشبختانه با حلم و درایت و بکمک
ایمان بگذشته خود، آزادی خود را حفظ کرده‌است.

תחלה עובדי עבודה

ורה היו אבותינו,

ועבשו קרבנו המקום

לעבודתו, שנאמר: ויאמר יהושע אל

כל העם, כה אמר יי אלהי ישראל,

בעבר הנהר ישבו אבותיכם מעולם,

תרח אבי אברהם ואבי נחור; ויעבדו

אלהים אחרים. ואקח את אביכם

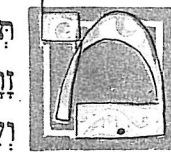
את אברהם מעבר הנהר, ואולף

אותו בכל ארץ כנען; וארבה את

ורעו, ואתן לו את יצחק. ואתן ליצחק

את יעקב ואת עשו; ואתן לעשו את

הר שעיר לרשת אותו, ויעקב ובניו



יָרְדוּ מִצְרַיִם.

در ابتدای امر ، قبل از دوره

حضرت ابراهیم، اجداد مابست پرستی

میکردند . اما خداوند ما را بعبادت

ذاتش نزدیک فرمود . چنانکه در

کتاب یهوشوع آمده است :

«یهوشوع به همه مردم گفت: خداوند

خالق اسرائیل چنین فرموده است:

در روز گاران گذشته، پدران شما

حتی «تراح» پدر ابراهیم و «ناحور»

که در ماورای رود فرات سکونت

داشتند بت پرستی میکردند . اما

من جد شما ابراهیم را از ماورای

رود فرات دور ساخته و او را آسرتاسر

زمین کنعان راهنمایی کردم . نسل

او را زیاد کرده و اسحق را باو

اعطا کردم . به اسحق یعقوب و

«عساو» را دادم، کوه «سعی» را به

«عساو» بخشیدم تا آنرا وارث شود،

اما یعقوب و فرزندان سرزمین

مصر فرود آمدند». (یهوشوع فصل

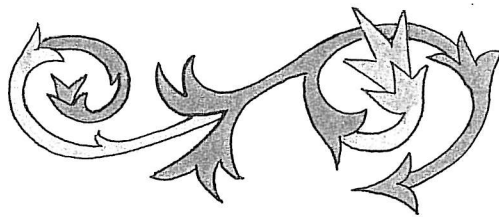
۲۴ آیات ۴ و ۲).

متبارك است خداوند که قول

خود را به اسرائیل وفا میکند ،

متبارك است، زیرا خداوند تبارك

وتعالی پایان دوران بندگی ما را



ברוך שומר הבטחתו לישראל,

ברוך הוא. שהקדוש ברוך הוא חשב

את הקץ לעשות כמו שאמר לאברהם
אבינו בבְּרִית בֵּין הַבְּתָרִים, שְׁנֵאֹמַר:
וַיֹּאמֶר לְאַבְרָם, יֵדַע תֵּדַע כִּי גֵר יִהְיֶה
וְרֵעַךְ בְּאֶרֶץ לֹא לָהֶם, וַעֲבָדוּם וַעֲנוּ
אֹתָם, אַרְבַּע מֵאוֹת שָׁנָה. וְגַם אֶת הַגּוֹי
אֲשֶׁר יַעֲבֹדוּ דָן אֲזִכִּי; וְאַחֲרָי כֵן יֵצְאוּ
בְּרֶכֶשׁ גָּדוֹל.



تعیین فرمود تا قولی را که بحضرت
ابراهیم جدما در عهد «بین هیتاریم»
داده بود عمل کند. چنانکه در
«تورا» آمده است: «خداوند به
ابراهیم فرمود، بطور یقین بدان
که اولادانت در سرزمینی که مال
خودشان نخواهد بود به غربت رفته
و اهالی آن سرزمین را بندگی
خواهند کرد، و آنها اولادان ترا
مدت چهارصد سال رنج خواهند
داد. اما من هم آن ملتی که فرزندان
ترا ببردگی خواهند گرفت
محاکمه خواهم کرد. عاقبت
فرزندانت با دارائی فراوان از آن
سرزمین آزاد خواهند شد». (برشیت
فصل ۱۵ آیات ۱۳ و ۱۴).

علمای ما کلمات و حروف کتاب مقدس را بطرز جالبی مورد تفسیر و تاویل
قرار داده اند: مثلاً قطعه زیر که با کلمه «وِهی» شروع میشود، حروف آنرا چنین
توجیه کرده اند: ارزش ریاضی حرف «و» در کلمه «وِهی» شش است که مبین شش
بخش میثنا، اولین مجموع القوانین یهودی است که در سال ۲۰۰ بوسیله ربی یهوذا
هَناسی تدوین گردید. ارزش ریاضی حرف «ه» پنج است که مبین پنج کتب حضرت
موسی است که «تورا» نامیده میشود. ارزش ریاضی حرف «یود» ده است که مبین ده
فرمان است، و بالاخره ارزش ریاضی حرف «آلف» که مصوت نیست يك است که
مبین یکتائی و یگانگی ذات حق تعالی است.

روی مصا را پوشانیده و جام‌های یائین را در دست راست گرفته
و جملات ذیل گفته میشوند:

کمک‌الهی همواره شامل حال
اجداد ما وما بوده ومارانگهداری
میکند. زیرا تا کنون نه تنها يك
دشمن برای نابودی ما علیه‌مان قیام
کرده، بلکه در هر عصر و دوره‌ای
دشمنانی در پی فنا کردن مامیباشند.
اما خداوند تبارك و تعالی ما را از
چنگال آنان رهائی میدهد.

היא שעמדה לאבותינו
ולנו. שלא אחד בלבד,
עמד עלינו לכלותינו,
אלא שבכל דור ודור עומדים
עלינו לכלותנו, והקדוש ברוך הוא
מצילנו מידם.



جام‌ها روی میز گذاشته شده و روپوش مصاها بکناری نهاده میشود.



همواره ما باید خود را بر علیه دو نوع دشمن که در صدد آزار و سلب آزادی
ما میباشند تجهیز کنیم. نوع اول دشمنی است که بهسہولت میتوان او را از طرز
گفتار و اعمال شیطانی‌اش باز شناخت. اما دشمن نوع دوم دشمنی است که باظاهری
آراسته و دوست‌نما قادر است ما را اغفال کرده و بورطه نابودی بکشاند. فرعون
مصر دشمنی بود از نوع اول و «لاوان» چنانکه ملاحظه خواهد شد دشمنی بود
از نوع دوم. با جابجا کردن کلمه «آرمی» این کلمه تبدیل به «رمای» بمعنی
حیله‌گر و مکار میشود. «لاوان»، نه تنها سعی کرد حضرت یعقوب و اولادانش را
بهلاکت برساند، بلکه دیگران را نیز برای نابودی آنها تشویق میکرد. چنین
بنظر میرسد که در تاریخ یهود خطری که از جانب «لاوان‌ها» اسرائیل را تهدید
میکرد همیشه بزرگتر و اقب‌آن وخیم‌تر از خطر «فرعون‌ها» بوده‌است.

یکی از محققین عصر جدید چنین عقیده مند است که حدیث ذیل انعکاسی از موقعیت سیاسی ملت یهود در قرن سوم قبل از میلاد است. زیرا در این زمان سوریه و مصر (لاوان و فرعون) بر سر تسلط بر مملکت اسرائیل که تحت نفوذ و سلطه فرمانروایان سلسله بطلمیوس مصر بود، بر قابت پرداخته بودند. این حدیث با نظری مثبت به مصریان در مقام مقایسه با «لاوان» (سوریه) مینگردد، بنابراین میتوان چنین نتیجه گرفت که در این دوره یهودیان قلباً خواستار همزیستی مسالمت آمیز و دوستی با مصریان بوده اند. علمای یهود با آوردن این حدیث طرفداری خود را از مصر ابراز داشته اند.

بیا و بایکدیگر درباره «لاوان»
 «آرامی» تحقیق کنیم و ببینیم چه
 میخواست بر سر یعقوب جد ما
 بیاورد، در جایی که فرعون مصر
 فقط حکم قتل عام نوزادان ذکور
 را صادر کرده بود، «لاوان» در صدد
 نابود کردن یعقوب و تمام خانواده
 او بود. زیرا در «تورا» آمده است:
 ارمی (لاوان) میخواست جدم
 (یعقوب) را نابود کند.

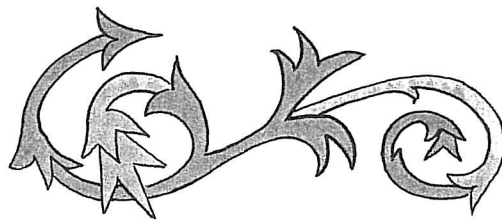
יָא וְלָמַד, מַה בִּקֵּשׁ לָבֵן הָאֶרְמִי
 לַעֲשׂוֹת לְיַעֲקֹב אָבִינוּ. שֶׁפָּרַעַה לֹא
 מָוֵר אֱלֹא עַל הַזְּכָרִים, וְלָבֵן בִּקֵּשׁ
 לַעֲקֹר אֶת הַכֹּל, שֶׁנֶּאֱמַר: אֶרְמִי אָבִד
 אָבִי.

ادامه مطالب بالا را که در ذیل ملاحظه میفرمائید، در حقیقت تفاسیری از علمای یهود بر چهار آیات سفر دِواریم (تثنیه فصل ۲۶ آیات ۵-۸) میباشد. این آیات منعکس کننده تاریخ ملت یهود در سرزمین خویش است. بعد از دوران بردگی ملت یهود موفق به تشکیل کشوری مستقل گردید و خانه مقدس را در یروشالیم بنا نهاد. در عید شاورعوت که کشاورزان نو بر محصولات کشاورزی خود را برای تقدیم بصاحت مقدس معبد یروشالیم میآوردند، این چهار آیه را نیز قرائت میکردند:

۱- «ارمی میخواست جدم را
 نبود کند، اما او با خانواده اش که
 عده خیلی بودند بمصر فرود آمد
 و در شهر غربت سکنی گزید؛ اما
 در آنجا پس از گذشت زمانی بملتی
 بزرگ، عظیم و پر جمعیت تبدیل
 گردید.

«یعقوب بمصر مهاجرت کرد»
 زیرا خداوند چنین باو فرمان داده
 بود.

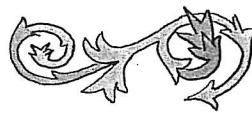
«در آنجا ساکن شد»: از این
 مطلب ما چنین استنباط میکنیم
 که یعقوب قصد نداشت در مصر
 همیشه ساکن شود، بلکه مقصودش
 سکونت موقتی بود. زیرا در «تورا»
 آمده است: «فرزندان یعقوب
 بفرعون گفتند: ما برای سکونت
 موقت باین سرزمین آمده ایم، زیرا
 در موطن ما چراگاهی برای گله
 های بندگانت وجود ندارد، چونکه
 قحطی شدیدی در کشور کنعان
 حکم فرما است. حال تمنا داریم
 اجازه دهی بندگانت در سرزمین
 «کوشن» ساکن شوند». (برشیت
 فصل ۴۷ آیه ۴)



(۱) «ارمی ابد آبی، ویرد مخریما،
 ویرد شمس بماتی مخریما؛ ویهی شمس لغوی
 גדול، עצום وרב.

ویرد مخریما: انوس על פי הדבור.

ویرد شمس: ملמד שלא ירד יעקב אבינו
 להשתקע במצרים אלא לגור שם، שנאמר،
 ויאמרו אל פרעה، לגור בארץ באנו، כי
 אין מרעה לצאן אשר לעבדך، כי כבוד
 הרעב בארץ כנען: ועתה ישבו נא עבדך
 בארץ גשן.



«باعده قلیل»: چنانکه حضرت
 موسی (ع) بملت اسرائیل فرمود:
 «اجداد تو فقط با هفتاد نفر وارد
 مصر شدند؛ و اکنون خداوند
 خالقت ترا از حیث نفوذ
 چون ستارگان آسمان بشمار
 کرده است». (دواریم فصل ۱۰
 آیه ۲۲).

«در آنجا تبدیل بملت بزرگی
 شد»: این عبارت نشانه آنست که
 حتی در آن دوران نیز ملت اسرائیل
 ملتی برجسته و مشخص بود.

«بزرگ و قدرتمند»: چنانکه
 در «تورا» آمده است، «فرزندان
 اسرائیل بسیار بارور شدند، زایش
 کردند، زیاد شدند و قوی گشتند
 و آن سرزمین از آنها پر شد».
 (شموت فصل اول آیه ۷).

«و عده آنها زیاد شد»: زیرا
 در کتاب حضرت یحزق (ع) آمده
 است، «ترا مانند گیاهان صحرا
 بسیار نمودم؛ تو رشد کرده و
 بزرگ شدی و ملتی قوی گشتی
 ولی از لحاظ روحانی هنوز نارس و
 بی تجربه بودی». (فصل ۱۶ آیه ۷)

בְּמִתִּי מֵעַט: כְּמוֹ שֶׁנֶּאֱמַר, בְּשִׁבְעִים
 נִפְּשׁ יָרְדוּ אֲבֹתֶיךָ מִצְרָיִם; וְעַתָּה שְׁמֶךָ
 יִי אֱלֹהֶיךָ כְּכֹכְבֵי הַשָּׁמַיִם לְרֹב.

וַיְהִי שֵׁם לְגוֹי: מְלֻמֵּד שֶׁהָיוּ יִשְׂרָאֵל
 מְצֻיָּנִים שֵׁם.

גָּדוֹל, עֲצוּם: כְּמוֹ שֶׁנֶּאֱמַר, וּבְנֵי יִשְׂרָאֵל
 פָּרוּ וַיִּשְׁרְצוּ, וַיִּרְבּוּ וַיַּעֲצֻמוּ בְּמֵאֵד מְאֹד;
 וַתִּמְלֵא הָאָרֶץ אֹתָם.



וְרֹב: כְּמוֹ שֶׁנֶּאֱמַר, רִבְבָּה כְּצֶמַח הַשָּׂדֶה
 וַתִּתִּיךְ; וַתִּרְבֵּי וַתִּגְדְּלִי, וַתִּבְּאֵי בְּעֵדֵי
 עֲדָיִים; שָׂדִים נָכְנוּ, וּשְׁעָרֶיךָ צִמְחוּ, וְאַתָּה
 עָרֵם וְעָרִיזָה.

۲- «مصريان باما بدرفتاری

کردند، مارا رنج دادند و کارهای سخت و دشوار را بر ما تحمیل کردند (تثیبه فصل ۲۶ آیه ۶).

«و مصريان با ما بدرفتاری کردند»: دلیل آن این بود که فرعون گفت، بیائید تا برای این ملت تدبیری بیاندیشیم، مبادا زیادتیر شود، زیرا اگر جنگی برای ما اتفاق افتد، او نیز بدشمنان ما پیوسته، بر علیه ما خواهد جنگید و از این سرزمین خارج خواهد شد (خروج فصل اول آیه ۱۰).

«ما را رنج دادند»: زیرا در «تورا» آمده است، «مصريان مأمورین وصول مالیات بر آنها گماشتند تا آنها گماشتند تا آنها را با کارهای سنگین و پر زحمت آزار دهند و ملت اسرائیل شهرهای محصور پیتوم و رعْمِیس را برای انبار غلات فرعون بنا کردند».

«و کارهای سخت و دشوار را بر ما تحمیل کردند»: چنانکه در «تورا» آمده است، «مصريان فرزندان اسرائیل را بکارهای سخت

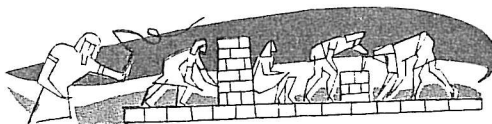


(2) וַיִּרְעוּ אֹתָנוּ הַמִּצְרִים וַיַּעֲנוּנוּ،
וַיִּתְּנוּ עָלֵינוּ עֲבָדָה קָשָׁה.

וַיִּרְעוּ אֹתָנוּ הַמִּצְרִים: כְּמוֹ שֶׁנֶּאֱמַר,
הָבָה נִתְחַכְמָה לוֹ, שֶׁן יִרְבֶּה, וְהָיָה כִּי
תִקְרָאנָה מִלְחָמָה, וְנוֹסֶף גַּם הוּא עַל שְׂנְאֵינוּ
וְנִלְחֶם בָּנוּ וְעָלָה מִן הָאָרֶץ.

וַיַּעֲנוּנוּ: כְּמוֹ שֶׁנֶּאֱמַר, וַיְשִׁימוּ עָלָיו שָׂרֵי
מִסִּים, לְמַעַן עֲנֹתוֹ בְּסִבְלָתָם. וַיָּבֶן עָרֵי
מִסְכְּנוֹת לַפְרָעָה, אֶת פִּתּוֹם וְאֶת רַעְמִסִּס.

וַיִּתְּנוּ עָלֵינוּ עֲבָדָה קָשָׁה: כְּמוֹ שֶׁנֶּאֱמַר,
וַיַּעֲבֲדוּ מִצְרַיִם אֶת בְּנֵי יִשְׂרָאֵל בְּפָרָךְ.



ودشوار واداشتند». (خروج فصل
اول آیه ۱۳).

۳- «وما بدر گاه خداوند خالق
اجدادمان التماس کردیم. خداوند
فقر و مذلت و فشار مارا ملاحظه
فرموده، ما را اجابت فرمود».
(تثییه فصل ۲۶ آیه ۷).

«ما بدر گاه خداوند خالق
اجدادمان التماس کردیم»: چنانکه
در «تورا» آمده است، «بعد از گذشت
چند سال پادشاه مصر وفات یافت،
فرزندان اسرائیل از فشار کار آه
کشیده و فریاد برآوردند؛ استغاثه
آنها از سختی کار و بردگی بدر گاه
خداوند رسید (خروج فصل دوم
آیه ۲۳).

«خداوند ما را اجابت فرمود»:
همانطور که در «تورا» آمده است،
«خداوند ناله آنها را شنیده و پیمانی
را که با ابراهیم، با اسحق و با
یعقوب بسته بود بیاد آورد» (خروج
فصل ۲ آیه ۲۴).

«فقر ما را ملاحظه فرمود»:
این عبارت بر جدا شدن اجباری
افراد خانواده، مخصوصاً زنان و



ונצַעַק אֶל יְיָ אֱלֹהֵי אֲבוֹתֵינוּ;
וַיִּשְׁמַע יְיָ אֶת קִלְנוֹ, וַיֵּרָא אֶת עֲנִינוֹ,
וְאֶת עֲמָלְנוֹ וְאֶת לַחֲצֵנוּ.

ונצַעַק אֶל יְיָ אֱלֹהֵי אֲבוֹתֵינוּ: כְּמוֹ
שֶׁנֶּאֱמַר, וַיְהִי בַיָּמִים הָרַבִּים הֵהֵם, וַיָּמָת
מֶלֶךְ מִצְרַיִם, וַיֹּאנְחוּ בְנֵי יִשְׂרָאֵל מִן הָעֲבָדָה
וַיִּזְעֻקוּ: וַתַּעַל שׁוֹעַתָם אֶל הָאֱלֹהִים מִן
הָעֲבָדָה.

וַיִּשְׁמַע יְיָ אֶת קִלְנוֹ: כְּמוֹ שֶׁנֶּאֱמַר, וַיִּשְׁמַע
אֱלֹהִים אֶת נַאֲקָתָם, וַיִּזְכֹּר אֱלֹהִים אֶת
בְּרִיתוֹ אֶת אֲבְרָהָם, אֶת יִצְחָק וְאֶת יַעֲקֹב.

וַיֵּרָא אֶת עֲנִינוֹ: זוֹ פְּרִישִׁית דֶּרֶךְ אֶרֶץ,
כְּמוֹ שֶׁנֶּאֱמַר, וַיֵּרָא אֱלֹהִים אֶת בְּנֵי יִשְׂרָאֵל,
וַיִּדַּע אֱלֹהִים.



مردان اسرائیل از یکدیگر، اشاره میکند. این مطلب تفسیری است از آنچه که در «تورا» آمده است: «خداوند وضع دشوار فرزندان اسرائیل را ملاحظه فرمود، خداوند از ستمی که بآنها روا میشد آگاه بود» (خروج فصل دوم آیه ۲۵).

«و مذلت مارا»: این کلمات اشاره به غرق شدن نوزادان ز کور اسرائیل بدست مصریان است، چنانکه در «تورا» آمده است، «فرعون بملت خود فرمان داد: هر پسر که متولد شود به رود نیل بیاندازید ولی دخترها را زنده نگهدارید». (خروج فصل اول آیه ۲۲).

«و فشار ما را»: این کلمات اشاره به سختگیری هائی است که مصریان با اجداد ما میکردند، بطوریکه مرقوم است، «و نیز فشاری را که مصریان بر آنها می آوردند ملاحظه نمودم». (خروج فصل ۳ آیه ۹).

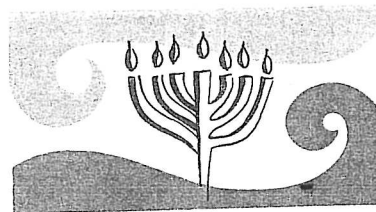
(۴) «و خداوند با قدرت قوی و بازوی برافراشته همراه با خوفی



וְאֵת עַמִּלָּנוּ: אֱלֹהֵי הַכְּנָעִים, כְּמוֹ שְׁנֵאמַר,
כָּל הַבֶּן הַיְּלֻד הַיֵּאָרָה תְּשַׁלְּכֶהוּ, וְכָל
הַבֵּת תַּחֲיִיז.

וְאֵת לַחֲצֵנוּ: זֶה הַדְּחֻק, כְּמוֹ שְׁנֵאמַר,
וְגַם רָאִיתִי אֶת הַלַּחֲצִי אֲשֶׁר מַצְרִיִּים לַחֲצִים
אֵתָם.

(4) וַיִּצְיֵאֵנוּ יְיָ מִמִּצְרַיִם, בְּיָד חֲזָקָה
וּבְזֶרַע נְטוּיָה, וּבְמֶרְאָה גְּדֹלָה, וּבְאֲתֹת
וּבְמִפְתִּיִם.



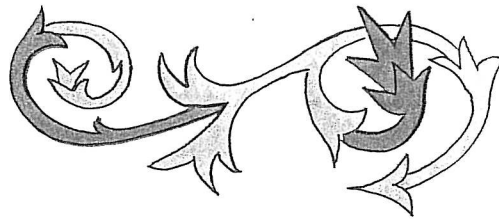
عظیم و آیات و معجزات مارا از مصر
بیرون آورد». (تثنیه فصل ۲۶ آیه ۸)

«و خداوند مارا از مصر بیرون

آورد: «نه بتوسط فرشته، نه بوسیله
ساراف، و یا مأمور بلکه با اراده
ذات شریف خداوند تبارک و تعالی.
زیرا در «تورا» آمده است، «امشب
از سرتاسر کشور مصر گذر کرده
و تمام اولزاد انسان و چهارپا را
ضربت خواهم زد، کلیه معبودان
مصریان را مجازات خواهم کرد.
من خدا هستم». (خروج فصل ۱۲
آیه ۱۲)

«امشب از سرتاسر کشور مصر
گذر خواهم کرد»: ذات خودم، و
نه فرشته؛ «تمام اولزادگان کشور
مصر را ضربت خواهم زد» ذات
خودم، و نه ساراف. «کلیه معبودان
مصریان را مجازات خواهم کرد»:
ذات خودم، و نه مأمور. «من خدا
هستم»: این من هستم که این اعمال
را انجام خواهم داد و نه دیگری.
«با قدرت قوی»: اشاره بمرض
طاعونی است که در بین چهارپایان
مصریان شایع گردیده و باعث

و یוציאנו יי ממצרים: לא על ידי מלאך,
ולא על ידי שרף, ולא על ידי שליח, אלא
הקדוש ברוך הוא בכבודו וב עצמו,
שנאמר, ועברתי בארץ מצרים בלילה
הזה, והפיתי כל בכור בארץ מצרים,
מאדם ועד בהמה; ובכל אלהי מצרים
אעשה שפטים, אני יי.



ועברתי בארץ מצרים בלילה הזה:
אני ולא מלאך; והפיתי כל בכור
בארץ מצרים: אני ולא שרף. ובכל
אלהי מצרים אעשה שפטים: אני
ולא השליח. אני יי: אני הוא ולא
אחר.



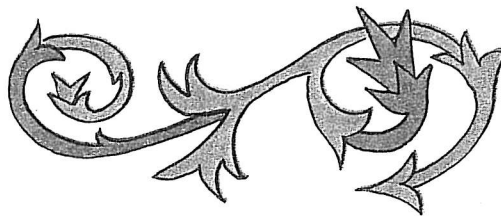
نابودی آنان شد. چنانکه فرعون
 بوسیله خداوند بر حذر شده بود،
 «اینک قدرت الهی بر گله و رمه
 تو که در صحرا هستند ضربت زده
 و بصورت طاعون بسیار شدیدی
 بر اسبان، بر الاغها، بر اشتران و
 گاوان اثر خواهد گذاشت».
 (خروج فصل ۴ آیه ۳)

«با بازوی افرشته»: اشاره به
 شمشیر مخرب است.^۱ چنانکه در
 کتاب مقدس آمده است، و شمشیر
 از غلاف کشیده‌اش که در دستش
 بود بر روی یروشالیم بلند شده بود
 (کتاب اول تواریخ ایام فصل ۲۱
 آیه ۱۶).

«توأم با خوفي عظیم»: این
 خوف نتیجه تجلی نور جلال الهی
 بود که در مصر جلوه گر شد. این
 تجلی را میتوان از آیه زیر دریافت،
 «آیا هیچ معبودی چنین آزمایشی
 را کرده است؛ آمده و برای ذات
 خود ملتی را از میان ملت دیگر-
 با آزمایش‌ها، با آیات، بامعجزات

بید حنקה: זו הדבר، כמו שנאמר، הנה
 יד יי הויה במקנה אשר בשדה، בסוסים،
 בחמרים، בגמלים، בקקר ובצאן، דבר
 כבד מאד.

ובזרע נטויה: זו התרב، כמו שנאמר،
 וחרבו שלופה בידו، נטויה על ירושלים.



وبمرا גדل: זו גלוי שכניה، כמו
 שנאמר، או הנסה אלהים، لبوا לקחת
 לו גוי מקרב גוי، במסת، באתת ובمؤפתים

۱- توصیحا اینکه: شمشیر مخرب ذکر شده در منبع فوق اشاره به شمشیر مخربی است که حضرت
 داود (ع) در هنگام و بای شدیدی که در بین مردم یروشالیم شایع شده بود، در دست فرشته خداوند
 رؤیت فرمود و در هکادا بعنوان استعاره از آن استفاده شده است.

و جنگ، مانند هر آنچه که خداوند

خالق شما برای شما در برابر

چشماتان در کشور مصر انجام داد.

انتخاب کند؟» (تثنیه فصل ۴ آیه ۳۴)

«و با آیات»: این کلمات اشاره

به عصای حضرت موسی (ع) است که

بوسیله آن معجزاتی انجام داد.

چنانکه در «تورا» آمده است،

«و این عصا را در دست خود بگیر

تا بوسیله آن این آیات را ظاهر

نمائی». (خروج فصل ۴ آیه ۱۷).

«و با معجزات»: این کلمات

اشاره به معجزه تبدیل آبهای سرزمین

مصر به خون است چنانکه در کتاب

یُوئل آمده است: «و در آسمان و

زمین بوسیله خون، آتش و ستونهای

دود معجزات خواهم کرد». (فصل ۳

آیه ۳). میتوان تفسیر دیگری

درباره آیه ۸ از فصل ۲۸ سفر

دواریم ارائه کرد:

«قدرت قوی»، بازوی افراشته،

خوفی عظیم، هریک شامل دو

کلمه میباشد، آیات و معجزات

نیز که بصورت جمع آمده اند، مانند

آنست که هریک شامل دو کلمه

وּבְמִלְחָמָהּ, וּבְיָד חֲזָקָהּ וּבְיָרֵעַ נְטוּיָהּ,

وּבְמִרְאִים גְּדִלִים, כָּל אֲשֶׁר עָשָׂה לָכֶם

יְיָ אֱלֹהֵיכֶם, בְּמַצָּרִים לְעֵינֶיךָ?

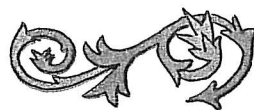
وּבְאִתּוֹת: זֶה הַמָּטָה, כְּמוֹ שְׁנֹאמֶר, וְאֵת

הַמָּטָה הִנֵּה תִקַּח בְּיָדְךָ, אֲשֶׁר תַּעֲשֶׂה בּוֹ

אֵת הָאֵת.

וּבְמַפְתִּים: זֶה הַדָּם, כְּמוֹ שְׁנֹאמֶר, וְנִתְחַי

מוֹפְתִים בְּשָׁמַיִם וּבָאָרֶץ:

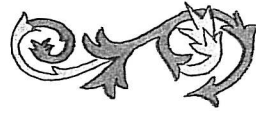


דָּם, וְאֵשׁ, וְתַמְרוֹת עֵשֶׂן.

דָּבָר אֲחֵר: בְּיָד חֲזָקָה שָׁמַיִם; וּבְיָרֵעַ

נְטוּיָה שָׁמַיִם; וּבְמִרְאֵ גְדִל שָׁמַיִם; וּבְאִתּוֹת

שָׁמַיִם; וּבְמַפְתִּים שָׁמַיִם.



میباشد. بنابراین جمع همه کلمات
ده میشود و این شماره اشاره به ده
ضربتی است که خداوند بر مصریان
وارد آورد.

چنین رسم است که در هنگام نام بردن از ضرباتی که خداوند بر مصریان وارد
آورد جشن گزارن با قاشق کوچکی مقداری از یائین داخل جام مالا مال را خالی
میکنند. همانطور که قبلاً اشاره شد یائین نشانه نشاط، شادمانی و خوشحالی است.
ولی ما چگونه میتوانیم آزادی خود را جشن گرفته و شادمان باشیم؛ در صورتیکه
این آزادی بقیمت زجر و بدبختی مصریان تمام شده باشد. اگر انسانی در تنگنا و
مشقت قرار گیرد و لواینکه دشمن باشد باز نمیتوان از رنج بردن او خوشحال بود.
بنابراین با این عمل بطور سمبولیک از خوشحالی خود کاسته و بدینوسیله تأسف
خود را از رنج و الم مصریان ابراز میداریم. در «میدارش» (احادیث یهودی)
آورده اند: هنگامیکه مصریان در دریا غرق میشدند ملائک آسمان میخواستند
سرود و تسبیح بخوانند ولی خداوند به آنها فرمود: در این هنگام که فرزندانم
(مصریان) در دریا غرق میشوند چگونه جرأت سرودسرایدن بخود میدهید. (تلمود
رساله مکیلا صفحه ۱۰). بهمین دلیل در پسخ برعکس سایر اعیاد یهود هَلِل (منتخباتی
است از زبور حضرت داود (ع)) بجز در دو روز اول بطور کامل خوانده نمیشود.
از این منبع و سایر منابع ادبی یهود میتوان بخوبی به اهمیت نوع پرستی
و انسان دوستی در یهودیت پی برد. در «تورا» آمده است: «همسایه را مانند خودت
دوست بدار» (ویقرا فصل ۱۹ آیه ۱۸). «در شکست دشمنت خوشحالی نکن» (امثال
سلیمان فصل ۲۴ آیه ۱۷). همه بشر و ملل جهان در پیشگاه خداوند یکسان و
مساویند چنانکه حضرت «ملاخی» (ع) میگوید: «آیا همه ما فرزندان یک پدر نیستیم؟
آیا همه ما بوسیله خداوند یکتا آفریده نشده ایم؟» (فصل دوم آیه ۱۰). و حضرت
عاموس (ع) از قول خداوند میگوید: «ای ملت اسرائیل! در پیشگاه من، شما و حبشیان
فرقی ندارید» (فصل ۹ آیه ۷)

אֱלֹהֵי עֶשֶׂר מְכוֹת שֶׁהֵבִיא הַקָּדוֹשׁ
 בְּרוּךְ הוּא עַל הַמַּעֲרִים בַּמַּעֲרִים,
 וְאֵלֵינוּ הֵן:

ده ضربتی که خداوند تبارک
 و تعالی بر مصریان وارد آورد عبارت
 بودند از:



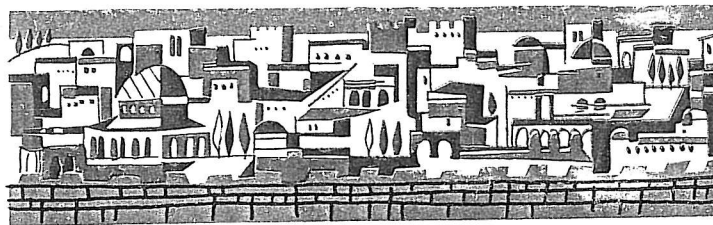
(۱) خون، (۲) قورباغه، (۳) شیش، (۴) هجوم حیوانات وحشی، (۵) طاعون
(۶) دمل، (۷) تگرگ، (۸) ملخ، (۹) تاریکی، (۱۰) ضربت نخست زادگان.

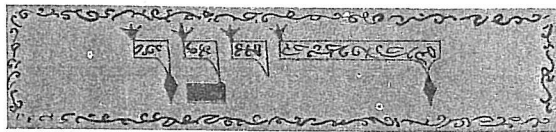
برای اینکه ترتیب فرود آمدن این ضربات بخاطر سپرده شود ، رُبی یهودا عالم قرن دوم از حروف اول کلمات ده ضربت سه کلمه ساخته بود که عبارتند از: دِصْخ ، عَدَش ، بَاحَو .

רבי עקיבא אומר: מנין שכל מכה ומכה, שהביא הקדוש ברוך הוא על המצרים במצרים, היתה של חמש מכות? שנאמר: ישלח בם חרון אפו, עברה, ונעם, וצרה, משלחת מלאכי רעים. חרון אפו אחת, עברה שמים, ונעם שלש, וצרה ארבע, משלחת מלאכי רעים חמש. אמור מעתה: במצרים לקו חמשים מכות, ועל הים לקו חמשים ומאתים מכות.

רבי יוסי הגלילי אומר: מנין אתה אומר שלקו המצרים במצרים עשר מכות, ועל הים לקו חמשים מכות? במצרים מה הוא אומר? ויאמרו החרטמים אל פרעה, אצבע אלהים היא. ועל הים מה הוא אומר? וירא ישראל את היד הגדולה אשר עשה יי במצרים, וייראו העם את יי: ויאמינו ביי ובמשה עבדו. כמה לקו באצבע? עשר מכות. אמור מעתה: במצרים לקו עשר מכות, ועל הים לקו חמשים מכות.

רבי אליעזר אומר: מנין שכל מכה ומכה, שהביא הקדוש ברוך הוא על המצרים במצרים, היתה של ארבע מכות? שנאמר: ישלח בם חרון אפו, עברה, ונעם, וצרה, משלחת מלאכי רעים. עברה אחת, ונעם שמים, וצרה שלש, משלחת מלאכי רעים ארבע. אמור מעתה: במצרים לקו ארבעים מכות, ועל הים לקו מאתיים מכות.





«دینو» سرودی تشکرآمیز است؛ با شکرگزاری از نعمت آزادی جسمانی از بند مصریان شروع شده و با تأکید نعم روحانی خداوند مانند «روز شبات» و عطای «تورا» پایان می‌یابد.

تنها آزادی از بندگی مصریان کافی نبود، بلکه خروج از مصر می‌باید به «سینای» ختم گردد. بنا به گفته یکی از علمای یهود: «آزاد واقعی کسی است که زندگی خود را بر پایه دستورات و قوانین «تورا» نهد و در حقیقت آزادی در چارچوب قانون باعث امنیت و سعادت فردی و اجتماعی است.

سرود «دینو» توصیفی است که از پانزده کرامات خداوند به ملت اسرائیل که به هر یک از آنان «مکلا»، درجه گویند. رابطه این کرامات و عدد پانزده بدوره برقراری «بیت همیقداش» میرسد.

یکی از مراسم زیبای معبد مقدس یروشالیم سرانیدن مزامیر حضرت داود (ع) بوسیله «لوی‌ها» در هنگام تقدیم قربانی بود. قربانگاه دارای پانزده پله بود، در صعود هر پله «لوی‌ها» یک «شیر همکلوت» می‌سرانیدند، که مجموع آنان پانزده میشد. از طرف دیگر شماره پانزده بحروف الفبای عبری «یود» و «هه» است که «یاه» خوانده میشود و یکی از اشارات نام ذات خداوند است.

چقدر بخاطر احسان‌های زیادی
که خداوند بما کرده باید شکر-
گزار باشیم.

اگر ما را از مصر رهائی داده بود،
ولی مصریان را مجازات نمی‌کرد،
برای ما کافی بود.

دینو

בְּמַה מַעֲלֹת טוֹבוֹת
לְמָקוֹם עָלֵינוּ!

אֱלֹהֵי הוֹצִיאָנוּ מִמִּצְרַיִם,
וְלֹא עָשָׂה בָּהֶם שְׁפָטִים,
דִּינוּ.

אֱלֹהִים עָשָׂה בָּהֶם שְׁפָטִים,
וְלֹא עָשָׂה בְּאֱלֹהֵיהֶם,
דִּינוּ.

אֱלֹהִים עָשָׂה בְּאֱלֹהֵיהֶם,
וְלֹא הָרַג אֶת בְּכוֹרֵיהֶם,
דִּינוּ.

אֱלֹהִים הָרַג אֶת בְּכוֹרֵיהֶם,
וְלֹא נָתַן לָנוּ אֶת מְמוֹנָם,
דִּינוּ.

אֱלֹהִים נָתַן לָנוּ אֶת מְמוֹנָם,
וְלֹא קָרַע לָנוּ אֶת הַיָּם,
דִּינוּ.

אֱלֹהִים קָרַע לָנוּ אֶת הַיָּם,
וְלֹא הִעֲבִירוּנוּ בְּתוֹכוֹ בְּחֶרֶבָה,
דִּינוּ.

אֱלֹהִים הִעֲבִירוּנוּ בְּתוֹכוֹ בְּחֶרֶבָה,
וְלֹא שָׁקַע צָרֵינוּ בְּתוֹכוֹ,
דִּינוּ.

اگر مصریان را مجازات کرده بود،
ولی معبودان آنها را ازین نمی برد،
دینو

اگر معبودان آنها را ازین برده بود،
ولی نخست زادگان آنها را ضربت
نمی زد،

دینو
اگر نخست زادگان آنها را ضربت
زده بود،

ولی ثروت آنها را (در عوض کارهائی
که در مصر کرده بودیم) بمانمیداد
دینو

اگر ثروت آنها را بمانمیداد،
ولی دریای سرخ را برای مانمیشکافت
دینو

اگر دریای سرخ را برای ما شکافته
بود،

ولی ما را از میان آن در خشکی
عبور نمیداد،

دینو
اگر ما را از میان دریا در خشکی
عبور داده بود،

ولی دشمنان ما را در آن غرق نمیکرد
دینو

אלו שקע צרינו בתוכו,
ולא ספק צרכנו במדבר
ארבעים שנה,
דינו.

אלו ספק צרכנו במדבר
ארבעים שנה,
ולא האכילנו את המן,
דינו.

אלו האכילנו את המן,
ולא נתן לנו את השבת,
דינו.

אלו נתן לנו את השבת,
ולא קרחנו לפני הר סיני,
דינו.

אלו קרחנו לפני הר סיני,
ולא נתן לנו את התורה,
דינו.

אלו נתן לנו את התורה,
ולא הכניסנו לארץ ישראל,
דינו.

אלו הכניסנו לארץ ישראל,

اگر دشمنان ما را در آن غرق کرده
بود،
ولی بمدت چهل سال ما را در بیابان
روزی نمیداد:

دینو
اگر بمدت چهل سال در بیابان ما را
روزی داده بود،

ولی ما را بما عطا نمیکرد،
دینو

اگر ما را بما عطا کرده بود،
ولی شبات را بما نمیداد،

دینو
اگر شبات را بما داده بود،
ولی ما را بجلوی کوه سینای نمیآورد

دینو
اگر ما را بجلوی کوه سینای
آورده بود،

ولی «تورا» را بما عطا نمیکرد،
دینو

اگر «تورا» را بما عطا کرده بود،
ولی ما را بداخل سرزمین اسرائیل
نمیکرد،

دینو
اگر ما را داخل سرزمین اسرائیل
کرده بود،

וְלֹא בָנָה לָנוּ אֶת בֵּית הַבְּחִירָה,
דִּינוּ.

ولی بیت همیقداش را برای ما آباد
نمیکرد،
دینو

بنابر این خداوند بجای يك
احسان، خویبهای فراوانی بما
نموده است و چند برابر بما نیکی
کرده است. ما را از مصر بیرون
آورد، مصریان را تنبیه کرد،
معبودان آنها را نابود کرد، نخست
زادگان آنها را ضربت زد، ثرویشان
را بما داد، دربارا برای ما شکافت
مدت چهل سال احتیاجات ما را
دریابان تأمین کرد، مان را نازل
فرمود، شبات را بما عطا فرمود،
مارا بکوه سینای آورد، «تورا» را
بما داد، ما را داخل سرزمین
ایسرائل کرد، بیت همیقداش را
آباد فرمود تا وسیله ای برای کفاره
نمودن جمیع گناهان ما باشد.

زبان گملیل میگفت: هر کس
که راجع به سه سمبل شب سدر
عبارتند از:

پسح، گوشت قربان
مسا، نان فطیر
مارور، سبزی تلخ

עַל אַחַת בָּמָה וּבָמָה، טוֹבָה כְּפוּלָה
וּמְכַפֶּלֶת לְמָקוֹם עָלֵינוּ: שְׁהוּצִיאָנוּ
מִמִּצְרַיִם، וַעֲשֵׂה בָהֶם שְׁפָטִים، וַעֲשֵׂה
בְּאַלְהֵיהֶם، וְהָרַג אֶת בְּכוֹרֵיהֶם، וְנָתַן
לָנוּ אֶת מִמּוֹנָם، וְקָרַע לָנוּ אֶת הָיִם،
וְהַעֲבִירָנוּ בְּתוֹכָם בְּחֹרֶבָה، וְשָׁקַע
אֶרְצֵנוּ בְּתוֹכָם، וְסָפַק צָרְכָּנוּ בְּמִדְבָּר
אַרְבָּעִים שָׁנָה، וְהֶאֱכִילָנוּ אֶת הַמֶּן،
וְנָתַן לָנוּ אֶת הַשָּׁבָת، וְקָרַבָּנוּ לְפָנֵי
הָ' סִינִי، וְנָתַן לָנוּ אֶת הַתּוֹרָה،
וְהַכְנִיסָנוּ לְאֶרֶץ יִשְׂרָאֵל، וּבָנָה לָנוּ
אֶת בֵּית הַבְּחִירָה לְכַפֵּר עַל כָּל
עֲוֹנוֹתֵינוּ.



רָבִן גַּמְלִיאֵל הָיָה אוֹמֵר: כָּל שְׁלֹא
אָמַר שְׁלֹשָׁה דְּבָרִים אֵלּוּ בְּפֶסַח לֹא
יֵצֵא יְדֵי חוּבָתוֹ، וְאֵלּוּ הֵן:
פֶּסַח،
מַצָּה،
וּמַרְוֹר.

برای توضیح بیشتر این سمبل منتخبی از میشنا، رساله پساخیم فصل دهم، آورده شده است.

یکی از حاضرین سؤال میکند:

گوشت قربان پسخ که اجداد
ما در دورهٔ برقراری بیت همیداش،
در شب اول پسخ میخوردند بیچه
منظور بود؟

סח, שהיו אבותינו
אוכלים בזמן שבית
המקדש היה קיים,



על שום מה?

رهبر مراسم به دست کباب شدهٔ گوسفند که در سینی سدر است
اشاره کرده و جواب میدهد:

برای آنکه اجداد ما شفقتی
را که خداوند در مصر بآنها کرده
بود بیاد آورده‌اند. چنانکه در «تورا»
آمده است: «خواهید گفت که این
قربان پسخ خداوند است». .
هنگامیکه بر مصریان ضربت زد،
بر خانواده‌های فرزندان اسرائیل
که در مصر بودند شفقت کرد، آنها
را مستثنا کرده و خلاص فرمود،
باشنیدن این مژده ملت اسرائیل
سر فرود آورد و بسجده افتاد». .
(خروج فصل ۱۲ آیه ۲۷)

על שום שפסח הקדוש ברוך הוא
על בתי אבותינו במצרים, שנאמר:
ואמרתם זבח פסח הוא לי, אשר
פסח על בתי בני ישראל במצרים,
בנגפו את מצרים ואת בתינו הציל;
ויקד העם וישתחו.



علمای یهود دربارهٔ علت قربان کردن گوسفند چنین عقیده‌مندند که گوسفند
جزو معبودان مصریان آن زمان محسوب میگردید و بدین وسیله ملت اسرائیل
بطور مطلق مخالفت خود را با پرستش حیوانات و اصنام و پوچ بودن ایزده شرک

اعلام کرد.

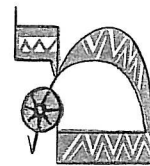
قبل از ویرانی معبد مقدس یروشالیم، رسم چنین بود که گوسفندی بعنوان «قربان پسخ» ذبح شده و از گوشت کباب شده آن در مراسم شب سدر صرف میشد. اما با ویرانی معبد مقدس، مراسم تقدیم قربانی نیز از میان رفت. بنابراین خوردن گوشت کباب شده گوسفند در شب پسخ بآن صورتیکه قبلاً مرسوم ممنوع گردید. دلیل آن این بود که یادبود جلال گذشته بیت همقدش در میان ملت یهود پای برجا بماند. ولی با وجود این از اهمیت انجام مراسم پسخ در چارچوب خانواده کاسته نگردید. نکته جالب توجه اینست که اولین فرمانی که مستقیماً بملت اسرائیل داده شده است، نگهداری و حفظ عید آزادی در میان خانواده است، (خروج فصل ۱۲ آیه ۳). این فرمان چه در زمان قدیم و چه در عصر حاضر بخوبی اجرا میشود. هنگامیکه زائرین خانه خدا به همراه افراد خانواده و بزرگ خانواده، برای انجام مراسم پسخ بدور یکدیگر جمع میشدند، بر جلال شهر یروشالیم و محیط برادری آن افزوده میشد. در عصر حاضر نیز، مراسم شب سدر بهترین موقعیت برای ایجاد و تشدید دوستی در بین افراد خانواده و دوستان است، و یکی از عوامل مهم در راه حفظ ویرگی محیط خانواده یهودی است.



یکی از حاضرین سؤال میکند:

این نان فطیری را که ما
میخوریم برای چیست؟

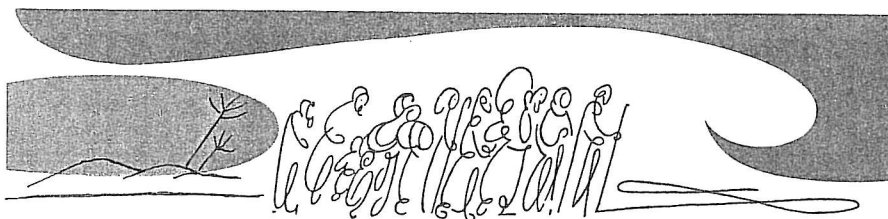
צֶה זֶה, שָׂאֲנוּ אוֹכְלִים,
עַל שֵׁם מָה?



رهبر مراسم مصای بالائی را در دست گرفته و توضیح میدهد:

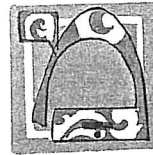
עַל שׁוֹם שְׁלֹא הִסְפִּיק בְּצַקָּם שֶׁל
 אֲבוֹתֵינוּ לְהַחְמִיץ עַד שְׁנֹגְלָה עָלֵיהֶם
 מֶלֶךְ מַלְכֵי הַמְּלָכִים, הַקָּדוֹשׁ בְּרוּךְ
 הוּא, וְגֵאָלָם, שֶׁנֶּאֱמַר: וַיֹּאפּוּ אֶת
 הַבֶּצֶק אֲשֶׁר הוֹצִיאוּ מִמִּצְרַיִם, עֲגַת
 מִצּוֹת כִּי לֹא חָמֵץ; כִּי גִרְשׁוּ מִמִּצְרַיִם,
 וְלֹא יָכְלוּ לְהַתְמַהֲמַהּ, וְגַם צָדָה לֹא
 עָשׂוּ לָהֶם.

برای اینکه : قبل از آنکه
 خمیری که اجداد ما در مصر، پیش
 از خروج از کشور آماده کرده
 بودند ورآید، نور جلال خداوند
 مقدس و متبارک بر آنها جلوه گر
 شده و آنها را نجات داد. چنانکه
 در «تورا» آمده است، «از خمیری که
 باخود از مصر خارج کردند کرده
 های فطیر پختند، زیرا هنوز توشه
 راهی نیز برای خود آماده نکرده
 بودند. (خروج فصل ۱۲ آیه ۲۹)



علمای یهود برای این فرمان «تورا» عید فطیر را نگهدارید» (سِفֵר שְׁמוֹת
 فصل ۱۲ آیه ۱۷) اهمیت اخلاقی مخصوصی قائل اند. با تغییر مکان دادن حروف کلمه
 «مُصוֹת»، فطیر، این کلمه تبدیل به «مִּצּוֹת» یعنی فرائض یا فرامین «تورا»
 میگردد. بعبارت دیگر فرمان بالارا میتوان بصورت «فرامین تورا را نگهدارید»
 تعبیر کرد. در یهودیت رابطه‌ای ناگسستنی بین اخلاق، انجام اعمال نیک و بجای
 آوردن فرائض دینی برقرار است. همانطور که در پختن «مِصָּ» دقت و مراقبت
 بی نهایت بعمل می‌آمد که بیش از مدت معینی مراحل مختلف پخت بطول نیانجامد،
 همانگونه نیز می‌باید در انجام فرائض «تورا» دقت و مراقبت شود تا اگر موقعیت
 انجام فرضی بدست آید آنرا بتعویق نیانداخت.

רוֹר זֶה, שְׁאָנוּ אוֹכְלִים,
עַל שׁוֹם מָה?



یکی از حاضرین سؤال میکند:

این سبزی تلخی که مامیخوریم

برای چیست؟

رهبر مراسم سبزی تلخ را در دست گرفته و توضیح میدهد:

«مارور» یادبود آنست که

مصريان زندگي اجداد ما را در مصر

تلخ و طاقت فرسا می کردند. چنانکه

گفته شده است: «مصريان با کارهای

سخت، با گلکاری و خشت مالی، یا

هر کار دیگری که در صحرا داشتند

با تمام کارهای اجباری و پر مشقت،

زندگي فرزندان اسرائيل را تلخ

مینمودند» (خروج فصل اول آیه ۱۴)

עַל שׁוֹם שְׁמֵרְרוֹ הַמִּצְרִים אֶת חַיֵּינוּ

אֲבוֹתֵינוּ בַּמִּצְרִים, שְׁנֵאֹמַר: וַיִּמְרְרוּ

אֶת חַיֵּיהֶם בַּעֲבֹדָה קָשָׁה, בְּחֹמֶר

וּבְלִבֵּימָם, וּבְכָל עֲבֹדָה בְּשָׂדֶה; אֶת

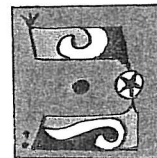
כָּל עֲבֹדָתָם אֲשֶׁר עָבְדוּ בָהֶם בְּפֶרֶךְ.



כָּל דּוֹר וְדוֹר חֵיב אָדָם

לְרִאוֹת אֶת עֲצָמוֹ בְּאֵלוֹ

הוא יצא ממצרים,



שְׁנֵאֹמַר: וְהִגְדַּת לְבִנְךָ בַּיּוֹם הַהוּא

לֵאמֹר: בַּעֲבוּר זֶה עָשָׂה יְיָ לִי בְּצֵאתִי

در هر عصر و دوره ای، هر یهودی

موظف است چنین وانمود کند که

خودش شخصاً از مصر خارج شده

است. چنانکه در «تورا» آمده است:

«در آن روز بفرزندانت اطلاع بده

و بگو: بخاطر انجام این فرامین

بود که خداوند هنگام خروجم از

מִמִּצְרַיִם. לֹא אֶת אֲבוֹתֵינוּ בְּלָבָד
נֶאֱלָה הַקְדוֹשׁ בְּרוּךְ הוּא, אֶלָּא אִף
אוֹתָנוּ נֶאֱלָ עִמָּהֶם, שְׁנֵאֵמַר: וְאוֹתָנוּ
הוֹצִיא מִשָּׁם, לְמַעַן הֵבִיא אֹתָנוּ, לְתֶת
לָנוּ אֶת הָאָרֶץ אֲשֶׁר נִשְׁבַּע לְאַבְרָהָם.

مصر ، برای من معجزه ها نمود .
خداوند مقدس و متبارك نه فقط
اجداد ما را از مصر نجات داد ،
بلکه ما را نیز همراه آنها از قید
بندگی رهائی بخشید . چنانکه در
تورا آمده است : « ما را از آنجا خارج
ساخت تا آنکه ما را بآن سرزمینی
که به اجدادمان قول داده بود آورده
و آن را بما عطا فرماید . » (تشیه
فصل ۳ آیه ۲۳)

در این قسمت کوتاه « هگادا » ، رابطه مستحکم ملت یهود با تاریخ یهود ،
ویژگی و تداوم آن مشخص میگردد . در هر دوره ای از تاریخ فرعون هائی درصدد
تعقیب و آزار ملت یهود بوده اند . اما هیچیک از آنها عاقبی بهتر از فرعون مصری
نداشته است . از طرف دیگر همدردی و شریک بودن در رنج و مشقت برادران ،
تشریک مساعی در آبادانی ویرانی ها ، صفوف ما را فشرده تر و نور امید و ایمان را
برای فردائی بهتر در درون ما همیشه جاودان نگه داشته است . این احساس همبستگی
قومی ، با وجود متفرق بودن ملت یهود در نقاط جغرافیائی مختلف ، که تا به امروز
درین ما پایدار مانده ، یکی از پدیده های نادر روح بشر در تاریخ تمدن جهان است .
بنابراین در این شب ما نیز بردگی اجداد خود را در مصر بکمک سمبل های میز
سدر حس کرده و مثل آنست که خود ما در میان آنها بوده و طعم تلخ بردگی را
چشیده و با آزاد شدن آنها ما نیز از بند غلامی رهائی یافته ایم .

روی مصاها را پوشانیده و همه جشن گزاران جام های یائین را
در دست میگیرند . رهبر مراسم میگوید:

לְפִיכָךְ אֲנַחְנוּ חֵיבִים לְהוֹדוֹת, بنابراین ما موظفیم که شکر
بگوئیم ، تهلیل نمائیم ، تسبیح

לְהַלֵּל, לְשַׁבַּח, לְפָאֵר, לְרוֹמֵם,
 לְהַדָּר, לְבָרֵךְ, לְעֵלֶה וּלְקַלֵּם לְמִי
 שֶׁעָשָׂה לְאַבֹתֵינוּ וְלָנוּ אֶת כָּל הַנִּסִּים
 הָאֵלֶּה. הוֹצִיאָנוּ מֵעֲבָדוֹת לְחֵרוֹת,
 מִיָּגוֹן לְשִׂמְחָה, מֵאֲכָל לֵיִם טוֹב,
 וּמֵאֶפֶלָה לְאוֹר גָּדוֹל, וּמִשְׁעָבוֹד
 לְגִאֲלָה. וְנֹאמַר לְפָנָיו שִׁירָה חֲדָשָׁה;
 הַלְלוּיָהּ!

بخوانیم، مفتخر بدانیم، بلندمرتبه
 بنامیم، پرشکوه بدانیم و تمجید
 بگوئیم بدرگاه خدائی که برای
 ما و اجدادمان تمام این معجزات
 را نمود: ما را از بندگی رهایی
 داده و آزادی بخشید، از غم و غصه
 به شادی، از ماتم به روزعید و خوشی،
 از تاریکی به روشنائی و از
 خدمتکاری به نجات رسانید. پس
 بیائید و بدرگاهش سرودی جدید
 بسرائیم، مدح خدای لایزال را
 گوئیم، هَلَلُویَا .

הַלְלוּיָהּ

هَلَل از فصل ۱۱۳-۱۱۸ مزامیر حضرت داود (ع) تشکیل یافته است. این
 قسمت‌ها را «لوی‌ها» در مقبد مقدس بهنگام تقدیم قربان پسخ می‌سرودند:

هَلَلُویَا!

ای بندگان خداوند، مدح گوئید،
 نام خداوند را مدح بگوئید.
 نام خداوند متبارک باد،
 از حال تا ابد.

תהלים קיג
 לְלוּיָהּ!
 הַלְלוּ, עַבְדֵי יְיָ,
 הַלְלוּ אֶת שֵׁם יְיָ.



از مطلع آفتاب تا مغرب آن .
 نام خداوند ممدوح است .
 خداوند بر همه ملل متعال است ،
 جلال او ماورای آسمانهاست .
 کیست ، چو خداوند خالق ما ،
 که جلوه گاهش در صدر کائنات است ؟
 نظر خود را بیائین می افکند
 و از آنچه در آسمان و زمین میگذرد
 آگاه است .
 مسکین را از خاک بلند میکند ،
 فقیر را از ذلت می افرازد .
 تا آنهارا با نجبا هم نشین کند ،
 یعنی با نجبای ملت خویش ،
 زن نازای خانه نشین را ،
 مادر فرزندان و خوشحالش میسازد .
 هللویا
 در موقع خروج ایسرائل از مصر ،
 و خاندان یعقوب از میان ملت
 یگانه زبان ،
 سبط یهودا مقدس خداوند بود ،
 و خداوند فرمانروای ایسرائل
 گردید .
 دریا آنها را دید و شکافته شد ،
 آب رودخانه اردن بعقب برگشت .
 کوهها چون قوچها برقص در آمدند

יהי שם יי מברך ،
 מעתה ועד עולם .
 ממזרח שמש עד מבוא ،
 מהלל שם יי .
 רם על כל גוים יי ،
 על השמים כבודו .
 מי כפי אליהו ،
 המגביה לשבת .
 המשפילי לראות
 בשמים ובארץ ؟
 מקימי מעפר دل ،
 מאשפת ירים אביון .
 להשיבי עם נדיבים ،
 עם נדיבי צמו .
 מושיבי עקרת הבית ،
 אם הבנים שמחה ;
 הללויה !

תהלים קיד
 בצאת ישראל ממצרים ،
 בית یعקב معם לעז .

הִיְתָה יְהוּדָה לְקָדְשׁוֹ,

יִשְׂרָאֵל מִמְשָׁלוֹתָיו.

הֵימָּה רָאָה וַיָּנֹס;

הִיָּרְדֵן יָסֹב לְאַחֹר.

הַהָרִים רָקְדוּ כְּאֵילִים,

גִּבְעוֹת כִּבְּנֵי צֹאן.

מָה לָּהּ הֵימָּה כִּי תָנוֹס?

הִיָּרְדֵן, תִּסָּב לְאַחֹר?

הַהָרִים, תִּרְקְדוּ כְּאֵילִים;

גִּבְעוֹת, כִּבְּנֵי צֹאן?

מִלִּפְנֵי אֲדוֹן חוֹלֵי אֶרֶץ,

מִלִּפְנֵי אֱלֹהֵי יַעֲקֹב.

הַהִפְכִּי הַצּוֹר אָנֹכִי מֵיָּמַי,

חֲלַמִּישׁ לְמַעֲיָנוּ מֵיָּמַי.

تپه‌ها چون بره‌ها جست و خیز کردند.

دریا ترا چه شد که شکافته شدی؟

ای رود-اردن ترا چه شد که بعقب

بر گشتی؟

ای کوه‌ها چرا چون قوچ‌ها برقص

در آمدیدی؟

وای تپه‌ها چرا چون بره‌ها جست

و خیز کردیدی؟

ای زمین از حضور ذات خداوند

بلرزه در آیی،

از حضور خداوند یعقوب.

آن خدائیکه صخره را به برکه آب،

و سنگ خارا را به چشمه آب جاری

مبدل میکند.

متبارك هستی تو ای خدای

خالق ما ، پادشاه جهان ، که مارا

نجات بخشیدی ، واجداد مارا از

سرزمین مصر رهائی دادی، ومارا

بامشب رسانیدی که در آن فطیرو

سبزی تلخ بخوریم. همین‌طور ای

خدای خالق ما وخالق اجداد ما،

مارا باعیاد و ازمنه دیگری که در

پیشند بسلامتی برسان. از آبادی

شهر مقدست یروشالیم شاد بوده ،

בְּרוּךְ אַתָּה, יְיָ אֱלֹהֵינוּ, מֶלֶךְ

הָעוֹלָם, אֲשֶׁר גָּאֲלָנוּ וְגָאֵל אֶת אֲבוֹתֵינוּ

מִמִּצְרַיִם, וְהִנֵּי עָנֵנוּ לְלִילָה הַזֶּה,

לֶאֱכֹל בּוֹ מִצֶּה וּמִרֹר. כֵּן, יְיָ אֱלֹהֵינוּ

וְאֵלֵּהִי אֲבוֹתֵינוּ, יִנִּיעֵנוּ לְמוֹעֲדִים

וְלִרְגָלִים אֲחֵרִים, הַבָּאִים לְקִרְאָתָנוּ

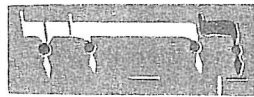
לְשָׁלוֹם, שְׂמֵחִים בְּבִנְיַן עִירָךְ, וְשֹׁשֵׁיִם

בַּעֲבוּדָתְךָ. וְנֹאכַל שָׁם מִן הַזִּבְחִים
וּמִן הַפִּסְחִים, אֲשֶׁר יִיָּעַ דָּמָם עַל
קִיר מִזְבִּיחֶךָ לְרִצּוֹן, וְנוֹדָה לְךָ שִׁיר
קֹדֶשׁ עַל גְּאֻלָּתָנוּ וְעַל פְּדוּת נַפְשָׁנוּ.
בְּרוּךְ אַתָּה, יְיָ, גֹּאֲלֵי יִשְׂרָאֵל.

و در عبادت تو خوشحال باشیم .
در آنجا از ذبایح و قربانی های پسح
که بدرگاهت تقدیم میکردند ،
خورده و بخاطر نجات و آزادی
جانمان ، با سرودی تازه بدرگاه
تو شکرانه بگوئیم . متبارك هستی
تو ای خداوند نجات دهنده اسرائیل .

جام های یائین را با تکیه دادن بر روی آرنج چپ مینوشند

۶. رָחַص - شستنِ دستان قبل از غذا:

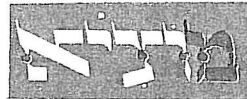


در این مرحله از مراسم شرکت کنندگان دستهای خود را شسته و
سپس براخای نطیلا میگویند:

בְּרוּךְ אַתָּה, יְיָ אֱלֹהֵינוּ, מֶלֶךְ הָעוֹלָם, אֲשֶׁר קִדְּשָׁנוּ בְּמִצְוֹתָיו וְצִוָּנוּ עַל
נְטִילַת יָדִים.

متبارك هستی تو ای خدای خالق ما پادشاه عالم که ما را با فرامین خود
تقدیس نموده و درباره شستن دستها بما دستور داده ای .

۷. מוֹסִי - گفتنِ هَمُوصִי



۸. מֶסָא - گفتنِ براخای مֶסָא



دو مصای درست و يك مصای نصفه را در دست گرفته و براخای
هَمُوصִי گفته میشود.

בְּרוּךְ אַתָּה, יְיָ אֱלֹהֵינוּ, מֶלֶךְ הָעוֹלָם, הַמוֹצִיא לֶחֶם מִן הָאָרֶץ.

مبارك هستی تو ای خدای خالق ما ، پادشاه عالم که نان را از زمین بعمل میآوری .

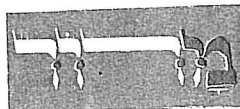
در اینجا مصای زیری را روی میز گذارده و با دردست داشتن مصای سالم روئی و مصای نصفه این براخا گفته میشود:

בְּרוּךְ אַתָּה, יְיָ אֱלֹהֵינוּ, מֶלֶךְ הָעוֹלָם, אֲשֶׁר קִדְּשָׁנוּ בְּמִצּוֹתָיו וְצִוָּנוּ עַל אֲכִילַת מִצָּה.

مبارك هستی تو ای خدای خالق ما ، پادشاه عالم که ما را با فرامین خود تقدیس کرده و درباره خوردن نان فطیر بما دستور داده ای.

رهبر مراسم از هر دو مصا که دردست دارد قطعه ای پاره کرده و به نمک زده و بهمه حاضرین میدهد و آن بیاد بود دورانی که در معبد مقدس قربانی با نمک تقدیم میشد صرف میشود.

۹. مارور - خوردن سبزی تلخ



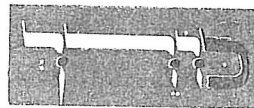
سبزی تلخ (کاسنی یا ریشه خردل) ، سمبل تلخی ها و مرارتهای قوم اسرائیل در سرزمین مصر است. حُرُوسْت (حلق) که سبزی تلخ در آن فرو برده میشود سمبل گل و خشتی است که پدران ما در زیر تازیانه های مصریان برای بنای شهرهای فرعون می ساختند .

زندگی شیرین و تلخ است . شیرینی حُرُوسْت با وجود تلخی ها و سیاهی های زندگی باز اثر مطبوعی بر ما میگذارد و باید با خوشبینی منتظر روزهای بهتری باشیم . چون مارور سمبل بردگی است بنابراین به هنگام خوردن آن تکیه نمیدهیم .

בְּרוּךְ אַתָּה, יי אֱלֹהֵינוּ, מֶלֶךְ הָעוֹלָם, אֲשֶׁר קִדְּשָׁנוּ בְּמִצְוֹתָיו וְצִוָּנוּ עַל
אֲכִילַת מָרוֹר.

متبارك هستی تو ای خداوند خالق ما پادشاه عالم که مارا با فرامین خود
تقدیس نموده و بما درباره خوردن سبزی تلخ دستور داده‌ای .

۱۰. کورخ - مصا و سبزی تلخ



مقداری از مصای سوم را با مقداری کاهو یا سبزی تلخ گرفته و
بدان حروست (حلق) اضافه میشود. سپس جشن گزاران يك صدا
جملات زیر را میگویند:

יִכָּר לְמִקְדָּשׁ כְּהִלָּל.

بیادبود دوره آبادی بیت همیقداش، ما از عمل هیلل پیروی میکنیم.

هنگامیکه بیت همیقداش آباد

بود، هیلل نان فطیر و سبزی تلخ
را بهم پیچیده و یکجا میخورد و
تا آنکه مفاد آیه زیر را که در «تورا»
آمده است: «بافطیر و سبزیجات تلخ
آن را بخورید» عملی کند.

בֶּן עֶשֶׂה הִלָּל בְּיוֹמָן שְׁבִית הַמִּקְדָּשׁ
הָיָה קִיָּם: הָיָה כּוֹרֵךְ (פָּסַח) מִצָּה
וּמָרוֹר וְאוֹכֵל בִּיחָד, לְקִיָּם מָה
שְׁנֵאמַר: עַל מִצְוֹת וּמִרְיָם יֵאָכְלוּ.

در حال تکیه دادن میل میشود .

عاملان واقعه تاریخی خروج از مصر دو اصل آزادی و اسارت بودند . نان
فقیرانه تبدیل به نان آزادی گردید و میباید آنرا با طعم مارور، سبزی تلخ چشید
تا اینکه تلخی بندگی و شادی آزادی را حس کرد . در هنگام آزادی باید تلخی
اسارت را فراموش کرد، اما در وقت تنگی میباید بخاطر فراسیدن روز آزادی

زنده مانده. این پیامی است که «هیلل»، کسی که میگفت «آنچه بر تو منفور است بر همنوعت روا ندارد» باین عمل سمبولیک بما میرساند.



۱۱. شولحان عורج - صرف شام

در این مرحله از مراسم شب سِدر شام صرف میشود. رسم است که شام با خوردن تخم مرغ پخته شروع میشود و بجای نمک از آب نمک استفاده میشود. تخم مرغ برعکس اکثر خوراکی ها هر چه بیشتر پخته شود سفت تر میشود، مقاومت و سختی ملت اسرائیل در طول تاریخ، در مقابل دشمنان و آتیهائی که قصد نابودی او را داشته اند تشبیه به تخم مرغ شده است. زیرا هر چه بیشتر این ملت رنج و زجر کشیده، به آداب و رسوم و آئین خود وفادارتر باقی مانده است. از طرف دیگر در هنگام آبادی معبد مقدس یروشالیم در ایام عید پسخ قربانی مخصوصی بنام «قربانی عید» تقدیم بیت همیقداش میشد. تخم مرغ سمبل این قربانی نیز میباشد و خوردن تخم مرغ که معمولاً غذای سوگواران است ما را یاد خرابی آن جایگاه مقدس انداخته و وظیفه ما را در راه آبادی آن خاطر نشان میسازد.^۱

۱۲. صافون - خوردن اَفِیقُومَن



بعد از خاتمه شام قسمتی از نصف مصائی که در مرحله چهارم بعنوان اَفِیقُومَن نگاه داشته شده است، بوسیله هریک از جشن گزاران خورده میشود. قبل از خوردن این جمله گفته میشود:

۱- جالب اینجا است که در تقویم یهودی اولین روز پسخ همیشه مصادف با روز نهم ماه «آو» است، بعبارت دیگر اگر روز اول پسخ روز سه شنبه باشد، روز نهم آو نیز در همان روز سه شنبه واقع خواهد گردید. در نهم ماه آو ۵۸۶ قبل از میلاد بود که بیت همیقداش اول بوسیله بابلیان و در نهم آو ۷۰ میلادی بیت همیقداش دوم بوسیله رومیان ویران گردیدند.

זְכַר קִרְבָּן פֶּסַח הַנֶּאֱכָר עַל הַשֶּׁבַע

در هنگام برقراری بیت‌همیقداش شام شب پسخ با خوردن «قربان پسخ» بامصا خاتمه‌میافت. ولی بعد از ویرانی بت‌همیقداش خاطره این مراسم تنها با خوردن مقداری مصا حفظ شده است. بنابراین اَفִיْقוֹמֵן بمنزله «قربان پسخ» می‌باشد که باتشریفات خاصی بوسیله هزاران زائر در شهر مقدس یروشالیم انجام می‌شد.

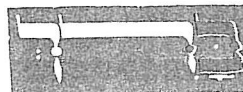
درباره این عبارت می‌شنا: «بعد از خوردن قربان پسخ (اَفִיْقוֹמֵן)، دیگر نمی‌توان چیزی خورد» و منظور از آن، توضیحات و تفسیرات مختلفی بوسیله علمای یهود اقامه شده است. «اَبَا رִיخָا» معروف به «راو» دانشمند ارزنده اوائل قرن سوم پابل چنین عقیده دارد که اَفִיْقוֹمֵן از دو کلمه «اَفִیقو» و «مانیهو» بمعنی «ظروفت را از روی میز بردار» تشکیل یافته است. منظور اینست که در این مرحله از مراسم، جشن‌گزاران خود را برای پیوستن بگروه‌های دیگر و شادی نمودن با افراد آن آماده کنند. اما «شموئل» عالم معروف همزمان با «راو» این واژه را بصورت دیگر توجیه می‌کند. او عقیده دارد که اَفִיْقוֹمֵן از دو کلمه «اَفִیقو» و «مان» بمعنی «غذا را از روی میز بردارید» تشکیل یافته است. منظور اینست که بعد از صرف غذا باید شیرینی‌جات و انواع گردو و بادام بعنوان دسر بسر میز آورده شوند. «راو» و «شموئل» لغت اَفִיْقוֹمֵן را که واژه‌ایست یونانی و معنای آن پذیرائی و مهمانی است، باتجزیه و تبدیل کردن آن بدولفت «آرامی» از لحاظ صوتی، چنین برداشت‌هایی از آن نموده‌اند.

اما این دو تفسیر مورد قبول واقع نشده‌اند. زیرا پیوستن به سایر گروه جشن‌گزاران بر طبق مندرجات می‌شنا، چنانکه در مقدمه تذکر داده شد، منع شده است. افراد هر گروه می‌باید تاخاتمه مراسم بایکدیگر بوده و بگروه دیگری نپیوندند. از طرف دیگر، برخلاف سایر اعیاد که بعد از صرف غذا، شیرینی‌جات و انواع گردو و بادام بعنوان دسر سرمیز آورده می‌شد، در این شب، بعد از خوردن «قربان پسخ» صرف دسر منع شده است، تا اینکه جشن‌گزاران باطعم «قربان پسخ» مراسم را پایان دهند.

چنانکه تذکر داده شد واژه «اَفִیقو» و «مان» یونانی و معنای آن پذیرائی

یا مهمانی است. منظور از استفاده کردن از این واژه این بود که بعد از مرحله «صافون»، (خوردن قربان پسح و مصا) گروه‌های جشن گزار از پیوستن بگروم‌های دیگر، نوشیدن و پایکوبی کردن که در جشن‌های یونانی مرسوم بود، باید خودداری کنند.

۱۳. بارح - دعای بعد از خوراك



سومین جام یائین برای هریک از حضار مالا مال میشود. رهبر مراسم جام خود را بدست گرفته و همگی دعای بعد از خوراك را میگویند.

خداوند را در همه وقت دعا

گویم: مدح او دردهان من است.

آخر الامر همه چیز شنیده میشود

بنابراین از خداوند بترس و فرائض

اورانگه دار. زیرا این هدف زندگی

هر انسان است. دهانم مدح خدای

را گوید و هر بشری نام مقدسش

را برای همیشه متبارك گوید. ما

خداوند را همواره آفرین خواهیم

گفت. هلولیا

خداوند را مدح بگوئید: «این

سفرهای است که بحضور خداوند

آراسته شده است».

بزرگ خانواده میگوید: آئید و

بدرگاه پادشاه متعال و مقدس دعا

نمائیم.

אברכה את יהוה בכל עת תמיד תהלתו
בפי: סוף דבר הכל נשמע את האלהים ירא
ואת מצותיו שמור כי זה כל האדם: תהלת
יהוה ידבר פי ויברך כל בשר שם קדשו
לעולם ועד: ואנחנו נברך יה מעתה ועד
עולם הללויה: וידבר אלי זה השולחן אשר
לפני יהוה:

אם הם שלשה אומר המברך

הב לן ונברכה למקלא עלאה קדישא (עונים שמים).

ברשות מקלא עלאה קדישא וברשותכם נברך

שאכלנו משלו:

והמסובין עונים ברוך שאכלנו משלו ובטובו חיינו:

ואם הם עשרה אומר נברך אלהינו שאכלנו משלו:

והמסובין עונים ברוך אלהינו שאכלנו משלו ובטובו

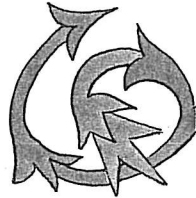
חיינו:

با اجازه پادشاه متعال و مقدس، دعا
گوئیم بذات آن خدائی که از نعمت
او خورده ایم .

حضار: متبارك باد خدائی که از
خوان کرم او خورده و از نعمت عظیم
او زنده هستیم.

بزرگ خانواده تکرار میکند :
متبارك باد خدائی که از خوان کرم
خورده و از نعمت عظیم او زنده
هستیم .

متبارك هستی تو ای خدای
خالق ما پادشاه جهان، آن خدائی
که ما و تمام جهانیان را با آبرو،
احسان، رفاه و رحمت بسیار روزی
میرساند، بهمه موجودات زنده روزی
میدهد، زیرا احسان او ابدی است
و بجهت احسان بیکرانش هرگز
کسری نداشته و تاابد روزی ما
کسر نخواهد آمد. زیرا اوست که
بهمه معاش و روزی میدهد خوان
نعمتش جلوی همگان گسترده است
اوست که وسیله زندگی و روزی
برای تمام مخلوقات خودش که
آنها را با رحمت و کثرت احسانش
آفریده آماده کرده است. چنانکه



ברוך אתה יהוה אלהינו מלך העולם
האל הנו אותנו ואת העולם כלו
בטובו בחן בחסד בריוח וברחמים
רבים. נתן לחם לכל בשר. כי
לעולם חסדו: ובטובו הגדול תמיד
לא חסר לנו ואל יחסר לנו מזון
תמיד לעולם ועד. כי הוא אל יז
ומפרנס לכל. ושלחנו ערוף לכל.
והתקין מחיה ומזון לכל בריותיו
אשר ברא ברחמיו וברוב חסדיו
באמור. פותח את ידו. (ר"ת פא"י שהזו
מספר יאהדונה"י ומספר סא"ל, וס"ת חת"ך)
ומשביע (כמספר חת"ך) לכל מי רצון:
ברוך אתה יהוה הנו את הפל:

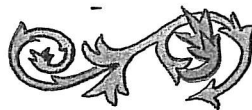


در کتاب مقدس آمده است «درهای
رحمت را گشوده هر موجود
زنده‌ای را با رضامندی سیر
میفرمائی». متبارك هستی تو خدائی
که همگان را روزی عطا میفرمائی.
ای خدای خالق ما، از اینکه
سرزمینی پربرکت، نیکو و پهن‌آور
نصیب اجداد ما فرموده، پیمان
خود را با ما بستی، «تورا» را بما
عطا فرموده زندگی و روزی بما
مرحمت نمودی، از خانه غلامان
مارا بازخریده و سنت ختنه را در
بدن مامهر فرمودی، توراى مقدست
را بما آموخته و قوانینت را از روی
رضا و رحمت بما تعلیم دادی، و
بخاطر زندگی و رزق و معاشی که
بما عطا میفرمائی بدرگاهت
شاکریم.

ای خدای خالق ما، بخاطر
همه این رحمت‌ها، بدرگاهت
شکر گزاریم و چنانکه در «تورا»
آمده است، «بخور و سیر شو و
خدای خالقت را بخاطر سرزمین
خوبی که بتو عطا فرموده است
متبارك بخوان» (تثنیه فصل ۸ آیه ۱۰).

נִזְדָּה לָךְ יְהוָה אֱלֹהֵינוּ עַל שֶׁנִּחַלְתָּ
לְאַבוֹתֵינוּ אֶרֶץ חֲמֻדָּה טוֹבָה וְרַחֲמָה
בְּרִית וְתוֹרָה חַיִּים וּמִזֶּן. עַל
שֶׁהוֹצֵאתָנוּ מֵאֶרֶץ מִצְרַיִם וּפְדִיתָנוּ
מִבֵּית עַבְדִּים, וְעַל בְּרִיתְךָ שֶׁחֲתַמְתָּ
בְּבִשְׁרֵנוּ, וְעַל תּוֹרַתְךָ שֶׁלֹּמְדָתָנוּ.
וְעַל חֻמֵּי רְצוֹנְךָ שֶׁהוֹדַעְתָּנוּ. וְעַל
חַיִּים וּמִזֶּן שֶׁאַתָּה יְיָ וּמִפְּרִי אֹתָנוּ:

(ו) עַל הַפֶּל יְהוָה אֱלֹהֵינוּ אֲנִי
מוֹדִים לָךְ וּמְבָרְכִים אֶת שְׁמֶךָ כְּאִמּוֹר
וְאַכְלִתָּ וְשִׂבַּעְתָּ. וּבִרְכָתְךָ אֶת יְהוָה
אֱלֹהֶיךָ עַל־הָאֶרֶץ הַטּוֹבָה אֲשֶׁר
נָתַתָּ לָךְ: בְּרוּךְ אַתָּה יְהוָה עַל הָאֶרֶץ
וְעַל הַמִּזֶּן:

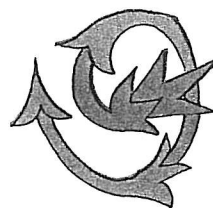


نام مقدست را متبارك ميخوانيم
متباركي تو اي خداوند ، بخاطر
سرزمين و رزق و روزي كه بما عطا
فرموده اي.

اي خدای خالق ما ! بر ما و
ايسرائيل قومت ، يروشاليم شهر
مقدسست، کوه صیون جایگاه جلالت،
محراب و قصر، خانه بزرگ و
مقدسی که نام جلالت بر آن خوانده
شده است، رحم کن. ای پدر مهربان
ما! ما را محافظت فرموده رزق و
معاش و روزی ما را مرحمت فرما،
کار ما را گشایش داده و بزودی ما
را از تمام عذاب هایمان راحتی بخش.
خداوند! تمناداریم که ما را محتاج
به سخاوت افراد بشر نفرموده و
بقرض گرفتن از آنها نیازمندان
نگردانی. بلکه تنها بدرگاه مملو
از برکت و پهنای تو چشم امید
داشته باشیم، تا آنکه نه در این جهان
خجل باشیم، و نه در دنیا باقی شرمنده
گردیم. تمناداریم سلطنت خاندان
حضرت داود (ع) مسح شده به
حضورت را بزودی در ایام ما بجای
خود باز گردان.



רחם יהוה אלהינו עלינו ועל ישראל
עמך. ועל ירושלם עירך. ועל הר
ציון משכן כבודך. ועל היכלך. ועל
מעונך. ועל דבירך. ועל הבית
הגדול והקדוש שנקרא שמה עליו.
אבינו רענו. זוננו. פרנסנו. כלכלנו.
הרוחנו הרוח לנו מהרה
מכל צרותינו. ונא אל מצריכנו
יהוה אלהינו לידי מתנות בשר ודם.
ולא לידי הלואתם. אלא לידך
המלאה והרחבה. העשירה
והפתוחה. יהי רצון שלא נבוש
בעולם הזה. ולא נכלם לעולם הבא.
ומלכות בית דוד משיחך תחזירנה
למקומה במהרה בימינו:



در شب و روز شبات این قسمت اضافه
میشود:

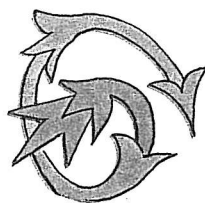
ای خدای خالق ما ! ما را با
فرامینت، مخصوصاً با فرمان روز
هفتم یعنی، این روز شبات مقدس،
تقویت گردان. زیرا این روز
بدرگاه تو بزرگ و مقدس است.
در این روز مقدس بر طبق فرمان
و قوانین تو، ما کارهای خود را
تعطیل کرده و استراحت میکنیم و
از این روز لذت میبریم. در این
روز استراحت، عذاب، غم و غصه‌ای
برای ما پدید نیاید، بزودی در
دوره ما تسلی صیون را آشکار فرما
زیرا تنها تو تسلی بخشی، هر چند
خوردیم و نوشیدیم معهذا خرابی
خانه بزرگ و مقدس را فراموش
نکردیم. ذات تو ما را هیچگاه
مورد کم لطفی خود قرار ندهد، ما را
تا ابد ترك منما، زیرا تو خداوند
وپادشاه بزرگ و مقدسی میباشی.

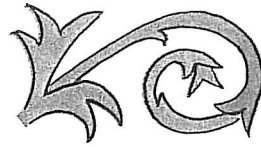
ای خداوند خالق ما و خالق
اجداد ما، تمنی داریم که در این
روز عید پسح، یادبود ما و یادبود



בשבת אומרים

רצה והחליצנו יהיה אלהינו במצות
ובמצות יום השביעי. השבת הגדול
והקדוש הזה. כי יום גדול וקדוש הוא
מלפניך. נשבות בו וננוח בו ונתענג בו
במצות חסי רצונך. ואל תהי צרה ויגון
ביום מנוחתנו. והראנו בנחמת ציון במהרה
במינו. כי אתה הוא בעל הנחמות. והגם
שאלנו ושתינו חרבנו ביתך הגדול והקדוש
לא שבתנו. אל תשכחנו לנצח ואל תזנחנו
לעד. כי אל מלך גדול וקדוש אתה:





אֱלֹהֵינוּ וְאֱלֹהֵי אֲבוֹתֵינוּ יַעֲלֶה וְיִבְא וְיִגִּיעַ
וְיִרְאֶה וְיִרְצֶה וְיִשְׁמַע וְיִפְקֹד וְיִזְכֹּר זְכוּרֵנוּ
וְזִכְרוֹן אֲבוֹתֵינוּ. זְכוּרוֹן יְרוּשָׁלַם עִירָה.
וְזִכְרוֹן מְשִׁיחַ בֶּן דָּוִד עֲבָדָה. וְזִכְרוֹן כָּל-עַמָּה
בֵּית יִשְׂרָאֵל לִפְנֵי לַפְלִיטָה לְטוֹבָה. לְחַן
לְחֶסֶד וּלְרַחֲמִים. לְחַיִּים טוֹבִים וּלְשָׁלוֹם.
בְּיוֹם

(כפסח חג המצות) בשבועות חג השבועות

בסוכות חג הסוכות בש"ע שמיני חג עצרת

יְהִי בְּיוֹם (בִּירוֹשָׁה טוֹב) מִקְרָא קָדֵשׁ יְהִי.
לְרַחֵם בּוֹ עַלֵּינוּ וּלְהוֹשִׁיעֵנוּ. זְכוּרֵנוּ יְהִי
אֱלֹהֵינוּ בּוֹ לְטוֹבָה. וּפְקֻדֵּינוּ בּוֹ לְבִרְכָּה.
וְהוֹשִׁיעֵנוּ. בּוֹ לְחַיִּים טוֹבִים. בְּדִבְרֵי יְשׁוּעָה
וּרְחֻמִּים. חוֹס וְחֻנָּנוּ וְחֻמּוֹל וְרַחֵם עַלֵּינוּ.
וְהוֹשִׁיעֵנוּ כִּי אֱלֹהֵי עֵינֵינוּ. כִּי אֵל מִלֶּדֶת הַנוֹר
וְרַחֲמִים אֲתָה:

וְתִבְנֶה יְרוּשָׁלַם עִירָה בְּמַהֲרָה
בְּיָמֵינוּ:

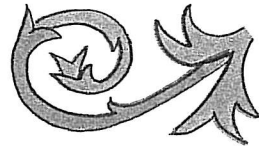
בְּרוּךְ אַתָּה יְהוָה בּוֹנֵה יְרוּשָׁלַם וְאוֹמֵר
בְּלֶחֶשׁ אָמוֹ.

اجداد ما ، یادبود یروشالیم شهر
مقدست ، ماشیح بن داوید بندهات
وتمام خاندان اسرائیل بدرگاه
مبارکت صعود کرده، آمده، ظاهر
شده ، مورد رضایت قرار گرفته ،
شنیده شده و مورد توجه ذات قرار
گیرد و باعث رستگاری ، خوبی ،
عزت ، زندگی خوب و سلامتی در
این روز عید فطیر در این روز
خوشی که مقدس خوانده

شده است گردد، تا در این عید بر ما
رحم فرموده و ما را نجات بخشی،
ای خدای خالق ما ، در این روز
ما را به نیکی مورد توجه قرار داده
و بابرکت تفقد فرموده و نجات
بده، زیر اچشمان ما بسوی تو است:
چونکه تو خداوند و پادشاه شفیق
و رحیمی می باشی. آرزو مندیم که
یروشالیم شهر مقدست را بزودی
در عصر ما آباد فرمائی. متبارکی
تو خدائی که یروشالیم را آباد
- می فرمائی. آمین

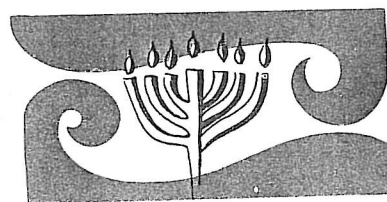
متبارکی تو ای خدای خالق
ما، پادشاه جهان تا ابد، ای پروردگار
ای پدر ما ، پادشاه ما ، سرور ما ،
آفریدگار ما ، نجات دهنده ما .

בְּרוּךְ אַתָּה יְהוָה אֱלֹהֵינוּ מִלֶּדֶת
הָעוֹלָם הָאֵל אֲבֵינוּ מִלְכֵנוּ. אֲדִירָנוּ.



בוֹרְאֵנוּ. גּוֹאֲלֵנוּ. קְדוֹשֵׁנוּ. קְדוֹשׁ
 יַעֲקֹב. רוֹעֵנוּ רוּעָה יִשְׂרָאֵל. הַמֶּלֶךְ
 הַטּוֹב וְהַמְּטִיב לְכָל. שְׂבָכ־לַיּוֹם וַיּוֹם
 הוּא הַמְּטִיב לָנוּ. הוּא מְטִיב לָנוּ. הוּא
 יִמְטִיב לָנוּ. הוּא גִמְלָנוּ. הוּא גּוֹמְלָנוּ.
 הוּא יְגַמְלָנוּ לְעַד חַן וְחֶסֶד וְרַחֲמִים
 וְרִינָח וְהַצֵּלָה וְכָל־טוֹב:

יַעֲנוּ אִמּוֹ הַרְחֵמוּ הוּא יִשְׁתַּבַּח עַל
 כְּסֵא כְבוֹדוֹ: הַרְחֵמוּ הוּא יִשְׁתַּבַּח
 בְּשָׁמַיִם וּבָאָרֶץ: הַרְחֵמוּ הוּא יִשְׁתַּבַּח
 בְּנוֹ לְדוֹר דּוֹרִים: הַרְחֵמוּ הוּא יִקְרָא
 לְעַמּוֹ יְרִים: הַרְחֵמוּ הוּא יִתְפָּאֵר בְּנוֹ
 לְנִצָּחַ נְצָחִים: הַרְחֵמוּ הוּא יִפְרֹסֵנוּ
 בְּכְבוֹד וְלֹא בְבוּזִי (כְּהֵר וְלֹא כֹאסוֹר)
 בְּנִחַת וְלֹא בְצַעֲר: הַרְחֵמוּ הוּא יִתֵּן
 שְׁלוֹם בְּיָגֵינוּ: הַרְחֵמוּ הוּא יִשְׁלַח
 בְּרָכָה רַחֲמָה וְהַצֵּלָה בְּכָל־מַעֲשֵׂה
 יְדֵינוּ: הַרְחֵמוּ הוּא יַצְלִיחַ אֶת



قدوس ما، قدوس يعقوب، محافظت
 کننده ما، محافظت کننده اسرائيل
 پادشاه خوب و نيكي كيننده بهمه
 بشر، كه هر روز بما نيكي كرده،
 نيكي ميكند و نيكي خواهد كرد
 او بما پادشاه خوب داده و هنوز هم
 ميدهد. تا ابد نيز با عزت، احسان،
 رحمت، رفاه، خلاصي و هر گونه
 نيكي ما را مورد لطف و عنايت
 بيكران خود قرار خواهد داد.
 خدای رحمان بر كرسي جلال
 خدائي اش مورد تحسين است. خدای
 رحمان در آسمان و زمين مورد
 تمجيد است. خدای رحمان در هر
 عصری از اعصار بوسيله ما تسبيح
 گفته ميشود.

خدای رحمان با عزت و نه
 بخواری، به حاللی و نه بحرامی،
 با راحتی و نه با رنج و محنت،
 معاش ما را برساند.

خدای رحمان صلح و صفا را در
 بين ما برقرار سازد.

خدای رحمان برکت و گشایش
 و موفقیت را شامل جميع اعمال
 دوستان ما گرداند.

خدای رحمان ما را در راهها وامور
زندگی مان کامیاب گرداند.

خدای رحمان یوغ دربذری و
آوارگی را بزودی از روی گردن
ما بردارد.

خدای رحمان ما را بزودی با
سرافرازی بسرزمین خودمان باز
گرداند.

خدای رحمان شفای کامل روانی و
جسمانی بما عطا فرماید.

خدای رحمان هریك از ما را بخاطر
اسم بزرگوارش همچون ابراهیم
واسحق و یعقوب که باهمه چیز از
هر حیث و بطور کامل برکت یافتند
مشمول برکات کامل خود فرماید.
رضایت او اینطور باشد و بگوئیم
آمین

خدای رحمان سایبان صلح و
سلامتی اش را بر سر ما بگستراند.
خدای رحمان دانش «تورا» و مهر
و محبت خود را چون درختی
استوار در دل ما غرس نماید و ترس
از او بر ما مستولی باشد تا آنکه
خطا نکنیم و تمام اعمال ما به نیت
عبادت الهی باشند.

דְּרָכֵינוּ: הֶרְחֵמוּ הוּא יִשְׁבֹּר עוֹל
גְּלוֹת מִהֲרָה מֵעַל צִנּוּרֵנוּ: הֶרְחֵמוּ
הוּא יוֹלִיכֵנוּ מִהֲרָה קוֹמְמִיּוֹת
לְאַרְצֵנוּ: הֶרְחֵמוּ הוּא יִרְפְּאֵנוּ רְפוּאָה
שְׁלֵמָה. רְפוּאֵת הַנֶּפֶשׁ וּרְפוּאֵת הַגּוּף:
הֶרְחֵמוּ הוּא יִפְתַּח לָנוּ אֶת יְדוֹ
הֶרְחֵבָה: הֶרְחֵמוּ הוּא יִבְרַךְ כָּל-אֶחָד
וְאֶחָד מִמֶּנּוּ בְּשֵׁמוֹ הַגָּדוֹל כְּמוֹ
שֶׁנִּתְבָּרְכוּ אֲבוֹתֵינוּ אֲבָרָהָם יִצְחָק
וְיַעֲקֹב בְּכָל מָפֶל כָּל. כֵּן יִבְרַךְ אוֹתָנוּ
יַחַד בְּרָכָה שְׁלֵמָה. וְכֵן יְהִי רָצוֹן
וְנֹאמַר אָמֵן: הֶרְחֵמוּ הוּא יִפְרוֹשׁ
עָלֵינוּ סִכַּת שְׁלוֹמוֹ:

הֶרְחֵמוּ הוּא יִטַּע תּוֹרָתוֹ וְאַהֲבָתוֹ
בְּלִבֵּנוּ וְתִהְיֶה יְרֵאָתוֹ עַל פְּנֵינוּ
לְבַלְתִּי נַחֲטָא. וַיְהִי כָל-מַעֲשֵׂינוּ
לְשֵׁם שְׁמַיִם:

خدای رحمان مارا زنده و کامیاب
 بدارد و از دیدن عصر ماشیح و
 آبادی جایگاه مقدسش و نصیب
 داشتن از زندگی جاودانی عالم باقی
 شاد و مسرورمان سازد. خداوند
 برای پادشاهش قلعه نجات است و
 بخاندان سلطان مسح شده خود
 داوید و باولاد او تا به ابد احسان
 میکند. شیران جوان بی نوا و گرسنه
 شدند، ولی جویندگان خدا از هیچ
 نعمتی کسری نخواهند داشت.
 جوان بودم و پیر شدم، ولی ندیدم
 که شخص عادل و صدیق مهجور و
 اولادش محتاج نان گردند. آنچه
 نوشیدیم برای ما درمان و شفا
 باشد، و آنچه که از خوراک خود
 زیاد آوریم، باعث برکت در خانه
 ما گردد. همانطور که مرقوم است،
 «آن نان را جلوی آنها گذاشت و
 طبق کلام الهی از آن خوردند و
 زیاد آوردند». (کتاب دوم پادشاهان
 فصل ۴ آیه ۴۴). شما بدرگاه خدای
 ایجاد کننده آسمان و زمین متبارک
 باشید. آفرین باد مردی که بخدا
 توکل کند، و خدا هم مایه توکل

הַרְחֵמוּ הוּא יַחְיֵנוּ וַיַּצִּילֵנוּ וַיִּקְרְבֵנוּ
 לַיְמֹת הַמָּשִׁיחַ וּלְבְנֵי בֵּית הַמִּקְדָּשׁ
 וְלַחַיֵּי הָעוֹלָם הַבָּא. מְגֹדוֹל יְשׁוּעוֹת
 מַלְכוּ. וַעֲשֵׂה-חֶסֶד לַמָּשִׁיחַ לְדוֹד
 וּלְזֶרְעוֹ עַד-עוֹלָם: כְּפִירִים רָשׁוּ
 וְרָעֲבוּ וְדוֹרְשֵׁי יְהוָה לֹא יַחֲסְרוּ
 כָּל-טוֹב: נַעַר הָיִיתִי גַם-זָקֵנְתִּי
 וְלֹא-רָאִיתִי צָדִיק נִעְזֵב. וְזֶרְעוֹ
 מִבְּקֵשׁ-לֶחֶם: כָּל הַיּוֹם חוּנּוֹ וּמַלְּוָה.
 וְזֶרְעוֹ לְבִרְכָּה: מִה שְּׂאֲכָלְנוּ יְהִי
 לְשִׁבְעָה. וּמִה שְּׂשִׁיתִנוּ יְהִי
 לְרִפּוּאָה. וּמִה-שֶׁהוֹתַרְנוּ יְהִי
 לְבִרְכָּה כְּדֹכָתִיב וַיִּתֵּן לַפְּנִיָּהם וַיֹּאכְלוּ
 וַיִּתְּרוּ כְּדָבָר יְהוָה: בְּרוּכִים אַתֶּם
 לַיהוָה. עוֹשֵׂה שְׁמַיִם וָאָרֶץ: בְּרוּךְ
 הַגִּבּוֹר אֲשֶׁר יִבְטַח בִּיהוָה. וְהִיָּה יְהוָה
 מִבְּטָחוֹ: יְהוָה עֹז לַעֲמוֹ יִתֵּן, יְהוָה



و دلگرمی او باشد. خداوند بقوم
خود قدرت دهد، پروردگار ملت
خود را با صلح و سلامتی. برکت
کند. آن خدائی که صلح را در
افلاکش برقرار میکند، بارحمت
بیکرانش صلح و سلامتی را برما
و بر تمام افراد قومش اسرائیل
حکمفرما سازد، بگوئید آمین.....

יְבָרַךְ אֶת עַמּוֹ בְּשָׁלוֹם: עוֹשֶׂה שָׁלוֹם
בְּמִרוֹמָיו הוּא בְּרַחֲמָיו יַעֲשֶׂה שָׁלוֹם
עָלֵינוּ וְעַל כָּל-עַמּוֹ יִשְׂרָאֵל וְאֻמּוֹת
אָמֵן:

בְּיָד אֱלֹהֵינוּ מִלֵּךְ הַעוֹלָם בִּרְא פְּרִי הַיָּד:

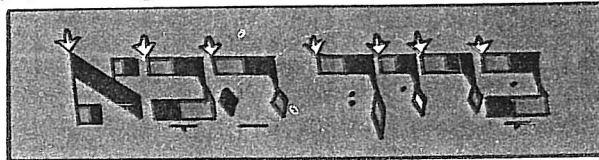
مستبار کی تو ای خداوند خالق ما، پادشاه جهان، آفریننده میوه تاک.

جام‌های یائین نوشیده میشوند
چهارمین جام یائین پرمیشود
ضمناً رسم است جامی بنام «جام الیاهو» نیز در وسط میز قرار
داده شود

در تاریخ یهود داستان زندگی کمتر شخصیت مذهبی مانند حضرت الیاهو (ع)
مورد توجه قرار گرفته شده است. قسمتی از زندگی او در پرده ابهام و قسمت
دیگر آن مملو از اسرار و شگفتی‌ها است. در افسانه‌های یهود «الیاهو هُناوی»
در همه‌جا حاضر میشود: مظلومان را نجات میدهد، تنگدستان را استمالت کرده
و شادی در قلب‌ها می‌آفریند. برای رهایی مردم از تنگنا، معجزات و آیات نشان
میدهد. این «الیاهو هُناوی» است که باید مطالب سخت و غیر قابل فهم «تورا» و
«تلمود» را در آینده تفسیر و توجیه کند. «الیاهو هُناوی» مبشر صلح و صفا و نوید
دهنده جهان بهتری است که بشر در انتظار آنست.
حضرت ملاخی (ع) از قول ذات پروردگار میگوید: «قبل از فرارسیدن آن

روز عظیم اورا نزد شما خواهم فرستاد؛ او دل پدران را بسوی پسران و دل پسران را بسوی پدران برخواهد گردانید.

رسم سمبوليك دیگر این شب اینست که نه تنها جامی برای «الياهو»
هناوی» روی میز قرارداده میشود، بلکه درب خانه نیز برای ورود
نامرئی او باز میشود و جشن گزاران همگی يك صدا میگویند:



مبارك باد تازه وارد.

אלֵיָהוּ הַנְּבִיא, אֵלֵיָהוּ הַתְּשֻׁבִי, אֵלֵיָהוּ הַגִּלְעָדִי, אֵלֵיָהוּ הַגִּלְעָדִי,
אלֵיָהוּ הַגִּלְעָדִי, אֵלֵיָהוּ הַגִּלְעָדִי, אֵלֵיָהוּ הַגִּלְעָדִי, אֵלֵיָהוּ הַגִּלְעָדִי,
בְּמַהֲרָה יָבֵא אֵלֵינוּ עִם מְשִׁיחַ בֶּן דָּוִד.
الياهووی نبی، الياهووی تیشبی،
الياهووی گیلعادی، امیدواریم هر چه
زودتر بشارت ظهور ماشیح را بما
بدهد.

در این شب نمیتوان تاریخ و سرنوشت چند هزار ساله ملت یهود را بخاطر
نیآورد. بیاد نیآورد که چگونه میلیونها یهودی هر گز به آزادی و آزاد زیستن
نائل نگردیدند. قرون متمادی ملت یهود بخاطر ایمان، اخلاق، آرمانهای بشری
و انجام فرائض مذهبی اش با کمال شقاوت و بیرحمی مورد تعقیب و آزار دیگران
بوده است. با وجود این هر گز انتقامی از اعمال غیر انسانی دیگران نگرفته است،
بلکه در شب سدر عقوبت ناکسان و مشرکان را از خداوند عادل درخواست میکردند:
«خشم را بر سر ملل مشرکی

که ذات ترا نمی شناسند، و بر
ممالکی که نام شریف ترا ذکر
نمی کنند بریز. زیرا دشمنان
خاندان یعقوب را به یغما برده و
مسکن زیبای او را ویران کردند».
(تهیلیم فصل ۷۹ آیات ۷ و ۶)

שֹׁפֵךְ חַמַּתָּה אֶל הַגּוֹיִם אֲשֶׁר לֹא
יִדְעוּךָ, וְעַל מַמְלָכוֹת אֲשֶׁר בְּשִׁמְךָ
לֹא קָרְאוּ. כִּי אָכַל אֶת יַעֲקֹב, וְאֶת
נִוְהוֹ הַשָּׁמוּ.

قهرت را بر آنهار یخته و غضبت
را شامل حالشان گردان . (تہیلیم
فصل ۶۹ آیه ۲۵)

שָׁפַךְ עֲלֵיהֶם זַעֲמָהּ, וַחֲרוֹן אַפָּהּ
יִשְׁלֹחַ.

خیشت شامل حالشان گردیده
واز زیر آسمان الهی نابودشان ساز.
(کتاب مراثی ایرمیا فصل ۳ آیه ۶)

תָּרַדָּהּ בְּאֵף וּבְשִׁמְדִים מִתַּחַת
שָׁמַיִ יְיָ.

بیاد میآوریم که چگونه شش میلیون از برادران ما در اروپای متمدن با
بکاربردن پیشرفته‌ترین وسایل علمی بوسیله نازی‌های وحشی نابود شدند . فجایع
فرعون ، نُبُوخَدْنَصَّر و تیتوس قابل مقایسه با اعمال حیوانی دیکتاتور دیوانه اروپا
و همکارانش نیستند . هیچ دوره‌ای در جهان بشریت چنین فاجعه‌ای را بخاطر ندارد.
هنوز خون میلیون‌ها انسان بیگناه که در اطاق‌های گاز اُشویتس ، بر گن پلزن ،
بوخن والد ، داخو ، میدانک ، ترابلینکا و ترزنشتات نابود شدند ، بسوی خدا و بشر
فریاد میزد . چگونه میتوان سوزاندن کنیساها ، «تورا» ها ، کتب مقدس ، مدارس
و کشتن دانشمندان و آموزگاران را فراموش کرد . آنها جسم برادران ما را ازین
بردند ولی توانستند روح ایمان و عشق آنان را نسبت به «تورا» نابود کنند . «تورا» ها
سوزانده شدند ولی حروف آنان ابدی و جاویدانی میباشند .
در گتوی شهر «ورشو» یهودیان مردانه بر علیه ظالمان وحشی قیام کرده و
با کمال شهامت در حالیکه با صدای بلند ایمان خود را به ظهور ماشیح و برقراری
صلح واقعی برای تمام افراد بشر ، ابراز میداشتند ، شهید شدند .

אֲנִי מֵאַמִּינָן בְּאַמּוּנָה שְׁלֵמָה בְּבִיאַת הַמָּשִׁיחַ;
וְאֵף עַל פִּי שִׁיתְמַהֲמָהּ, עִם כָּל זֶה אֶחָדָה לוֹ בְּכָל יוֹם שָׁבָא.

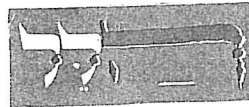
به ظهور ماشیح ایمان کامل دارم ؛ حتی اگر دیر کند ،
با وجود این ایمان واثق دارم که ظهور خواهد کرد .

پرورد گارا! تقاضا داریم که شهیدان راه «قیدوش هَشم» ، نام مقدست را غرق رحمت فرموده و روان آنها را قرین آرامش گردان .

خداوندا ! بدر گاهت التماس داریم که دیگر جنگ و خونریزی در جهان بوقوع نیبوندند . ملتی به روی ملت دیگر شمشیر نکشیده و فنون جنگ فرا گرفته نشوند .

پرورد گارا ! پرتوی نور امیدی را که در تاریخ پراز رنج ما تابان گردیده است جاویدان گردان . پرورد گارا ! میهن عزیز ما ایران و شاهنشاه محبوب ، شهبانو ، ولیعهد عزیز ما و خاندان جلیل پهلوی را پایدار و در جهان بلندآوازه گردان . آمین

۱۴. هیل - مدح و ثنا



تهیلیم فصل ۱۱۵ : ۱۱-۱

תהלים קטו, א-יא

نه بخاطر ما ، ای خدا ،
نه بخاطر افتخار ما ، بلکه
بخاطر نام جلالت ، احسان و حقیقت
را آشکار گردان.
چرا ملل دیگر بگویند:
«اکنون خدای آنها کیجاست؟»
خدای ما در آسمان نزول اجلال
فرموده ،
هر چه اراده کند انجام میدهد.
اصنام بت پرستان تنها از نقره و
طلایند ،
ساخته و پرداخته دست انسان .

לֹא לָנוּ, יְיָ, לֹא לָנוּ,
כִּי לְשִׁמְךָ תֵּן כְּבוֹד,
עַל חֲסִדֶּךָ, עַל אֲמֻנָּךְ.
לָמָּה יֹאמְרוּ הַגּוֹיִם,
אֵיךְ נָא אֱלֹהֵיהֶם?
וְאֵלֵהֶינוּ בְּשִׁמְיָם;
כֹּל אֲשֶׁר חָפֵץ עָשָׂה.
עֲצִבִּיהֶם כָּסֶף וְזָהָב,
מַעֲשֵׂה יְדֵי אָדָם.

פֶּה לָהֶם וְלֹא יִדְבְּרוּ,
 עֵינֵיהֶם לָהֶם וְלֹא יֵרְאוּ.
 אָזְנוֹתֵיהֶם לָהֶם וְלֹא יִשְׁמְעוּ,
 אֶף לָהֶם וְלֹא יֵרִיחוּ.
 יְדֵיהֶם וְלֹא יַמְשִׁיחוּ,
 רַגְלֵיהֶם וְלֹא יַהֲלִכוּ;
 לֹא יִהְיוּ בְּגִרוֹתָם.
 כְּמוֹתֵיהֶם יִהְיוּ עֲשִׂיהֶם,
 כָּל אֲשֶׁר בָּטַח בָּהֶם.
 יִשְׂרָאֵל, בָּטַח בָּיָי;
 עֶזְרָם וּמִגְנָם הוּא.
 בֵּית אֶהְרֹן, בָּטַחוּ בָּיָי;
 עֶזְרָם וּמִגְנָם הוּא.
 יִרְאִי יִי, בָּטַחוּ בָּיָי;
 עֶזְרָם וּמִגְנָם הוּא.



תהלים קטו, יב-יח
 יִי זַכְּרֵנוּ יְבָרֵךְ;
 יְבָרֵךְ אֶת בֵּית יִשְׂרָאֵל,
 יְבָרֵךְ אֶת בֵּית אֶהְרֹן.

بتها دهان دارند،
 ولی سخن نمیگویند؛
 چشم دارند، ولی نمی بینند؛
 گوش دارند، ولی نمی شنوند؛
 بینی دارند، ولی نمی بویند؛
 دست دارند، ولی لمس نمی کنند؛
 پادارند، ولی راه نمی روند،
 حتی صدائی از گلوی آنها خارج
 نمیشود.
 سازندگان آنها،
 و هر کسی که امید خود را به آنها
 می بندد،
 مثل همان بتها شوند.
 ای ایسرائل، بخدا تو کل کن،
 او یاور و حافظ تو است،
 ای خاندان اُھرون، بخدا تو کل
 کنید،
 او یاور و حافظ شما است،
 ای خداترسان، بخدا تو کل کنید،
 او یاور و حافظ شما است.

تهیلیم فصل ۱۱۵: ۱۸-۱۲
 خدائی که لطفش شامل حال ما
 بوده است،
 ما را برکت دهد،

יְבָרֶךְ יִרְאֵי יְיָ
הַקְטָנִים עִם הַגְּדֹלִים.

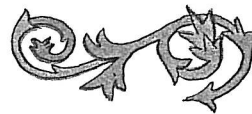
יִסֶּף יְיָ עֲלֵיכֶם
עֲלֵיכֶם וְעַל בְּנֵיכֶם.

בְּרוּכִים אַתֶּם לַיְיָ
עוֹשֵׂה שָׁמַיִם וָאָרֶץ.

הַשָּׁמַיִם שָׁמַיִם לַיְיָ
וְהָאָרֶץ נָתַן לַבְּנֵי אָדָם.

לֹא הַמַּתִּים יִהְלְלוּ יְהוָה
וְלֹא כָל יִרְדֵי דוֹמָה.

וְאַנְחֵנוּ בְּבָרֶךְ יְהוָה
מִעַתָּה וְעַד עוֹלָם;
הִלְלוּ יְהוָה!



תהלים קטז
הִבֵּיתִי כִּי יִשְׁמַע יְיָ
אֶת קוֹלִי תַחֲנוּנִי.

כִּי הָטָה אָזְנוֹ לִי
וּבְיָמֵי אֶקְרָא.

خاندان اسرائیل را برکت دهد،
خاندان اَهرُون را برکت دهد،
حرمت گزاران ذاتش را،
از بزرگ تا کوچک را برکت دهد.
خداوند شمارا بیفزاید،
شما و فرزندانِتان را.
بدرگاه خداوند متعال،
ایجاد کننده آسمان و زمین،
متبارک باشید.

آسمان، آسمان خدا است،
اما زمین را به بشر اعطا فرموده است.
مردگان مدح خدای را نگویند،
و نه کسانی که در سکوت ابدی
فرورفته اند.

اما ما خدا را ستایش و مدح خواهیم
گفت،

از حالا تا ابد
هَلْلُوْا.

تهلیل ۱۱۶

هنگامیکه خداوند به استغاثه و
التماس توجه میفرماید،
شادمان میشوم.

زیرا سمع مبارکش را، بمن فرا-
داشته است.

بنابراین در تمام ایام زندگی ام

אֶפְפוּנֵי חֲבִלֵי מוֹת,
וּמִצָּרֵי שְׂאוֹל מִצְאוּנִי;
צָרָה וְיָגוֹן אִמְצָא.

וּבִשֵּׁם יְיָ אֶקְרָא,
אָנָּה יְיָ, מִלְּטָה נַפְשִׁי.
חַנוּן יְיָ וְצַדִּיק,
וְאֱלֹהֵינוּ מֵרַחֵם.

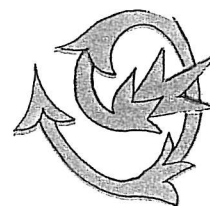
שֹׁמֵר פֶּתָאִים יְיָ;
דָּלַתִּי וְלִי יְהוֹשִׁיעַ.
שׁוּבֵי נַפְשִׁי לְמִנוּחֵיכִי,
כִּי יְיָ גָּמַל עָלַיִכִּי.

כִּי חָלַצְתָּ נַפְשִׁי מִמָּוֶת,
אֶת עֵינֵי מִן דְּמָעָה,
אֶת רַגְלִי מִדְּחִי.

אֶתְהַלֵּךְ לִפְנֵי יְיָ,
בְּאַרְצוֹת הַחַיִּים.

הָאִמְנוֹתִי כִּי אֲדַבֵּר,
אֲנִי עָנִיתִי מְאֹד.

אֲנִי אִמְרַתִּי בְּחַפְזִי,
כָּל הָאָדָם כֹּזֵב.



بنام او ثنا گویم .
بندهای مرگ مرا احاطه کردند،
ترس و عذاب گور مرا یافتند؛
در غصه و یأس بودم ،
آنگاه نام جلال خداوند را صدا زدم،
گفتم:
«خداوند! جانم را رهائی بخش»
خداوند شفیق و عادل است
خالق ما رحیم است.
خداوند حافظ ساده دلان است؛
من ذلیل شدم، ولی او مرا نجات داد.
ای جان من، به آسایش خود بر گرد،
زیرا، خداوند بر تو احسان نموده است.
خداوند! مرا از مرگ نجات دادی،
چشمانم را از ریزش اشک،
پاهایم را از لغزش.
در حضور خداوند سکوت خواهم کرد،
در سرزمین زندگان.
من ایمان داشتم ، حتی هنگامیکه
میگفتم:
«بغایت دردمند شده‌ام»
حتی هنگامیکه در حالت پریشانی
و اضطراب می‌گفتم:
«تمام مردم کاذب و دروغگویند»
در مقابل همه احسان‌هایی که
خداوند بمن نموده است،

מָה אָשִׁיב לַיְי
כָּל תַּגְמוּלוֹתַי עָלַי?

כּוֹס יְשׁוּעוֹת אֲשָׂא,
וּבִשָּׁם יִי אֶקְרָא.

נִדְרֵי לַיְי אֲשַׁלֵּם,
נִגְדָה נָא לְכָל עַמּוֹ.

יִקָּר בְּעֵינֵי יְי
הַמְּוַמָּה לַחֲסִידָיו.

אָנָּה יְי, כִּי אֲנִי עֲבָדְךָ,
אֲנִי עֲבָדְךָ בֶּן אֲמָתְךָ;
בְּתַחַת לְמוֹסְרִי.

לְךָ אֲזַבֵּחַ וְזֶבַח תּוֹדָה,
וּבִשָּׁם יִי אֶקְרָא.

נִדְרֵי לַיְי אֲשַׁלֵּם,
נִגְדָה נָא לְכָל עַמּוֹ.

בְּחֲצֹרוֹת בֵּית יְי,
בְּחוֹכְכֵי יְרוּשָׁלַיִם;
הִלְלוּהָ!

תהלים קיז
הִלְלוּ אֶת יְי, כָּל גּוֹיִם;
שְׁבָחוּהוּ, כָּל הָאֲמִים.

چه چیزی را باو ادا نمایم؟
جام نجات را بلند کرده
و بنام خداوند خواهم خواند.
نذرهایم را بدرگاهش ادا خواهم
کرد،

درحضور تمام افراد قوم او.
مرگ نابهنگام پارسایانش،
درنظرزات او گران است.
آه، خداوندا! البته من بندهٔ ذات
تو هستم!

من بندهٔ تو و پسر کنیزت میباشم،
تو بندهای ذلت مرا گشودی.
بدرگاهت ذبح شکرانه تقدیم
خواهم کرد،

و بنام خداوند خواهم خواند.
نذرهایم را بدرگاهش اداخواهم
کرد،

درحضور تمام افراد قوم او.
درصحن‌های خانهٔ خدا،
درمیان یروشالیم
هَلְלוּיָא

تهیلیم ۱۱۷
خدا را مدح گوئید،
ای تمام ملت‌ها.
اورا تسبیح بخوانید،

כִּי גִבֹר עָלֵינוּ חֲסֵדוֹ,
וְאַמֶּת יְיָ לְעוֹלָם;
הִלְלוּהָ!

תהלים קיח

הוֹדוּ לַיְיָ כִּי טוֹב
כִּי לְעוֹלָם חֲסֵדוֹ.

יֹאמֶר נָא יִשְׂרָאֵל
כִּי לְעוֹלָם חֲסֵדוֹ.

יֹאמְרוּ נָא בֵּית אֱהֲרֹן
כִּי לְעוֹלָם חֲסֵדוֹ.

יֹאמְרוּ נָא יִרְאִי יְיָ
כִּי לְעוֹלָם חֲסֵדוֹ.

מִן הַמִּצֵּר קָרָאתִי יְהוָה,
עֲנֵנִי בַּמִּרְחָב יְהוָה.

יְיָ לִי, לֹא אֵירָא;
מָה יַעֲשֶׂה לִּי אֱדֹם?

יְיָ לִי בַּעֲזָרִי,
וְאֲנִי אֶרְאֶה בְּשֹׁנָאִי.

טוֹב לַחֲסוֹת בַּיְיָ
מִבְּטָח בְּאָדָם.

טוֹב לַחֲסוֹת בַּיְיָ
מִבְּטָח בְּגִידִיבִים.

ای تمام امتها .
زیرا احسان او بر ما عظیم است؛
حقیقت او ابدی است.
هللویا

تهلیلیم فصل ۱۱۸
بدر گاه خداوند شکر گوئید،
چونکه نیکوست،
احسان او ابدی است.
ملت اسرائیل اکنون بگویند:
«احسان او ابدی است»
خاندان اهلرّون اکنون بگویند:
«احسان او ابدی است»
افراد خدا ترس بگویند:
«احسان او ابدی است»
از تنگنای مذلت بدر گاهش
استغاثه کردم،

مرا استجابت فرموده رهائی بخشید.
خدا بامن است و نخواهم ترسید؛
آدمی بمن چه خواهد کرد؟
خداوند بامن و یاور من است؛
شکست دشمنانم را خواهم دید،
پناه بردن بخداوند بهتر از
توکل کردن به آدمیزاد است.
پناه بردن به خداوند،
از توکل کردن به نجبا اولی است.

כָּל הַיּוֹם סִבְבוּנִי;
בְּשֵׁם יְיָ כִּי אֲמִילֵם.

סִבְבוּנִי גַם סִבְבוּנִי;
בְּשֵׁם יְיָ כִּי אֲמִילֵם.

סִבְבוּנִי כְּדָבָרִים,
דַּעְכוּ בְּאֵשׁ קוֹצִים;
בְּשֵׁם יְיָ כִּי אֲמִילֵם.
דָּחָה דְחִיתָנִי לְנֶפֶל,
וַיִּצְוּנִי.

עָזִי וְזִמְרַת יְהוָה,
וַיְהִי לִי לִישׁוּעָה.

קוֹל רִנָּה וִישׁוּעָה
בְּאֶהְלִי צְדִיקִים;

יָמִין יְיָ עָשָׂה חֵיל!
יָמִין יְיָ רוֹמְמָה!
יָמִין יְיָ עָשָׂה חֵיל!

לֹא אֲמוֹת כִּי אֲחִיָּה,
וְאֶסְפָּר מַעֲשֵׂי יְהוָה.

יִסָּר יִסְרֹנִי יְהוָה,
וְלִמּוֹת לֹא נִתְּנִי.

פִּתְחוּ לִי שַׁעֲרֵי צֶדֶק;
אֲבֹא בָם, אוֹדֶה יְהוָה.

זֶה הַשַּׁעַר לִי,
צְדִיקִים יָבֹאוּ בּוֹ.

ملت های زیادی مرا احاطه کردند
ولی بنام خدا بر آنها پیروز شدم،
مرا چون زنبوران احاطه کردند
ولی یکباره خاموش شدند،
چون آتشی که از خار و خاشاک
روشن شده باشد.

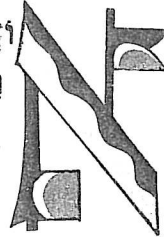
چونکه بنام خدا بر آنها پیروز شدم.
دشمن بمن حمله کرد تا بیفتم؛
ولی خداوند بمن کمک کرد.
خداوند قوت من و باعث سرور من است
گوش فرادارید!
آواز ترنم و نجات درخیمه عادلان
بگوش میرسد:

«نیروی خداوند پیروز است
نیروی خداوند مافوق همه نیروهاست
نیروی خداوند پیروز است.»
من نخواهم مرد، بلکه زنده خواهم ماند
تا اعمال ذات خداوند را تعریف کنم.
خداوند مرا بشدت تنبیه نمود،
اما مرا بدست مرگ نسپرد.
دروازه های عدالت را بروی من
بگشاید،
تا از آنها داخل شده و خدا را شکر
گویم.

این دروازه رحمت خداوند است،

וְדָךְ כִּי עֲוִיתָנִי,
וְתָהִי לִי לִישׁוּעָה.

אֲבָן מֵאֶסוּ הַבּוֹנִים,
הִיְתָה לְרֹאשׁ פִּנֶּה.



מֵאֵת יְיָ הִיְתָה זֹאת;
הִיא נִפְלְאָת בְּעֵינֵינוּ.

זֶה הַיּוֹם עֲשֵׂה יְיָ,
נִגִּילָה וְנִשְׁמְחָה בּוֹ.

אָנָּה יְיָ הוֹשִׁיעָה נָּא.
אָנָּה יְיָ הַצְלִיחָה נָּא.

בָּרוּךְ הָבֵא בְּשֵׁם יְיָ
בִּרְכוּכֵכֶם מִבֵּית יְיָ.

אֵל יְיָ וַיָּאֵר לָנוּ,
אֶסְרוּ חֹג בַּעֲבַתִּים,
עַד קִרְנוֹת הַמִּזְבֵּחַ.

که تنها عادلان از آن داخل خواهند شد

خداوندا! بدرگاه تو شاکرم،

چونکه مرا استجابت فرموده،
باعث نجاتم شدی.

سنگی که بنیان آنرا خوارشمرده
و کنار گذاشته بودند،

مبدل به سنگ اصلی پایه بنا گردید.

زیرا خواست خداوند چنین بود؛
این در نظر ما عجیب و شگفت انگیز
آمد.

این روزی است که خداوند معین
فرموده است،

تا در آن خرسندی و شادی نمائیم.

پروردگارا! التماس داریم، ما را
نجات بده.

خداوندا! التماس داریم، ما را
کامیاب گردان.

متبارک باد کسی که بنام خداوند
وارد میشود.

شماره از خانه خدا دعاوبرکت میکنیم.

خداوند، متعال است؛

بما روشنی بخشیده،

تشریفات عید را،

حتی گوشه‌های قربانگاه را،

باشاخه‌ها مورد پیراسته کنید؛



אֱלֹהֵי אֲתָהּ וְאוֹדָהּ.

אֱלֹהֵי אֲרוֹמָמָהּ.

הוֹדוּ לַיְי כִּי טוֹב,

כִּי לְעוֹלָם חֲסִדוֹ.

(بسراييد:)

«تو پروردگار منی و ترا شاكرم،

تو خداوند منی و ترا متعال میخوانم.

بدرگاه خداوند شكر بگوئيد،

چون نيكوست؛

چونكه احسان او ابدی است.»

הַלְלָהּ הַלְלָהּ

تهليلم فصل ۱۳۶

خداوند را شكر گوئيد، چون

نيكوست

چونكه احسان او ابدی است؛

خداي متعال را شكر گوئيد،

سرور و سروران را شكر گوئيد،

چونكه احسان او ابدی است؛

آنكه كارهاي شگفت انگيز ميكند،

آنكه آسمانها را با فهم و كمال

ايجاد فرموده است،

چونكه احسان او ابدی است؛

آنكه آفتاب را براي حكومت در روز،

ماه و ستارگان را براي حكومت

در شب،

چونكه احسان او ابدی است؛

תהלים קלו

הוֹדוּ לַיְי כִּי טוֹב,

כִּי לְעוֹלָם חֲסִדוֹ.

הוֹדוּ לֵאלֹהֵי הָאֱלֹהִים, כָּל־ח.

הוֹדוּ לֵאֲדֹנֵי הָאֲדֹנִים, כָּל־ח.

לַעֲשֵׂה נִפְלְאוֹת גְּדֻלּוֹת לְבָדּוֹ, כָּל־ח.

לַעֲשֵׂה הַשְּׁמַיִם בְּתַבּוּנָה, כָּל־ח.

לְרוֹקֵעַ הָאָרֶץ עַל הַמַּיִם, כָּל־ח.

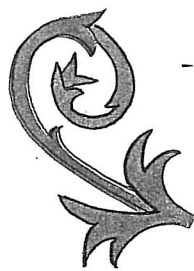
לַעֲשֵׂה אוֹרִים גְּדֻלִּים, כָּל־ח.

אֶת הַשֶּׁמֶשׁ לְמַמְשֶׁלֶת בַּיּוֹם, כָּל־ח.

אֶת הַיָּרֵחַ וְכּוֹכָבִים לְמַמְשֶׁלֶת

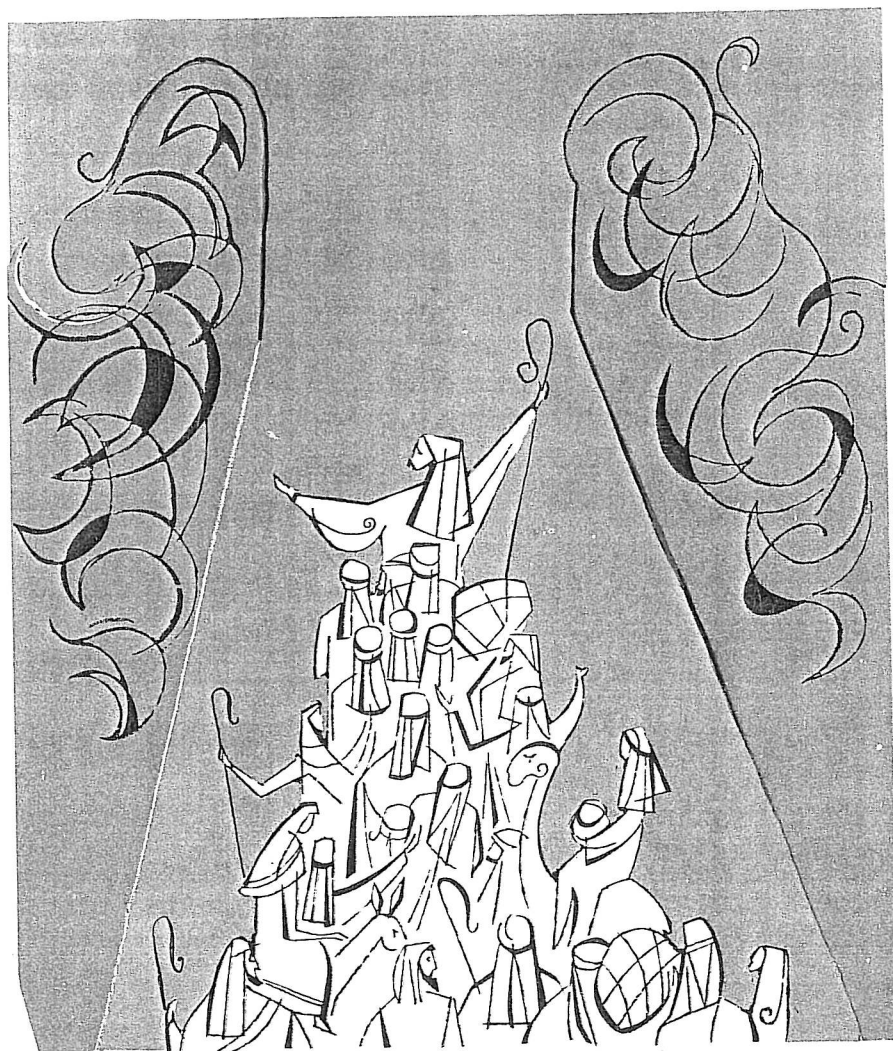
בַּלַּיְלָה, כָּל־ח.

آنکه اول زادگان مصریان را	لَمִכָּה מִצְרַיִם בְּבִכּוּרֵיהֶם, כָּל־ח.
ضربت زد،	וַיֵּצֵא יִשְׂרָאֵל מֵתוֹכָם, כָּל־ח.
و ملت اسرائیل را از میان آنها	בְּיַד חֲזָקָה וּבְזוֹרֵעַ נְטוּיָה, כָּל־ח.
خارج ساخت،	لְגִזֹּר יָם סוּף לַנָּהָרִים, כָּל־ח.
با قدرت قوی و بازوی افراشته،	וְהַעֲבִיר יִשְׂרָאֵל בְּתוֹכוֹ, כָּל־ח.
چونکه احسان او ابدی است؛	וְנִעַר פְּרָעָה וַחִילוֹ בַיָּם סוּף, כָּל־ח.
آنکه دریای احمر را شکافت،	לְמַלְיָךְ עֲמֹ בַמִּדְבָּר, כָּל־ח.
و اسرائیل را از میان آن عبور داد،	לִמִּכָּה מַלְכִּים גְּדִלִים, כָּל־ח.
فرعون و سپاهیانش را در دریای	וַיַּהַרְגוּ מַלְכִּים אֲדִירִים, כָּל־ח.
احمر غرق کرد،	לְסִיחּוֹן מֶלֶךְ הָאֲמֹרִי, כָּל־ח.
چونکه احسان او ابدی است؛	וּלְעֹז מֶלֶךְ הַבְּשָׁן, כָּל־ח.
آنکه قوم خود را دریابان رهبری	וְנִמְן אֶרְצָם לְנַחֲלָה, כָּל־ח.
فرمود،	נַחֲלָה לְיִשְׂרָאֵל עֲבָדָיו, כָּל־ח.
آنکه سلاطین بزرگ را ضربت زد،	שִׁבְשִׁבְלָנוּ זָכַר לָנוּ, כָּל־ח.
چونکه احسان او ابدی است؛	וַיַּפְרֶקֵנוּ מִצָּרֵינוּ, כָּל־ח.
پادشاهان نیر و مندی را هلاک کرد؛	נָתַן לָחֶם לְכָל בָּשָׂר, כָּל־ח.
سیحون پادشاه اموری ها،	
وعوگ پادشاه باشان،	
چونکه احسان او ابدی است؛	
سرزمین آنها بطور نصیب،	
بملت اسرائیل بنده اش عطا فرمود،	
آنکه درپستی ما، ما را بیاد آورد،	
ما را از دست دشمنان ما خلاص فرمود،	
چونکه احسان او ابدی است؛	
خدائی که بهر موجود زنده روزی	



می‌دهد،
خدای آسمان را شکر گوئید،
چونکه احسان او ابدی است.

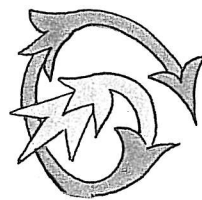
הודו לאל השמים,
כי לעולם תסדו.



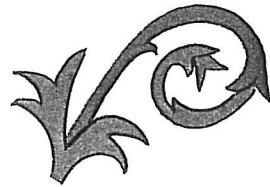
נשמת

נשמת כל-חי תברך את שמך יהוה
אלהינו ורוח כל-בשר תפאר
ותרומם זכרך מלפניו תמיד.
מו-העולם ועד-העולם אתה אל.
ומבלעדיך אין לנו (מלך) גואל
ומושיע. פודה ומציל. ועונה
ומרחם. בכל-עת צרה וצוקה. אין
לנו מלך עוזר וסומך אלא
אתה: אלהי הראשונים והאחרונים.
אלוה כל בריות. אדון כל-תולדות.
המהלל בכל-התשבחות. המנהג
עולמו בחסד ובריותיו ברחמים.
ויהוה אלהים אמת לא ינום ולא
ישן. המעורר ישנים והמקיץ
נרדמים. מחיה מתים. ורופא חולים.
פוקח עורים. וזוקף כפופים. המשיח
אלמים. והמפענח נעלמים. ולה

جان هر زبچياتي نام شريف
را تهنيت ميگويد، وروح هر موجود
زنده‌اي زكر نام مقدست را هميشه
شرافت و رفعت گويد. ازا زل تا
ابد تو خدائي. جز تو نداريم
پادشاهي نجات‌دهنده و فرج‌دهنده
فديه دهنده و خلاص كننده.
استجابت كننده و مرحمت كننده.
در هنگام عذاب و تنگي، ما را
پادشاهي ياور و مساعد بغير از ذات
تو نيست. اي خدای متقدمين و
متأخرين، خالق تمام كائنات، سرور
جميع موجودات، ممدوحی در تمام
تسبيحات، آنكه جهان را با احسان
و مخلوقات خویش را با رحمت
رهبری ميکند. خداوند خالق،
حقيقت محض است، پروردگاری
كه چرت و خواب برای ذات او
متصور نيست. خدائي كه بيدار-
كننده خفتگان است، آگاه كننده
مدهشان است، احياء كننده
مردگان است، طبيب بيماران است،
گشاينده چشمان نابينايان است.
بلند كننده قامت خميدگان است،
بزبان آورنده گنگان است، كاشف

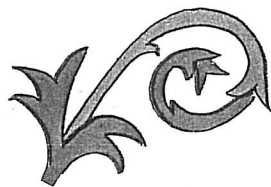


تمام اسرار است. خدایا! تنها
 به ذات بزرگوارت شکر گزار
 میباشیم. اگر دهان ما مملو از
 سرود باشد؛ مانند آبهای دریا،
 زبان ما مملو از ترنم باشد؛ مانند
 امواج فراوان آن، لبان ما مملو از
 تسبیح باشد؛ چون وسعت عرصه
 آسمانها. چشمان ما منور باشند،
 مانند تشعشع خورشید و ماه، دستان
 ما بسوی تو گسترده باشند مانند
 بالهای عقابهای آسمان، پاهای ما
 برای بندگی ات سبک باشند؛ مانند
 غزالان، باوجود این، ای خدای
 خالق ما، فرصت و کفایتی برای
 شکرانه و تبریک بنام شریفت
 نخواهیم داشت و بیاس یکی از
 هزاران هزار و کثرت بیوریورها
 مراتب نیکی ها، معجزات و کارهای
 عجیبی که برای ما واجد امان از
 قدیم انجام داده ای، نام مقدست را
 متبارک بخوانیم. پرورد گارا! تو ما
 را از سرزمین مصر نجات دادی، و
 از خانه بندگی ما را فدیة دادی،
 در روز گار قحطی ما را روزی دادی،
 در دوران سیری و فراوانی بما نفقه



لְבָדָה אֲנַחְנוּ מוֹדִים: וְאֵלֹהֵי פִינוּ מְלֵא
 שִׁירָה בָּיָם. וְלִשְׁוֹנֵנוּ רֶנֶּה פְּהֵמוֹ
 גְּלִיו. וְשִׁפְתוֹתֵינוּ שֹׁבַח כְּמִרְחָבֵי
 רְקִיעַ. וְעֵינֵינוּ מְאִירוֹת כְּשֶׁמֶשׁ
 וְכִכְלֶם. וְיָדֵינוּ פְּרוֹשׁוֹת כְּנִשְׁרֵי
 שָׁמַיִם. וְרַגְלֵינוּ קָלוֹת כְּאַיִלוֹת. אִיו
 אֲנַחְנוּ מְסַפְּקִין לַהֲדוּת לָהּ יְהוָה
 אֱלֹהֵינוּ. וְלִכְרָה אֶת־שִׁמָּה מִלִּכְנוֹ. עַל
 אַחַת מְאֻלָּה אֱלֹפִי אֱלֹפִים וְרוֹב רַבִּי
 רַבּוֹת פְּעָמִים. הַטּוֹבוֹת נִסִּים
 וְנִפְלְאוֹת שְׁעֵשִׁית עֲמָנוּ וְעַם
 אֲבוֹתֵינוּ מִלִּפְנֵים מִמְּצָרִים גְּאֻלָּתָנוּ
 יְהוָה אֱלֹהֵינוּ. מִבֵּית עֲבָדִים פְּדִיתָנוּ.
 בְּרָעַב וְנָתַתָּנוּ. וּבְשֹׁבַע כִּלְכַּלְתָּנוּ.





מִחֶרֶב הַצֵּלְתָּנוּ. מְדַבֵּר מִלִּטְתָּנוּ.
וּמִחֲלָאִים רָעִים וְרָבִים דִּלִּיתָנוּ. עַד
הֵנָּה עֲזָרוּנוּ רַחֲמֶךָ וְלֹא עֲזָבוּנוּ
חֲסִדֶּיךָ. עַל כֵּן אֲבָרִים שְׁפִלְגָת בָּנוּ.
וְרוּחַ וְנִשְׁמָה שְׁנִפְחָתָ בְּאַפִּינוּ, וְלִשׁוֹן
אֲשֶׁר שָׁמַתָּ בְּפִינוּ. הֵן הֵם. יָדוֹ
וַיִּכְרֹכֵנוּ, וַיִּשְׁבְּחֵנוּ. וַיַּפְאֲרוּ. וַיִּשׁוּרְרוּ.
אֶת־שְׁמֶךָ מִלִּבָּנוּ תָּמִיד. כִּי כָל־פֶּה לְךָ
יִוְדֶה. וְכָל־לִשׁוֹן לְךָ תִּשְׁבַּח. וְכָל־עֵין
לְךָ תִּצְפֶּה. וְכָל־בֶּרֶךְ לְךָ תִּכְרַע.
וְכָל־קוֹמָה לְפָנֶיךָ תִּשְׁתַּחֲוֶה.
וְהַלְבָבוֹת יִירְאוּךָ וְהַקֶּרֶב וְהַפְּלִיּוֹת
יִזְמְרוּ לְשִׁמְךָ. כַּדָּבָר שֶׁנֶּאֱמַר כָּל
עֲצָמָתִי תִּאֱמַרְנָה יְהוָה מִי כָמוֹךָ מַצִּיל
עַנִּי מִחֶזֶק מִמֶּנּוּ. וְעַנִּי וְאֶבְיוֹן מִגְּזֵלוֹ:

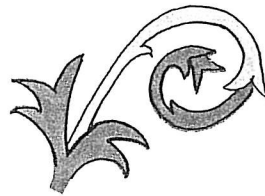


دادی، مارا از آسیب شمشیر دشمن
خلاص فرمودی. از بالای طاعون
رهانیدی، از بیماریهای بد ما را
محفوظ داشتی. تا کنون مراحم تو
مارا یاری نموده اند و احسان های
مارا ترک نکرده اند. بنابراین، اعضاء
و جوارحی که در بدن ما بوجود
آورده ای، روح و روانی که در دماغ
ما دمیده ای، زبانی را در دهان ما
نهاده ای، همد و همه تو را شکر
گویند، متبارک خوانند، تحسین
کنند، مفتخر بدانند. و بنام تو ای
پادشاه ما دائم سرود بخوانند. زیرا
هر دهانی شکر تو را گوید، هر زبانی
تسبیح ترا خواند، هر چشمی سوی
تو می نگرد و از جانب تو انتظار
دارد، هر زانوئی بحضور تو رکوع
میکند، هر قامتی بدر گاهت سجده
نموده و بخاک میافتد. دلها از تو
ترسانند و تمام اعضاء وجود بنام
تو سرود میخوانند. چنانکه حضرت
داود در زبور خود میفرماید، «تمام
استخوان های من گویند:
پرورد گارا! کیست مانند تو، که
فقیر را از دست قویتر از خودش

خلاص میکنی، گدا و مسکین را از
دست غاصب رهایی میبخشی، استغاثه
فقرا را استجابت کرده و بفریاد
ذلیل توجه نموده، او را نجات
میدهی. و باز مرقوم است: «ای
عادلان، بدرگاه خداوند ترنم
گوئید، زیرا مدح و ثنا گفتن
برازنده در ستکاران است.

در دهان درستکاران بلند مرتبه
خوانده میشود،
بر لبان عادلان متبارک گفته میشود
بر زبان پارسایان مقدس خوانده
میشود،

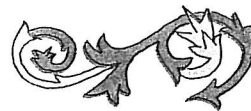
و در دل مقدسان تهلیل گفته میشود،
ای خدای خالق ما، و خالق اجداد
ما، در اجتماعات کثیر قومت،
خاندان اسرائیل، - آن چنانکه
وظیفه هر موجودی در حضور تو
میباشد - با اشعار و حمد و ثنائی
حضرت داوید بن یشای بنده مسح-
شدهات همزبان شده، بدرگاهت
شکر گزاری نموده، تهلیل و تسبیح
خوانده، ترا مفتخر و بلند مرتبه
دانسته و شوکت داده و ذات ترا
ابدی بدانند. بنابراین، ای پادشاه



שועת עניים אתה תשמע. צעקת
הדל תקשיב ותושיע. וכתוב. ה' רננו
צדקים ביהוה. לישרים נאווה תהלה:

קפי	י	שרים	תת	ר	ומם:
ובשמי	צ	דיקים	תת	ב	ר:
ובלשון	ח	סידים	תת	ז	דש:
ובקרב	ק	דושים	תת	ה	ל:

במקהלות רבבות עמך בית ישראל.
שכן חובת כל-היצורים לפניך יהוה
אלהינו נאלי אבותינו להודות.
להלל. לשבח. לפאר. לרומם.
להדר. ולנצח. על כל דברי שירות
ותשבחות דוד בן ישי עבדך
משיח: ובכו



יִשְׁתַּבַּח שְׁמֶךָ לְעַד מַלְכֵנוּ הָאֵל הַמֶּלֶךְ
הַגָּדוֹל וְהַקָּדוֹשׁ בְּשָׁמַיִם וּבָאָרֶץ
כִּי־לָךְ נָאָה יְהוָה אֱלֹהֵינוּ וְאֱלֹהֵי
אֲבוֹתֵינוּ לְעוֹלָם וָעֶד. * שִׁיר. *
וּשְׁבָחָה. * הַלֵּל. * וְזִמְרָה. * עֲזֹר.
וּמְמִשְׁלָה. * נִצָּח. * גְּדֻלָּה. * גְּבוּרָה. *
תְּהִלָּה. * וְתַפְאֶרֶת. * קִדְשָׁה. *
וּמַלְכוּת. בְּרָכוֹת וְהוֹדָאוֹת. לְשִׁמְךָ
הַגָּדוֹל וְהַקָּדוֹשׁ. וּמַעֲוֹלָם וָעַד עוֹלָם
אָמֵן אֵל:

ما ! ای سلطان بزر گوار و مقدس!
نام تو تا ابد در آسمان و زمین مورد
تحسین است. چونکه ای خالق ما
و ای خالق اجداد ما ! سرود و
تسبیح، تهلیل و تمجید، قدرت و
حکومت، ابدیت و بزرگواری،
جبروت و مدح، افتخار و قدوسیت،
سلطنت و برکات و سیاسها تا ابد
بتو، به نام بزر گوار و مقدس
می برازد. از ازل تا به ابد تو قادر
مطلق.

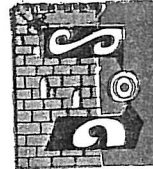
ای خدای خالق ما، تمام
مخلوقات، پارسایان و عادلان
اجرا کنندگان اراده تو، ترا حمد
و ثنا میگویند. ملت تو خاندان
ایسرائل همگی با ترنم سیاس ترا
بجا آورده و نام مقدس ترا ای پادشاه
ما متبارك میگویند، آنرا تسبیح
گفته، مفتخر و متعال دانسته،
حرمت می نهند و تقدیس میکنند.
زیرا بدرگاه تو سیاس گفتن شایسته
است و به نام تو سرود گفتن خوش
است، از ازل تا ابد تو خداهستی.
متباركی تو ای خداوند ای پادشاه
ممدوح با تسبیحات.

יְהִלְלוּךָ, יְיָ אֱלֹהֵינוּ, כָּל מַעֲשִׂיךָ;
וְחִסְדֶּיךָ, צְדִיקִים עוֹשֵׂי רְצוֹנְךָ,
וְכָל עַמֶּךָ בֵּית יִשְׂרָאֵל, בְּרִנָּה יוֹדוּ
וַיְבָרְכוּ, וַיִּשְׁבְּחוּ וַיְפָאֲרוּ, וַיְרַמְּמוּ
וַיַּעֲרִיצוּ, וַיְקַדִּישׁוּ וַיְמַלִּיכוּ אֶת שְׁמֶךָ
מַלְכֵנוּ. כִּי לָךְ טוֹב לְהוֹדוֹת, וּלְשִׁמְךָ
נָאָה לִזְמֹר, כִּי מַעֲוֹלָם עַד עוֹלָם
אָמֵן אֵל. בְּרוּךְ אָמֵן, יְיָ מֶלֶךְ
מְהֵלָל בַּתְּשֻׁבּוֹת.

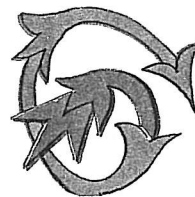


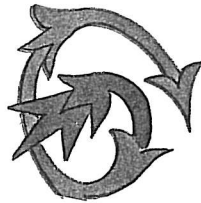
جام چهارم یا نین در حال تکیه دادن نوشیده میشود .
سپس براخای ذیل گفته میشود

רוך אתה, יי אלהינו,
מלך העולם, על הגפן
ועל פרי הגפן, ועל
תנובת השדה, ועל ארץ חמדה
טובה ורחבה שרצית והנחלת
לאבותינו לאכל מפריה ולשבע
מטובה. רחם נא, יי אלהינו, על
ישראל עמך, ועל ירושלים עירך,
ועל ציון משכן כבודך, ועל מזבחך
ועל היכלך. ובנה ירושלים עיר
הקדש במהרה בימינו, והעלנו
לתוכה ושמחנו בבנינה, ונאכל
מפריה ונשבע מטובה, ונברכה
עליה בקדשה ובטהרה. ורצה
והחליצנו ביום השבת הזה, ושמחנו
ביום חג המצות הזה. כי אתה, יי,
טוב ומטיב לכל, ונודה לך על
הארץ ועל פרי הגפן. ברוך אתה,
יי, על הארץ ועל פרי הגפן.



متبارك هستی تو ای خدای
خالق ما ، پادشاه جهان، که درخت
مورمیوه درخت موسایر محصولات
کشاورزی را بوجود آورده ای و
سرزمین زیبا، خوب و پهناوری را
که بارضایت مبارکت نصیب اجداد
ما ساختی، تا از میوه های آن خورده
واز نعمتش سیرشویم. پروردگارا!
برما و ایسرائل قومت، یروشالیم
شهر برگزیده ات، کوه صیون
جایگاه جلالت، بر قربانگاه و
محرابت ترحم فرما. یروشالیم شهر
مقدس را بزودی در ایام ما آباد و
قرین صلح فرما. مارا بآن سرزمین
رهنمائی فرموده و با آباد کردن آن
مارا شادمان فرما، تا اینکه ترا با
قدوسیت و پاکی متبارک بگوئیم.
مارا در این روز عید فطیر و در این
روز خوش که مقدس خوانده شده
است شادمان فرما، زیرا که تو
نکوئی و بهمه خوبی میفرمائی .
ذات ترا بخاطر آن سرزمین و





بوجود آوردن میوه درخت مو شکر
میگوئیم. متبارك هستی تو ای
خداوند بخاطر عطا کردن آن
سرزمین و میوه درخت مو.

در سرزمین اسرائیل از قرن ششم بعد نوعی شعر مذهبی بوجود آمد
که آنرا «پسوت» می نامند و سراینده چنین اشعاری را پیتان گویند. دوفسر از
معروفترین سرایندهگان این قبیل اشعار مذهبی ربی «ینای» (قرن هفتم) و ربی
«المازار هقلیر» (قرن هشتم) میباشند. شعر زیر یکی از آثار ربی «المازار هقلیر»
میباشد که در اصل عبری بصورت شعر موشح نوشته شده است. در این شعر، شاعر
به استناد بر احادیث یهود، از وقایع نجات بخش مختلف تاریخی که در ایام پسخ
اتفاق افتاده اند سخن میگوید. مصرعی که در هر بند تکرار میشود «این قربان پسخ
است»، از سفر شموت فصل ۱۲ آیه ۲۷ انتخاب شده است:

بنابر این بگوئید:

«این قربانی پسخ است»

قدرت جبروت را در پسخ آشکار
فرمودی؛

پسخ را سر آغاز تمام اعیاد مقرر
فرمودی؛

به ابراهیم بنده عزیزت در نیمه شب

شگفتی های پسخ را بنمودی

(تلمود باوآترا ۱۵/۱)

این قربانی پسخ است.

در گرمای نیمه روز پسخ،

ذات به خیمه گاهش جلوه گر شد

וְכִבֵּן,

וְאַמְרָתָם. וְכִבֵּן פֶּסַח.

אֶמֶץ וְבוֹרוֹתֶיךָ הַפֶּלֶאֶת בְּפֶסַח.

בְּרֹאשׁ כָּל מוֹעֲדוֹת נִשְׁאֵת פֶּסַח.

וְלֵיתָ לְאוֹרְחֵי חֲצוֹת לַיִל פֶּסַח.

וְאַמְרָתָם וְכִבֵּן פֶּסַח.



در پسخ ابراهیم از فرشتگان با
نان فطیر پذیرائی کرد؛
بطرف گله‌اش دوید تا گوساله‌ای
برای پسخ هدیه آورد.
(برشیت فصل ۱۸ آیات ۷ و ۶)

«این قربانی پسخ است»

شریران سدوم وعمورا در آتش نابود
شدند؛

اما لوط نجات یافته و در پسخ نان
فطیر پخت؛

(برشیت فصل ۱۹ آیه ۳)
در ایام پسخ بود که ذات بزرگوارت
قدرت مصر را درهم شکست.

«این قربانی پسخ است»

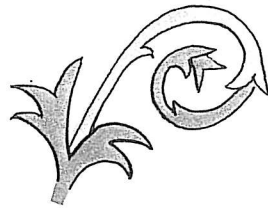
خداوند! شب پسخ بود که اولزادگان
ذکور مصریان را ضربت زدی؛
ای قادر مطلق! اولزادگان ملت
ایسرائل را مستثنا فرمودی؛

اجازه نفرمودی که فرشته مرگ از
درب خانه‌های آنها عبور کند.
(شموت فصل ۱۲ آیه ۲۳)

«این قربانی پسخ است»

حصارهای شهر یریحو در پسخ
فروریخته شدند؛

(یهوشوع فصل ۶ آیه ۵)

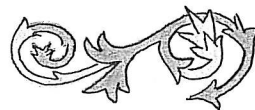


ד' לתיו דפקת כחם היום בפסח,
ה סעיד נוצצים עגות מצות בפסח,
ו אל הבקר רץ זכר לשור ערף פסח.

ואמרם יבח פסח.

ז עמו סדומים ולהטו באש בפסח,
ח לץ לוט מהם ומצות אפה בקץ פסח,
ט אטאת אדמת מך ונף בעברך בפסח.
ואמרם יבח פסח.

י ה ראש כל און מחצת בליל שמור פסח,
כ ביר על בן בכור פסחת בדם פסח,
ל בלתי תת משחית לבא בפתחי בפסח.
ואמרם יבח פסח.



رؤیای گرده‌های نان جو ،

میدیان را در شب پسخ نابود کرد
(داوران فصل ۷ آیه ۱۳)

و آشوریان قدرتمند در میان شعله‌های
آتش سوخته شدند (یلقوت شمعونی)

«این قربانی پسخ است»

در ایام پسخ بود که سناخریب در پشت
دروازه‌های شهر صیون دچار فاجعه شد
(یشعیا فصل ۲۰ آیه ۳۲)

دستی غیبی سر نوشت بابل را بر روی
دیوار نگاشت. (دانیال فصل ۵ آیه ۲۴)

پاسدار مواظب است؛ و سفره آماده
(یشعیا فصل ۲۱ آیه ۶)

در این شب بود که بابلیان جشن گزار
به سزای خود رسیدند.

«این قربانی پسخ است»

در پسخ بود که استر ملکه سه روز
روزه تعیین کرد؛ (استر فصل ۴ آیه ۱۶)
و هامان شیر بر بالای دار پنجاه زراعی
بدار آویخته شد (استر فصل ۷ آیه ۹)
چنانکه در گذشته دشمنان ما را در
پسخ تنبیه فرمودی.

بارد گر در پسخ دشمنان ما را دوچندان

تنبیه فرما، (یشعیا فصل ۴۹ آیه ۹)

چنانکه در پسخ قدرت ذات را بنمودی
بار دیگر بنما (تهیلیم فصل ۸۹ آیه ۱۴)

«این قربانی پسخ است»

מִסִּגְרֵת סִגְרָה בַּעֲתוֹתַי פֶּסַח.

וְשִׁמְדָה מִדֵּן בְּצִלְלִי שְׁעוֹרֵי עֹמֶר פֶּסַח.

שֶׁרָפוּ מִשְׁמָנִי פֹה וְלוֹד בִּיקֵד יִקֹּד פֶּסַח.

וְאִמְרָתָם יִבַּח פֶּסַח.

עוֹד הַיּוֹם בְּנוֹב לַעֲמוֹד עַד גֶּעֶה עֹזֶנֶת פֶּסַח.

פֶּסֶח יֵד בְּתִבָּה לְקַעֲקַע צוֹל בְּפֶסַח.

צָפָה הַצִּפִּית עֶרֶוֹף הַשְּׁלֶחֶן בְּפֶסַח.

וְאִמְרָתָם יִבַּח פֶּסַח.

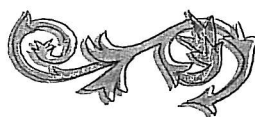
קֹהֵל בְּנוֹסֶה הַדֹּסָה צוֹם לְשִׁלֵּשׁ בְּפֶסַח.

וְאֵשׁ מִבֵּית רָשָׁע מִחֲצֵה בְּעֵץ הַמָּשִׁים
בְּפֶסַח.

שְׁמִי אֵלֶּה רְנוּעַ תְּבִיאָה לַעֲוִיצִית בְּפֶסַח.

תֵּעוּ יִדְדֵי תְרוֹם יְמִינֶךָ כְּלִיל הַתְּקִדֵּשׁ חֹג
פֶּסַח.

וְאִמְרָתָם יִבַּח פֶּסַח.



برای درمین شب سیدر

סְפִירַת הָעוֹמֶר סְפִירַת הָעוֹמֶר: שְׁמֵר דֵּן עוֹמֶר

هنگام برقراری معبد مقدس اورشلیم «پسح» جشنی کشاورزی نیز محسوب میشد. در سرزمین اسرائیل اکثریت مردم را کشاورزان تشکیل میدادند و بهار آغاز فصل درو کردن محصولات کشاورزی بود. دهقانان با ایمان در روز شانزدهم ماه نیشان (دومین روز عید پسح)، از اولین محصول جو هدیه «عُومِر» را بعنوان شکرگزاری از رحمت‌های الهی به معبد مقدس تقدیم میکردند.

برطبق مندرجات میشنا، روز اول عید پسح، بعداز غروب آفتاب مقداری از محصول جو با تشریفات مخصوص و با حضور اجتماعی از دهقانان و نمایندگان شورای عالی مذهبی درو میشد. از جو دو گرده نان تهیه شده و بمعبد تقدیم میشد. ازطرف دیگر برطبق فرمان «تورا» سفر دواریم. (تثنیه فصل ۱۶ آیه ۱۹)، ازروز دوم پسح، مدت هفت هفته تا رسیدن عید شاوووعوت شمارش میشود. این شمارش در بین تمام جوامع یهود معمول بوده و بنام «سְפִירַת הָעוֹמֶר» معروف است. دلیل این شمارش را میتوان از حدیث زیر دریافت:

هنگام خروج از مصر بملت اسرائیل گفته شد که پنجاه روز بعد از رهائی از مصر در پای کوه سینای بدریافت «تورا» نائل خواهد گردید. بنابراین همانطور که داماد در انتظار روز عروسی و پدر و مادر در انتظار بدنیا آمدن فرزند خود روزشماری میکنند همانگونه نیز ملت اسرائیل درانتظار دریافت «تورا» شروع به روزشماری کرده و با گذشت هرروز میگفت: «امروز یکروز بدریافت «تورا» نزدیک شدم».

عاقبت درپنجاهمین روز، روز ششم ماه سیوان، جلال خداوند دربالای کوه سینای تجلی فرموده و ده کلام یعنی اساس «تورا» را بملت اسرائیل عطا فرمود. این واقعه عظیم سرآغاز متشکل شدن قوم یهود بصورت یک ملت موحد و خداپرست بود.

ברוך אתה, יי אלהינו, מלך
העולם, אשר קדשנו במצותיו וצונו
על ספירת העמר:

היום יום אחד לעמר:

יהי רצון מלפניך, יי אלהינו
ואלהי אבותינו, שייבנה בית המקדש
במהרה בימינו. ותן חלקנו בתורתך:

مبارك هستی ای خداوند خالق
ما و خالق پدران ما، پادشاه جهان،
که ما را بفرامینت تقدیس نموده و
فرض شمردن عومر را بما فرمودی.
امروز روز از اول عومر است
ای خداوند خالق ما و خالق
پدران ما، کاش اراده ذات مقدست
براین باشد که معبد مقدس بزودی
در ایام ما آباد گردیده و ما به آموزش
«تورا»ی مقدست نائل شویم.

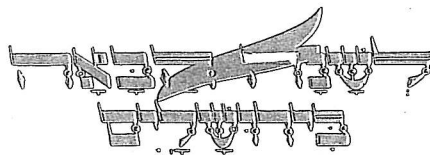
۱۵. نیر صا - پایان مراسم

سدر

اینک که کلیه مراسم و فرائض پسح
پایان می پذیرند،
امید داریم چنانکه امشب بخوبی
موفق به برگزاری این مراسم شدیم،
در سالهای آینده نیز با خوشی و
شادمانی مراسم این عید را بجا آوریم.
ای سرور کائنات!
ملت پراکنده خویش را جمع آوری
فرما.

חסל סדור פסח כהלכתו,
בכל משפטו וחקתו;
כאשר זכינו לסדר אותו,
בן נוכה לעשותו.

זך שוכן מעונה,
קומם קהל עדת מי מנה;
בקרוב נהל נטעי כנה,
פדוים לציון ברנה.



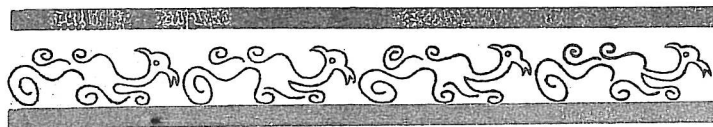


«خَد گدیا»

«خَد گدیا» سرودی است که بزبان آرامی نوشته است. باوجود قدمت آن معه‌ذا تا سال ۱۵۹۰ میلادی جزو هگادا محسوب نمی‌گردید. در این سال برای اولین مرتبه این شعر در «پراگ» جزو «هگادا» بچاپ رسید. و از این تاریخ بعد درین جوامع مختلف یهودی مورد قبول واقع شد.

همانطور که قبلاً اشاره شد، کودکان در مراسم این شب سهم بسزائی دارند و قسمت‌هائی از هگادا که صرفاً دارای جنبه‌های آموزشی میباشند، برای کودکان انتخاب شده‌اند. این شعر نیز نمونه‌ای از این روش میباشد. ظاهراً این شعر دارای متونی ساده و افسانه‌مانند است، اما حکایت از عدالت الهی نیز مینماید و مبین آنست که خداوند متعال هر کس را بسزای اعمال نیک و یا بد او میرساند.

برخی از علمای یهود این شعر را بصورت دیگر تفسیر و توجیه کرده‌اند. آنها عقیده‌مندند که خداوند متعال تعیین کننده مسیر تاریخ بشر و سر نوشت ملت‌ها است. ملت اسرائیل که در این شعر تشبیه به بزغاله‌ای شده‌است، بفرمان خداوند و برهبری حضرت موسی و هارون (دوزوزیم) از مصر رهائی یافت. اما پس از مدتی زمانی گرفتار قدرت‌های نیرومندتری گردید که هر یک از این قدرتهای بنوبه‌خو بوسیله قدرتی نیرومندتر و جوان‌تر از پای درآمد تا اینکه عدالت ذات الهی نمایان گردد. قدرت آشور به گربه، بابل به سگ، ایران قدیم به چوب دستی، یونان به آب و روم به گاو تشبیه شده است. اما خداوند بزرگ عاقبت سزای ظالم را داده و عادل و پارسای را نجات میدهد.



חד גדיא, חד גדיא,
דובן אבא בתרי זוי;

חד גדיא, חד גדיא!

ואתא שונרא

ואכל לגדיא,

דובן אבא בתרי זוי;

חד גדיא, חד גדיא!

ואתא מיא

דכבה לנורא,

דשרף לחוטרא,

דהכה לכלבא,

דנשר לשונרא,

דאכל לגדיא,

דובן אבא בתרי זוי;

חד גדיא, חד גדיא!

ואתא כלבא

ונשר לשונרא,

דאכל לגדיא,

דובן אבא בתרי זוי;

חד גדיא, חד גדיא!

ואתא תורא

ושטה למיא,

דכבה לנורא,

דשרף לחוטרא,

דהכה לכלבא,

דנשר לשונרא,

דאכל לגדיא,

דובן אבא בתרי זוי;

חד גדיא, חד גדיא!

ואתא חוטרא

והכה לכלבא,

דנשר לשונרא,

דאכל לגדיא,

דובן אבא בתרי זוי;

חד גדיא, חד גדיא!

ואתא השוחט

ושחט לתורא,

דשטה למיא,

דכבה לנורא,

דשרף לחוטרא,

דהכה לכלבא,

דנשר לשונרא,

דאכל לגדיא,

דובן אבא בתרי זוי;

חד גדיא, חד גדיא!

ואתא נורא

ושרף לחוטרא,

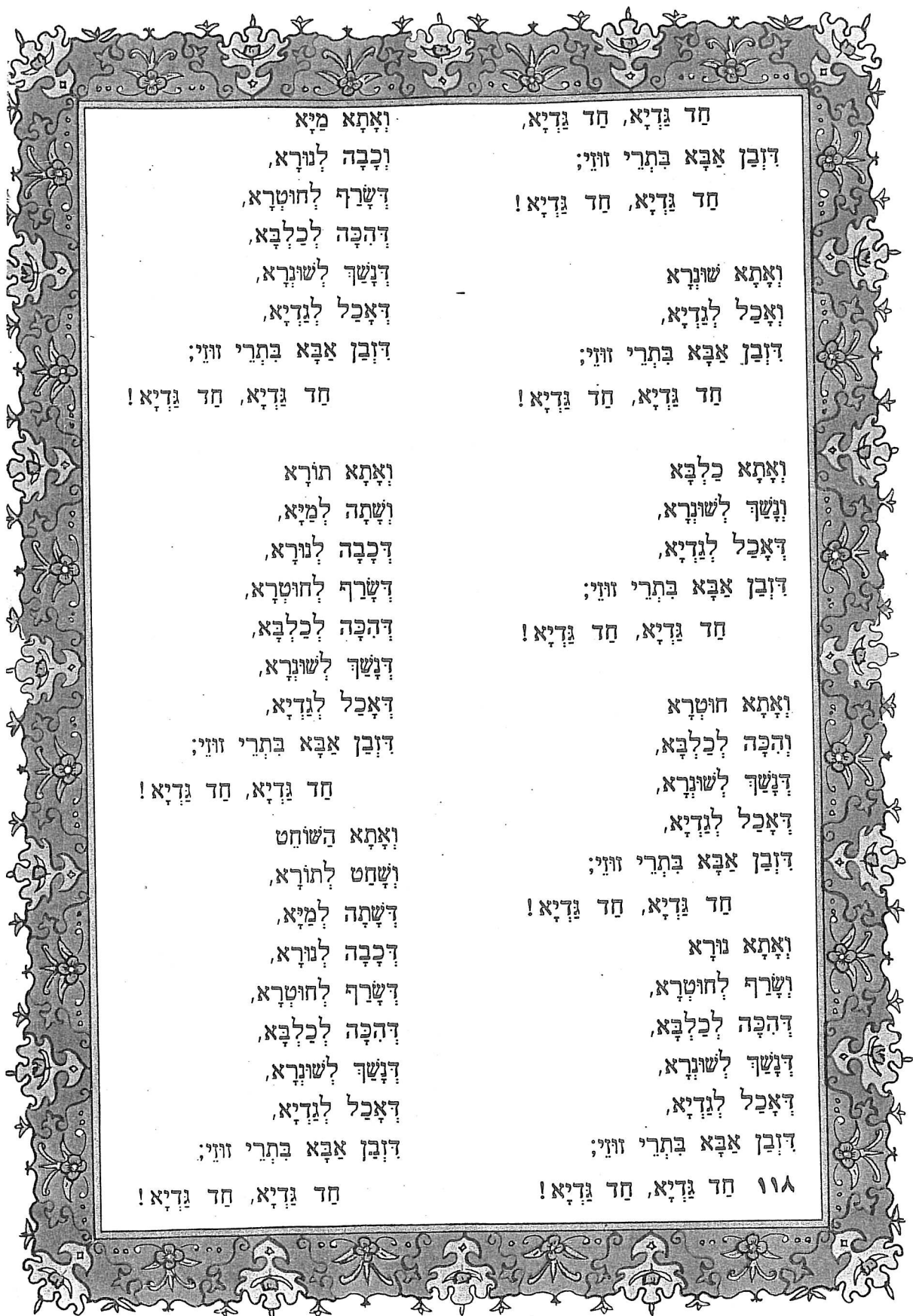
דהכה לכלבא,

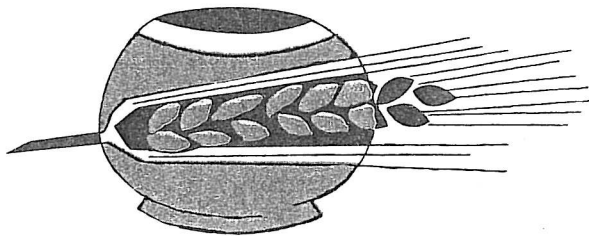
דנשר לשונרא,

דאכל לגדיא,

דובן אבא בתרי זוי;

חד גדיא, חד גדיא!



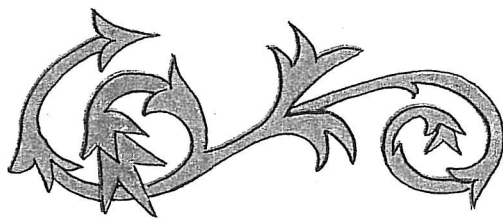


וְאַתָּא מֵלֶאךְ הַמָּוֶת,
וְשַׁחַט לְשׁוֹחֵט,
דְּשַׁחַט לְתוֹרָא,
דְּשִׁתָּה לְמִיָּא,
דְּכָבָה לְנוֹרָא,
דְּשִׁרְף לְחוּטְרָא,
דְּהִכָּה לְכַלְבָּא,
דְּנִשֵּׁךְ לְשׁוֹנְרָא,
דְּאָכַל לְגִדְיָא,
דְּזָבֵן אָבָא בְּתַרֵּי זְוִי;

חַד גִּדְיָא, חַד גִּזְ

הַתְּקוּהָ

כָּל עוֹד בְּלִבְבֵּי פְּנִימָה. נֶפֶשׁ יְהוּדֵי הוֹמְיָה.
וְלִפְאַתִּי מִזְרַח קְדִימָה. עֵין לְצִיּוֹן צוֹפִיָּה:
עוֹד לֹא אֶבְדָּה תְּקוּמָתִי. הַתְּקוּהָ שְׁנוֹת אֲלֻפִּים.
לְהִיּוֹת עִם חֶפְשִׁי בְּאַרְצֵנוּ. בְּאַרְץ צִיּוֹן וִירוּשָׁלַיִם:



וְאַתָּא הַקְדוּשׁ בְּרוּךְ הוּא
וְשַׁחַט לְמֵלֶאךְ הַמָּוֶת,
דְּשַׁחַט לְשׁוֹחֵט,
דְּשַׁחַט לְתוֹרָא,
דְּשִׁתָּה לְמִיָּא,
דְּכָבָה לְנוֹרָא,
דְּשִׁרְף לְחוּטְרָא,
דְּהִכָּה לְכַלְבָּא,
דְּנִשֵּׁךְ לְשׁוֹנְרָא,
דְּאָכַל לְגִדְיָא,
דְּזָבֵן אָבָא בְּתַרֵּי זְוִי;

חַד גִּדְיָא, חַד גִּדְיָא!